



سخن سردبیر

تلنگر کرونایی

کرونا فقط یک حادثه پزشکی در حوزه سلامت و بهداشت نبود، بلکه پدیده ای جهانی است که در همه ابعاد زندگی بشر به گونه ای رخ نمود.

ارتباط و تعامل انسانی، آموزش، فرهنگ، اقتصاد، اشتغال، مناسک مذهبی و سیاست در کنش و مواجهه با این ویروس تغییراتی را تجربه نمودند. کرونا تلنگری بود بر غرور جامعه انسانی.

برخی صاحب نظران آن را فرصتی برای تنفس دیگر موجودات کره زمین در حاشیه امن خانه نشینی انسان ها و تعطیلی کارخانجات و .. دانستند. برخی نیز آن را عامل رفع خصومت عوام با دنیای دیجیتال و پیشرفت انقلاب گونه زندگی دیجیتالی در عرصه های مختلف ارزیابی کردند.

برخی جامعه شناسان آن را فرصتی برای آموختن مهارت گفت و گو در سایه تعامل تنگاتنگ و اجباری خانه نشینی در محیط خانه معرفی کردند و چاره اندیشی برای خلاء های موجود را ضروری دانستند.

در هر حال جامعه انسانی باید در سبک های مانوس و عادت های زندگی که شاید هیچ گاه غیر آن را تصور نمی نمود، با استفاده از نیروی خرد و توکل بر آستان الوهیت، بازنگری نماید و راه های جدیدی را در عرصه های مختلف زندگی تجربه کند.

آن چه بیش از همه در این بحران قابل تأمل بود، توجه به نقش «معنویت» در رواج رفتار سالم و انسانی در شرایط بحرانی است. جامعه مدنی امروز آموخت که در بحران ها، قوانین خشک مدنی به تنهایی قادر به کنترل رفتار انسان های خود محور نیست. بلکه باید به حکم فطرت، دست به دامن آموزه های معنوی و خدا محورانه شد. آن چه که در چالش ها و بحران ها انسان سرکش را رام می کند، آرامش می بخشد و کنترل می کند، نهادینه شدن باورهای الهی است. انسان خدا باور فرو نمی پاشد، خود کشی نمی کند، دیگر کشی نمی کند، تعدی و غارت نمی کند. ایمان به خدا اژدهای عصیان گر درون را مهار می کند.

انسان الهی در سوگ عزیزش صبر جمیل را پیشه می کند و انسان مادی، آشفته و فرسوده، نا امید و مایوس می شود. گاهی تاب نمی آورد و به زندگی خود خاتمه می دهد. گاهی تاب نمی آورد و عصیان می کند تا هیجانات منفی اش تخلیه شود.

الهی باشیم تا آرامش را تجربه کنیم.



فهرست

- | | |
|----------------------------------------------------------------------------------------|----|
| سخن سردبیر / تلنگر کرونایی / زهره رنجبر | ۱ |
| مقاله / توجیه تربیت پذیری انسان از دیدگاه آیات و روایات / حمیده کرمی | ۴ |
| گزارش ویژه / بانویی از تبار مهربانی / مریم کلایی | ۱۵ |
| احکام / تحلیل فقهی پیرامون حکم نوشیدن ادراغ شتر / طاهره بقال صفا | ۳۰ |
| گفتگو با مدیر مرکز تربیت مدرس / دغدغه بانوان حوزوی، خدمت خالصانه به زنان جامعه / کلایی | ۳۱ |
| یادداشت / اخلاق سعادت محور در سایه کووید ۱۹ / زهره عزیزی | ۳۴ |
| معرفی کتاب / نهاییه الحکمه / هاجر سالاروندیان | ۳۵ |
| مقاله / دیدگاه تک انگارانه سید مرتضی در مسأله نفس و بدن / فریبا حیدری | ۳۷ |
| بانوده / طرز تهیه کشک زرد / معصومه جهان تیغ | ۴۵ |
| گفتگو / ثمره عمل به علم، اعتماد عمومی جامعه به حوزه خواهد بود / کلایی | ۴۶ |
| داستان / نوروزهای موصل / حسن نوری | ۴۹ |
| اخبار / معاونت آموزش، پژوهش و فرهنگی / مریم کلایی | ۵۰ |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی فرهنگی آفاق اندیشه



شماره ۵- بهار ۹۹



صاحب امتیاز: مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

مدیر مسئول: زینب طالبی

سردبیر: زهره رنجبر

مدیر اجرایی و هماهنگی: زهره عزیزی

صفحه آرایی: مریم کلابی

همکاری با ما

نشریه آفاق اندیشه از آثار و مقالات شما استقبال می کند. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب، آزاد است. مطالب نشریه صرفاً بیانگر دیدگاه نویسندگان مقالات و مطالب است. مقالات و مطالب خود را به این ایمیل ارسال کنید. modaresqom.farhangi@gmail.com
انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید. شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۳۸

توجیه تربیت پذیری انسان از دیدگاه آیات و روایات

نویسنده
حمیده کرمی^۱



چکیده

همه خواهان نیکبختی و سعادت اند و برای رسیدن به این هدف بزرگ راهی جز تزکیه و تهذیب نفس، یعنی کسب مکارم و فضایل و دوری از رذایل اخلاق، وجود ندارد، که انبیای عظام و اولیای کرام علیهم السلام بر این طریقت رفته و طالبان حقیقت را به این راه دعوت کرده‌اند. مهمترین مسأله‌ای که فراوان مورد توجه آئین مقدس اسلام قرار گرفته است و در رسیدن به کمالات و فضایل انسانی نقش اساسی دارد، مسأله تزکیه نفس و پرورش روح است که به عنوان یک امر حیاتی و ضروری مطرح می‌باشد. سوال اصلی این است که از دیدگاه قرآن کریم تربیت پذیری انسان قابل اثبات هست یا خیر؟ در این مقاله سعی شده تربیت پذیری انسان، با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شود. رب، در قرآن گرچه برگرفته شده از (رب) به معنای خداوندگاری است و نه (ربو) و (ربی) به معنای پرورش، ولی هیچ یک از تربیت و صاحب اختیاری به تنهایی نمی‌تواند رساننده معنی رب باشد، در معنای رب هم خداوندگاری نهفته است و هم مربی. خداوند، هم کمال رسان است و هم صاحب اختیار عالم طبیعت. و ماده هم مخلوق خداوند است و هم مربوط او. هیچ کدام از عوالم ماده کامل آفریده نشده و خداوند همه را در این جهان به کمال نهایی می‌رساند و رب العالمین است. اصولاً این جهان، جهان پرورش است. انسان‌ها اعم از خوب و بد همگی در حال پرورش یافتن هستند. اگر انسان موجودی تربیت پذیر نباشد، بعثت انبیاء، آمدن کتابهای آسمانی و موضوع پاداش و عقاب در عالم پس از مرگ، تحلیل درستی پیدا نخواهد کرد. طبق دیدگاه اسلام، انسان تربیت پذیر است. حدود چهار آیه بصورت صریح و بیست و پنج آیه بصورت ضمنی به تربیت پذیری انسان اشاره دارند.

کلیدواژه: تربیت، تربیت پذیری، انسان، قرآن

^۱ طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها)

اطلاق گردد حتماً به صورت اضافه است، مثلاً می‌گوئیم "رب الدار" (صاحب خانه) "رب السفینه" (صاحب کشتی).

در تفسیر "مجمع البیان" معنی دیگری نیز بر آن افزوده است و آن شخص بزرگی است که فرمان او مطاع می‌باشد. اما بعید نیست که هر دو معنی به یک اصل باز گردد.

"رب" از ماده "رَبَب" است نه از ماده "رَبُو" و به اصطلاح مضاعف است نه ناقص، ولی در معنی اصلی رب، مفهوم پرورش و تربیت افتاده است و لذا در فارسی معمولاً آن را به عنوان پروردگار ترجمه می‌کنند.

معنای تربیت

تربیت را می‌توان از ریشه «رَبَبَ» به معنی ایجاد تدریجی موجود تا رساندن او به حد نهایی کمال دانست. یا آن را از ریشه «رَبُو» به معنی زیاد شدن، رشد، علو و ارتفاع دانست. قرآن می‌فرماید: «قُلْ رَبِّ اِزْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء/ ۲۴) که به معنی بزرگ کردن است.

یکی از معاصران، میان سه واژه «رب» «مهموز و «ربب» و «ربو» تفاوتی قائل است. به نظر وی «رب» به معنای علو و بلندی، «ربب» به معنای کشاندن به سوی کمال و «ربو» به معنی پذیرش گستردگی و شکوفایی است که نتیجه‌اش زیادی و فضل می‌باشد. (حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۳۴/۴).

قرآن جهان را در خدمت تربیت انسان دانسته و در پرتو مطالعه کتاب هستی، باور به غیب و شناخت عقلانی و علمی آفریدگار هستی که آمیزه‌ای از رشد، حقیقت جویی و تقرب به خداوند است، رشد و تربیت انسان را تحقق پذیر می‌داند.

قرآن، انسان را موجودی می‌شناسد مرکب از بدن و روح که هویت الهی دارد. «و نفخت فیهِ من روحی» (حجر/ ۲۹) و این روح، زاییده عنصر مادی وجود او است. «ثم اُنشأناه خَلْقًا آخَرًا». ولی نباید در دامن مادر طبیعت محبوس بماند، بلکه باید راه تکامل را بییماید و گرنه در «اسفل سافلین» که چهره آن جهانی اش جهنم است: «فامه هاولیه» (فارعه/ ۹) باقی می‌ماند.

انسان در بعد الهی خود، از آغاز آفرینش، برخوردار از فطرت متعالی و انسانی است. قرآن جهان را در خدمت تربیت انسان دانسته و در پرتو مطالعه کتاب هستی، باور به غیب و شناخت عقلانی و علمی آفریدگار هستی که آمیزه‌ای از رشد، حقیقت جویی و تقرب به خداوند است، رشد و تربیت انسان را تحقق پذیر می‌داند. بدین دلیل که در طبیعت آیات و نشانه‌های الهی، اقتضای رشد و تعالی نهفته است، نگاه تعالی طلبانه به جهان می‌تواند رشد و تکامل انسان را در پی آورد.

ارسال پیامبران، مظهر اسم (رب) است، از این رو قرآن می‌فرماید: «إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ» (دخان/ ۵۶) یعنی این پروردگار تو و پرورش دهنده آسمان ها و زمین به حکم اینکه (رب) و پرورش دهنده است، پیغمبران را برای تکمیل و تربیت استعدادهای بشر فرستاده است. خداوند چون می‌خواهد بشر را تربیت کند، مکتب تربیتی و مکتب تکمیلی فرستاده است.

معنای رب

کلمه "رب" در اصل به معنی مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و کلمه "ربیبه" که به دختر همسر انسان گفته می‌شود از همین جا گرفته شده است، زیرا او هر چند از شوهر دیگری است ولی زیر نظر پدر خوانده‌اش پرورش می‌یابد.

این کلمه بطور مطلق تنها به خدا گفته می‌شود و اگر به غیر خدا

دیدگاه مکاتب مختلف در مورد قابلیت انسان

برای تربیت

عده‌ای به طور کلی تربیت پذیری انسان را رد می‌کنند و انسان را فردی مجبور تصور می‌کنند که می‌بایست با یک سری روحمیات، تفکرات و اخلاقیات از پیش تعیین شده، زندگی کند. این گروه انسان را نفوذناپذیر و غیرقابل تربیت معرفی می‌کنند و معتقدند انسان در بدو تولد دارای اصول و مبانی پیش ساخته‌ای است و راه



هر گونه تغییر بر خلاف آن اصول پیش ساخته، بسته است.

این افراد مبانی پیش ساخته هر انسان را سه چیز ذکر می کنند: غرایز، مزاج، محیط یا فرهنگ. طرفداران نظریه فوق، هرکدام از این عوامل را جهت دهنده اصلی زندگی فرد و مانع تربیت پذیری او می دانند.

برخی از متفکران غربی انسان را موجودی می دانند که جبر اجتماع و طبیعت او را به پیش می برد و انسان همانند گیاه خودرویی است که در بیابان می روید، جوانه می زند، رشد می کند و پس از مدتی می خشکد و به چرخه طبیعت باز می گردد. برخی از این متفکران شاکاک همانند «توماس هابز» طبیعت و سرشت انسان را پست و پلید می دانند و انسان را همانند گرگی می دانند که بدون استثناء و همیشه در حال درنده خوئی است. از این روی، انسان را تربیت ناپذیر می دانند و یا اینکه تربیت او را مقرون به صرفه نمی دانند، لذا هابز راهکاری ارائه می کند که تنها راه کنترل

انسان و در امان ماندن از شرارت او، این است که انسان

باید به زنجیر کشیده شود تا موجودات دیگر از ضرر

رسانی او مصون بمانند.

اما گروهی دیگر نظریه فوق را نمی پذیرند

و بر این باورند که انسان موجودی

کاملاً آزاد و نفوذپذیر است. لذا

قابل تربیت و اصلاح است

و هیچ زمینه‌ی از پیش تعیین

شده، در وجود او قرار داده نشده

است. آنها فرد را به مثابه مومی در دست

مربی فرض می کنند که مربی می تواند هر

طور که بخواهد او را شکل دهد. می تواند

از متربی خویش انسانی نیکوکار بسازد و یا او را به فردی شرور

تبدیل سازد. در حالی که می بایست به این افراد گفته شود به عمل

آوردن انسان‌ها برای اهداف معین، نیاز به زمینه‌هایی دارد که این

پیش زمینه‌ها از راه وراثت منتقل می شود و از طرفی عامل اراده و

تمایلات مختلف افراد را نیز نمی توان نادیده گرفت.

در این میان، برخی از صاحب نظران علوم اجتماعی نظری ما

بین دو نظریه گذشته را دارند؛ گرچه انسان با یک سری غرایز و

شهوات و زمینه‌هایی که در وجود او تعبیه شده، پا به عرصه وجود

می گذارد؛ اما با وجود نیروی عقل و قوه اختیار، هر فردی می تواند

به طرز شایسته‌ای تربیت و جهت دهی شود. از این رو آنها نه

انسان را مجبور مطلق می دانند و نه انسان را آزاد مطلق می پندارند.

در این دیدگاه ذهن انسان بدون نقشه است، ولی نمی توان هر نقشه

ای را در آن منعکس نمود. بلکه محدودیت‌ها و قیوداتی دارد که

در امر تربیت باید مورد توجه قرار گیرد.

در مکتب اسلام انسان موجودی تربیت پذیر است که با توجه به

عوامل، شرایط و مقتضیات مختلف می تواند در مسیر صلاح و

رستگاری باشد و به مقام خلیفه الهی در زمین برسد یا در مسیر

نابودی و شر قرار گیرد و به حضيض ذلت برسد. لذا حکومت جبر

مطلق بر خلقت و تربیت انسان و اینکه سرنوشت انسان از قبل در

پیشانی او نوشته شده باشد، به طوری که هیچگونه تغییری در آن

راه نداشته باشد، مردود است. این طور نیست که چه بخواهیم

چه نخواهیم گرگ زاده گرگ می شود و کاری از ما ساخته

نیست.

آفرینش و

موجودات آن همچون

ساعت کوک شده و رها شده هم

نیستند که اراده و فعالیت آنها هیچ

تاثیری در روند تربیت و رشد آنها نداشته

باشد. انسان در تعیین سرنوشت خویش و تربیت

فرزندان و جامعه خود سهیم است. بنابراین

ما، نه همه کاره در تربیت هستیم و نه

هیچ کاره.

آفرینش و موجودات آن همچون ساعت

کوک شده و رها شده هم نیستند که اراده و

فعالیت آنها هیچ تاثیری در روند تربیت

و رشد آنها نداشته باشد. انسان در

تعیین سرنوشت خویش و تربیت

فرزندان و جامعه خود سهیم

است. بنابراین ما نه همه کاره در

تربیت هستیم و نه هیچ کاره.

ادله قرآنی اثبات تربیت پذیری

انسان

اگر انسان موجودی تربیت پذیر نباشد، بعثت انبیاء، آمدن

کتابهای آسمانی و موضوع پاداش و عقاب در عالم پس از مرگ،

تحلیل درستی نخواهد داشت. لذا مسئولیت‌ها و به تبع آن،

پاداش‌ها و عقاب‌ها در آخرت در قبال یک تربیت خوب یا یک

تربیت بد به اندازه سهم تاثیرها است.

ضرورت توبه و برگشت از اعمال بد گذشته و تلاش برای جبران

آنها در همه ادیان الهی مورد تاکید قرار گرفته است تا نشانگر اراده

و اختیار انسان برای تحول در سرنوشت خویش باشد.

خدای متعال و اولیاء گرامیش در جاهای مختلف، سفارش به خودسازی و طهارت نفس و تربیت فرزندان نموده اند تا انسان را برای استفاده از سهمیه خود در راستای تغییر و تحول هستی تشویق کرده باشند. اگر انسان هیچ کاره بود این همه آیه و روایت چرا؟! «و نَفْسٍ و ما سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (سوره شمس آیات ۷، ۸، ۹)؛ به جان آدمی و آنکه آن را آفریده و منظم ساخته قسم می خورد که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است.

تا انسان قادر بر کاری نباشد خدای حکیم چنین سفارشی نمی کند و چنین سوگندی یاد نمی کند.

خدای مهربان رسول خودش را فرستاد تا آیاتش را بر مردم بخواند و آنها را تزکیه و تربیت نماید. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه آیه ۲)؛ اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

همچنین می فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلَّةِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَبَّيْنَاهُمَا صَغِيرًا» (سوره اسراء، آیه ۲۴)

و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر پدر و مادر فرود آر و بگو: پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.

این آیات نورانی و صدها آیه دیگر روی تربیت پذیری و هدایت پذیری انسان دست گذاشته اند زیرا معتقدند انسان موجودی تغییرپذیر است و هر تغییری را نیز می توان مدیریت، هدایت و مهندسی کرد. تربیت تعطیل بردار نیست چنانچه تغییر و توسعه جامعه انسانی نیز تعطیل بردار نیست.

هدفداری حیات انسان

عقل سلیم می فهمد که خداوند هستی آفرین، حکیم و دانای مطلق است که هیچ گونه بیهوده کاری و مهمل آفرینی به آستان مقدسش راه ندارد، پس هر چه او آفریده از روی دانش و حکمت

است و آفرینشی چنین، هرگز لغو و بیهوده نیست، انسان یکی از پدیده های جهان آفرینش است که دو دلیل ویژه بر هدفداری حیات آدمی، از قرآن و برهان، اقامه می کنیم:

آیات متعددی از قرآن مجید، هدفدار بودن زندگی انسان را تبیین کرده اند که به عنوان نمونه به دو آیه اشاره می کنیم:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون، آیه ۱۱۵)

آیا پندارید شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟

هشام بن حکم می گوید: شخص کافری از حضرت صادق علیه السلام پرسید: با اینکه خداوند نیازی به مردم ندارد و مجبور به خلقت آنها هم نیست، چرا آنها را آفریده است؟

امام پاسخ داد:

«خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ حِكْمَتِهِ وَ انْفِذِ عِلْمِهِ وَ امْضَاءِ تَدْبِيرِهِ»

آنان را آفرید تا حکمتش را نمایان سازد و دانشش را به جریان اندازد و برنامه خویش را عملی کند.

همچنین هر انسان عاقلی با اندک تأملی در افکار و کردار خویش و دیگران، به آسانی درمی یابد که کاویدنش برای یافتن، و رفتنش برای رسیدن، و حرکتش به سوی مقصد است. همچنانکه شهید مطهری می فرماید:

«انسان در کارهای عقلانی و منطقی خود، هدف و غرضی دارد و در برابر هر «چرا» يك «برای» دارد و اگر انسان، کاری که انجام



irna.ir



دهد، در مقابل «چرا»، «برای» نداشته باشد، آن کار، لغو و عبث و بیهوده و پوچ می شود. حکما اثبات کرده اند عبث واقعی (که کار انسان عاری از هرگونه غرض و غایتی باشد) هیچ گاه از انسان صادر نمی شود و محال است که صادر شود.»

دلیل دیگر اینکه انسان در میان پدیده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که آفرینش همه آفریده‌های زمین و آسمان به خاطر او انجام گرفته است: همچنانکه می فرماید: «وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ» (جاثیه، آیه ۱۳)؛ آنچه در آسمانها و زمین است را، رام شما ساخت.

حال، چگونه ممکن است انسان با چنین ویژگی، بی هدف و مهمال آفریده شود؟

بطور قطع، هیچ عاقلی، این مطلب را نمی پذیرد.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که دو کار برای انسان ممنوع است: الف. نیرو و استعدادهاى بالفعل و بالقوه خود را به بازی بگیرد، یا آنها را مهمال بگذارد یا در مسیری انحرافی و زیانبار به کار گیرد. ب. چنین برخوردی را با پدیده‌های پیرامون خویش انجام دهد. برای گریز از چنین خسارتی، ضروری است که انسان در پرتو تعلیم مفید و تربیت صحیح راه را از چاه بازشناسد و سره را از ناسره تشخیص دهد و در بستر هدف آفرینش قرار گیرد و بداند که: «هدف آفرینش ما، تکامل وجود و هستی ما در سایه تعلیم و تربیت و پرورش ارزشهای انسانی است.»

قابلیت انسان برای رشد و کمال

خواست و مشیت حکیمانه الهی اقتضا دارد که انسان مسیری را از نقص، عجز و نیستی به اوج کمال ببیماید. او بخشی از این سیر تکاملی را در عالم طبیعت به صورت جبری طی می کند و مراحل از حیات خود را که عبارت است از زندگی در صُلب پدر، رحم مادر و دوران طفولیت یکی پس از دیگری پشت سر می گذارد و به مرحله‌ای از رشد و بلوغ عقلی می رسد. در این هنگام است که بتدریج قدرت اختیار و توانایی انتخاب راه به صورت استعدادهاى گرانمایی در او شکوفا شده و درخت عقل و تفکر او به بار می نشیند. از اینجا به بعد این انسان است که باید با کمک گرفتن از هدایتهای گرانقدر الهی در قالب غرایز، حواس،

عقل و رهنمودهای ارزشمند انبیا و نیز بهره‌گیری از نعمتهای الهی در عالم طبیعت، مسیر صحیح زندگی را به سمت ارزشهای والای معنوی و کمالات عالی روحانی پیدا کند و با آزادی و اختیار کامل آن را از میان سایر راهها برگزیند و با تلاشی خستگی ناپذیر در آن گام بردارد تا به هدف عالی آفرینش - که شناخت خداوند و پیوستن به اوست - نایل شود.

آیه‌ای از قرآن کریم این حرکت پرتلاش و تکاپوی آدمی را این گونه ترسیم می کند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، آیه ۶)

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را دیدار خواهی کرد.

انسان قبل از پیمودن این مسیر تکاملی، بطور قطع باید استعداد و قابلیت رشدیابی و صلاحیت و لیاقت نیل به مدارج عالی کمال را داشته باشد.

از آنجا که انسان برای رشد و کمال قابلیت دارد، خداوند پیامبران بسیاری را برای هدایت بشر فرستاده و گرنه فرستادن این همه پیامبر از سوی خداوند کار بیهوده‌ای تلقی می شد. از طرف دیگر هدفدار بودن انسان و احساس سر بلندی و پیشرفت دلیل دیگری بر قابلیت او بر رشد و کمال است.

آزادی انسان در انتخاب راه

قرآن مجید پیرامون آزادی انسان، آیات متعددی دارد. از جمله می فرماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، آیه ۳)

ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد خواه ناسپاس. اگر آزادی و اختیار انسان را منکر شویم، فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی، بیهوده و لغو خواهد بود و این با حکمت خداوند سازگار نیست، همین طور وعده‌ها و وعیدهای خداوند با عدالت او سازگاری نخواهد داشت؛ چون اگر انسان در انتخاب راه و انجام کارها مختار نباشد، آمدن انبیا و کتابهای آسمانی و تبلیغ آنها، اثری نمی تواند داشته باشد. همچنین عادلانه نیست که انسان مجبور، در مقابل کارهایش مسؤول باشد و استحقاق پاداش یا عقاب داشته باشد.

فطرت انسان نیز به آزاد، مختار و مسؤول بودن انسان، حکم می‌کند. علامه طباطبایی می‌فرماید:

«انسان به حکم فطرتش برای رسیدن به مقاصد زندگی‌اش، به تعلیم و تربیت و انذار و تبشیر و وعد و وعید و امر و نهی و غیر اینها می‌پردازد، و این خود روشن‌ترین دلیل بر این نکته است که انسان بالفطره خود را مجبور به یکی از دو سرنوشت سعادت و شقاوت نمی‌داند و همواره خود را در سر دوراهی متحیر می‌بیند و احساس می‌کند که انتخاب هر یک از آن دو، پاداش مناسب همان را خواهد داشت.»

لازم به ذکر است که، اگر چه انسان در انتخاب راه سعادت یا شقاوت مختار و آزاد است، ولی خداوند انسان را طوری آفریده که کشش درونی و اولی او به سوی سعادت است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

«گر چه انسان مختار و آزاد است که راه خیر را طی نماید یا راه شر را انتخاب کند، ولی خدای متعال سرمایه تعیین کننده‌ای را که همان فطرت حق جویی و حق طلبی است به او عطا کرده است.»

یکی از مهمترین آثار پذیرش این اصل، این است که انسان راه خود را با دقت و بینش انتخاب و در مقابل کارهای خود و دیگران احساس مسؤولیت می‌کند.

مسئول دانستن انسان نسبت به اصلاح خود و دیگران؛

در بینش اسلامی، انسان در برابر اصلاح خود و دیگران مسئول است. تمام برنامه‌های تربیتی اسلام در این راستا است که انسان خود و دیگران را اصلاح کند. تشریح واجبات همچون نماز، روزه، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... همه برای اصلاح خود و دیگران است.

برای توضیح این ویژگی، خوب است که به دو نکته «صالح بودن» و «مصلح بودن» انسان در تعلیم و تربیت اسلامی اشاره کنیم؛

الف. صالح بودن:

در متون اسلامی روی اصل «صالح بودن» انسان بسیار تکیه شده است. یک فرد مسلمان وظیفه دارد خود را از آلودگی‌ها دور نگاه دارد و به فضایل انسانی - الهی آراسته گردد. قرآن مجید انسان را به این اصل توجه می‌دهد و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مانده/ آیه ۱۰۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خود پردازید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای رسیدن به صلاح به پیروان خویش چنین سفارش می‌کند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا...»

قبل از اینکه مورد محاسبه قرار گیرید، خویشتان را محاسبه کنید.

ب. مصلح بودن:

انسان مسلمان نمی‌تواند نسبت به مسایلی که در جامعه

می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد و به اصلاح دیگران نپردازد،

بلکه موظف است پس از اصلاح خود-

در حدّ توان- در اصلاح دیگران کوشش

کند. اسلام برای تقویت چنین فرهنگی

روش‌های مختلفی ارائه داده است. به

عنوان نمونه، مصلحان گاهی مورد

تمجید و ستایش قرار گرفته‌اند،

چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (توبه/

آیه ۱۲۰)

ما پاداش مصلحان را ضایع نمی‌کنیم.

گاهی نیز در جهت اصلاح جامعه، به امر به معروف و نهی از

منکر سفارش شده است. چنان که قرآن مجید می‌فرماید: «وَأَنَّ

لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ» (آل عمران/ ۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی

از منکر کنند.

زمانی دیگر نیز تلاش در جهت اصلاح مردم، جزء کمال سعادت

انسان

مسلمان نمی‌تواند

نسبت به مسایلی که در جامعه

می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد و به

اصلاح دیگران نپردازد، بلکه موظف است

پس از اصلاح خود- در حدّ توان- در اصلاح

دیگران کوشش کند. اسلام برای تقویت

چنین فرهنگی روش‌های مختلفی

ارائه داده است.





انسان شمرده شده است. چنان که امیر مؤمنان صلوات الله علیه می فرماید: «مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي إِصْلَاحِ الْجُمْهُورِ».

تلاش برای اصلاح مردم، از کمال سعادت [انسان] است.

نکته بسیار ظریفی که اسلام به آن توجه کرده، تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران است.

توجه به کرامت انسان:

قرآن مجید برای اینکه انسان قدر و منزلت خود را بیابد و گوهر گرانبهای خویش را رایگان از دست ندهد، در زمینه تعلیم و تربیت، او را به اصل «کرامت» توجه داده و می فرماید: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق، آیه ۳).

بخوان و پروردگار تو کریم ترین است.

آیت الله جوادی آملی می نویسد: «کرامت، محور تعلیم و تربیت الهی است. بنابراین اگر فرمود: معلّم شما خدای اکرم است، یعنی محور تعلیم و تربیت دین الهی، کرامت است.»

همین طور قرآن مجید را که کتاب تعلیم و تربیت است، با وصف کریم ستوده و فرموده است:

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه، آیه ۷۷)؛ این قرآن کتابی بس گرانبگر و گرامی است.

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را که مسؤولیت تعلیم و تربیت امت را بر عهده دارد، کریم خوانده و فرموده است:

«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (حاقه، آیه ۴۰)؛ این قرآن کلام رسول بزرگواری است.

همچنین فرشتگانی که کتابهای آسمانی را نازل می کنند، با کرامت دانسته و فرموده است: «كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس، آیه ۱۶)؛ بزرگواران نیکوکار.

بنابراین، انسانی که خدایش «اکرم»، پیامبر و قرآنش «کریم» و کارگزاران جهانی که در آن زندگی می کند «کرام» اند، زینده نیست کریم نباشد و راه کرامت و بزرگواری را نپوید. از این رو، همه برنامه های دین مقدّس اسلام که برای تکامل و سعادت انسان آمده است، بر محور «کرامت انسان» می چرخد.

در چهار مورد از قرآن مجید که مساله تعلیم و تربیت به عنوان

هدف انبیاء با هم ذکر شده است در سه مورد "تربیت" بر "تعلیم" مقدم شمرده شده (سوره بقره آیه ۱۵۱- آل عمران ۱۶۴- جمعه ۲) و تنها در يك مورد "تعلیم" بر "تربیت" مقدم شده است.

بنا بر این آنجا که تعلیم بر تربیت مقدم شده اشاره به وضع طبیعی آن است و در موارد بیشتری که تربیت مقدم ذکر شده، گویا اشاره به مساله هدف بودن آن است. چرا که هدف اصلی تربیت است و بقیه همه مقدمه آن است.

آیین مقدس اسلام که هدایت همه نسل های بشر را سرلوحه کار خود قرار داده است، به عنوان آخرین مکتب کامل الهی، توجه ویژه ای نسبت به امر تربیت داشته و در آیات و روایات متعددی آن را مورد تأکید قرار داده است.

در اولین آیتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، خدای متعال، خود را ربّ و مربی معرفی کرده، می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد، آیه ۲)

امام خمینی (قدس سره) در توضیح این آیه می فرماید:

«شما در قرآن کریم در اولین سوره قرآن کریم می خوانید که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». کلمه ربوبیت را و مبدأ تربیت را در اول قرآن طرح می کند و ما را مکلف فرموده اند که در هر شبانه روز، چندین مرتبه این را در رکعات نماز بخوانیم و توجه داشته باشیم به اینکه مسأله تربیت و ربوبیت که درجه اعلای آن مخصوص به خدای تبارک و تعالی است. و دنبال آن منعکس می شود در انبیاء عظام، و به وسیله آنها به سایر انسانها. این در آن پایه از اهمیت بوده است که دنبال «لِلَّهِ»، «رَبِّ الْعَالَمِينَ» مربی عالمین آمده است.»

قرآن کریم در چهار مورد تزکیه و تعلیم را در کنار هم ذکر کرده و آن را از مهمترین وظایف پیامبر (ص) دانسته است. این در حالی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسالت های گوناگونی بر عهده داشته و به برخی از آنها در آیه ۱۵۷ از سوره اعراف اشاره شده است. با این حال، وقتی از میان همه رسالت های آن حضرت، تزکیه و تعلیم در قرآن مورد تأکید قرار می گیرد و نه یکبار که چهار بار به آن اشاره می شود، این خود بهترین و گویاترین دلیل بر اهمیت این دو رسالت مهمّ پیامبر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله، خود را تربیت شده پروردگار دانسته و می فرماید:
«أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» .

پروردگارم مرا تربیت کرده است و چه نیکو تربیتی.

در سخنی دیگر، رسالت خویش را تربیت انسانها و آراستن آنان به زیور فضایل اخلاقی و معنوی قلمداد کرده و می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

من فقط برای تکمیل (و پرورش) مکارم اخلاقی برانگیخته شده‌ام.

هنگامی که آن حضرت، معاذ بن جبل را به سوی مردم یمن فرستاد، خطاب به او فرمود:

«عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ» .

کتاب خدا را به آنان بیاموز و تربیت شان را با اخلاق پسندیده، نیکو گردان.

اسلام به عنوان یک آیین همه جانبه، توجه خاصی به امر تربیت داشته و در موارد متعددی آن را مورد توجه و تأکید قرار می دهد.

قرآن کریم خدای متعال را ربّ و تربیت کننده موجودات معرفی می کند و سعادت و رستگاری انسان را در تربیت و تزکیه نفس می داند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را تربیت شده پروردگار دانسته و هدف از

بعثت خود را پرورش مکارم اخلاقی و تربیت انسانها قلمداد می کند.

با نگرشی دقیق و حساب شده در آیات تربیتی - اخلاقی قرآن، به خوبی در می یابیم که این کتاب انسان ساز در پی آن است که با تابلو قرار دادن اهداف کلی و زمینه ساز در چشم انداز انسان، او را به تدریج به هدف غایی نزدیک سازد. از این رو، طی آیات فراوانی، استعدادهای بالقوه و بالفعل او را یادآوری کرده و به او

رهنمود می دهد که از چنین استعدادهایی بیشترین بهره را در راه بهبود موقعیت خویش ببرد، و در جایی انسان را حریص و سیر ناشدنی معرفی کرده و می فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج، آیه ۱۹).

همانا انسان، حریص آفریده شده است.

بر این اساس، سرشت انسان، او را به پویایی جاوید فرامی خواند و از ایستایی - در هر مقطعی - باز می دارد. حضرت امام خمینی قدس سرّه در این باره می فرماید:

«... اگر همه دنیا را به کسی بدهند، کافی نیست. می گوید: باید برویم جای دیگر. این فطرت انسان است. فطرت خداخواهی است. این یکی از فطرت هایی است که هر کسی، هر چه بیابد، آن گم شده خودش را نیافته ... آنکه دنبال قدرت می رود، قدرت مطلق می خواهد، قدرت مطلق خداست. آن که دنبال علم می رود، علم مطلق می خواهد، علم مطلق علم خداست. هر که دنبال هر کمالی برود یا هر چیزی برود، او کمال مطلقش را می خواهد...».

قرآن

در پی آن

است که با تابلو قرار دادن اهداف کلی و زمینه ساز در چشم انداز انسان، او را به تدریج به هدف غایی نزدیک سازد. از این رو، طی آیات فراوانی، استعدادهای بالقوه و بالفعل او را یادآوری کرده و به او رهنمود می دهد که از چنین استعدادهایی بیشترین بهره را در راه بهبود موقعیت خویش ببرد.

لذا طبق دیدگاه اسلام، انسان تربیت پذیر است. حدود چهار آیه بصورت صریح و بیست و پنج آیه بصورت ضمنی به تربیت پذیری انسان اشاره دارند. به عنوان نمونه، به چند مورد اشاره می کنیم.

آیات صریح:

۱. «وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ

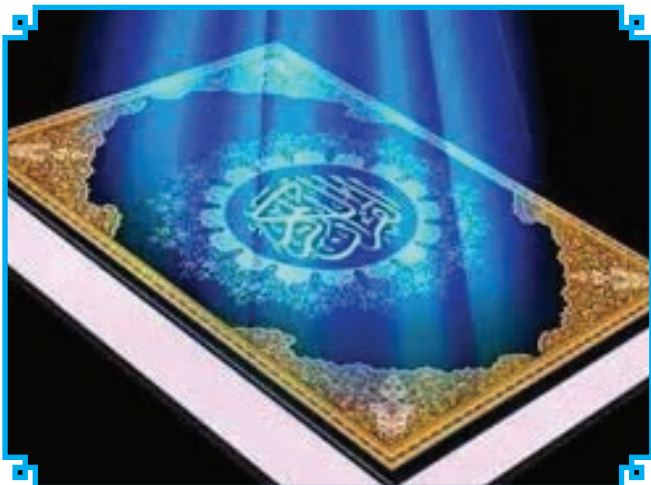
يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ»

(انعام، آیه ۱۲۰)

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید. همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند «تربیت غلط»، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند، خواهند دید.

طبق این آیه دلالت بر تربیت این است که اگر تلاش انسان برای گناه و ارتکاب معصیت نبود او عذاب نمی شد به تعبیر دیگر «کسب»، عمل آزادی انسان است.





مثل داستان موسی و خضر، هدایت است ولی تربیت نیست چون تغییر ایجاد نمی‌کند.

طبق آیه، خداوند سبحان می‌فرماید: ما مسیر تربیت یافتگی قوم ثمود را فراهم کردیم ولیکن آنها بودند که ناسپاسی کردند و کوری را بر هدایت انتخاب کردند. حال که تربیت الهی را رد کردند به کیفر رد تربیت الهی صاعقه آنها را گرفت.

عذاب الهون: غذایی است که آنها را پست و خوار می‌کند، بخاطر آنچه که خودشان کسب کردند.

تجلی تربیت، تحصیل نفس است لذا در آیه ماده کسب آمده است، چراکه آیات ابتدائی سوره بقره، منافقین خودشان را شبیه مومنین تلقی می‌کردند، این نیست که تربیت شده باشند. در آیه، هدایت در برابر ضلالت قرار نگرفته بلکه کوری را آورده. کوری یعنی استعداد و ظرفیت تربیت یافتگی را نداشته اند.

۳. «إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره مطففین، آیه ۱۳ و ۱۴): هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، گوید: افسانه‌های پیشینیان است. چنین نیست، بلکه آنچه کسب می‌کردند بر دل هایشان زنگار نهاده است.

۱. قلب هایشان را آلوده کردند.

۲. اینها به قلبه‌ایشان قفل زدند یعنی هر کاری انجام بدهی هدایت را نمی‌پذیرند، چون چنان مهری به قلب هایشان زده اند که راه‌های هدایت را کاملاً بسته اند. پذیرش فردی است، بما کانو یکسبون قرینه است که کسب به معنای تغییر درونی است و به معنای اضافه شدن نیست.

تعبیر کسب در آیه تاثیرگذار است، چرا که آن‌هایی که با عمل آگاهانه و ارادی خودشان مرتکب معصیت میشوند تغییر در رفتار، انحرافات نفسانی، مسیر کج در استعدادها را کسب می‌کنند.

تصریح آیه این است که آنچه را ما انجام می‌دهیم و برای خودمان فراهم می‌کنیم محصول تلاش خودمان است. در تربیت پذیری نمی‌توانیم از آنچه که دلالت بر عمل دارد استفاده کنیم. مثل آیه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (سوره زلزال، آیه ۷) و آیه «لَيْسَ لِلإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سوره نجم، آیه ۳۹)

چرا که عمل غیر از تربیت است، بله انسان در گرو تلاش خودش است اما در تربیت ما در صدد این هستیم که او در خودش تغییر ایجاد کند چه مثبت و چه منفی.

حال یکسبون: چیزی را برای خود فراهم کردن است. اینجا کسب به معنای تجارت نیست که چیزی در جیب نبوده و الان هست، بلکه در اینجا کاسب نفس انسان است که ایجاد تغییر در نفس را به دنبال دارد. در غیر این صورت بر تربیت دلالت ندارد. پس فعل انسان، عمل انسان و تلاش انسان، دلالت بر تربیت پذیری نمی‌کند بلکه آنچه که ایجاد تغییر می‌کند مورد استدلال است.

تربیت: تغییر در نفس است و در اینجا تعبیر به کسب همان تغییر در نفس است.

۲. «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَىٰ الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره فصلت، آیه ۱۷).

و اما قوم ثمود، آنان را هدایت کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند. پس به کیفر آن چه کسب می‌کردند، صاعقه عذاب خفت بار آنان را فرا گرفت. در این آیه هم «بما کانو یکسبون» آمده است.

«فهدیناه»: منظور از هدایت، ارائه طریق است و به معنای تربیت نیست. اگر تربیت میشد پس از ارائه طریق نمی‌توانست راه را کج کند. پس هدایت همیشه به معنای تربیت نیست.

هدایت: تربیت کردن است. اینجا به قرینه آخر آیه هدایت در مقام تربیت مقصود است و نه هدایت به معنای تصحیح فعل.

هر ۳ آیه که دلالت بر تربیت پذیری می کنند، تکیه بر ماده کسب نفسانی است. همان تعبیر تربیت است وگرنه در قرآن خود واژه تربیت را نداریم، بعضی می خواهند بگویند از «رب»، تربیت را می فهمیم و یک اشتقاق کبیر دارد. این در حالی است که ریشه تربیت «ربو» است نه «ربب» که نیاز به اشتقاق کبیر داشته باشد. «ربو»؛ زمین آماس کرده، زمینی که بالا آمده است حال انسانی هم که تربیت می شود از بین انسان های هم ردیف خودش برجسته تر میشود و او را نمایان می کند، چه مثبت و چه منفی. پس تعبیری که فعل تربیت را توسط آیات الهی بتواند به اثبات برساند (کسب) است. به معنای تغییر در درون و آنچه که برای نفس ایجاد می شود.

آیات غیر صریح:

۱. آیاتی که خداوند سبحان به دو چیز دعوت می کند؛ ۱- ایمان ۲- عمل صالح.

پس تربیت یافتگی در انسان با دو چیز ممکن می شود «یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله ورسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله والکتاب الذی انزل من قبل و من یکفر بالله و ملائکته و کتبه و رسوله و الیوم الآخر فقد ضلّ ضللاً بعیداً» (سوره نساء، آیه ۱۳۶).

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد، و کتاب هایی که قبلاً نازل کرده، بگردید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتاب ها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.

۲. آیات داستان اصحاب کهف: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رِسَدًا» (سوره کهف، آیه ۱۰).

آنگاه که آن جوانمردان (از بیم دشمن) در غار کوه پنهان شدند و از درگاه خدا مسئلت کردند که بار الها، تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتی عطا فرما و بر ما وسیله رشد و هدایتی کامل مهیا ساز.

اما محکمترین دلیل، دلیل عقلی است و آن فلسفه تشریح است. «چهارده معصوم و ۱۲۴ هزار پیغمبر».

پس ادل الدلیل بر تربیت پذیری، تلاش الهی بر هدایت انسان و تربیت انسان بوسیله کتاب الهی، انبیاء و اولیاء الهی است.

همه اینها برای تربیت انسان بوده، یعنی اگر انگیزه تربیت انسان نبود، هیچ یک از تلاش های الهی در قاموس زندگی انسان راه پیدا نمی کرد. پس خدای سبحان برای تربیت انسان، برای هر قومی پیغمبری را فرستاده است. این نشان میدهد که در انسان چیزی هست که برای تربیت او تلاش کرده است. برای چه پیامبران خودشان را به زحمت انداخته اند؟ اگر انسان تربیت پذیر نبود برای چه خداوند خودش را به دردسر بیندازد؟ مصائب و مشکلات را بخاطر تربیت پذیری انسان تحمل کردند.

همه اراده تشریحی خداوند برای تربیت پذیری انسان است. پیامبران، قوانین، نظام کیفر و عذاب، نظام تشویق و تنبیه همه بعد از پذیرش تربیت پذیری ماست.

آیات دیگر همچون آیه ۲۹ سوره نجم و آیه ۳۸ و ۳۹ سوره مدثر، تماماً به عاملیت و نقش تام انسان در تربیت دلالت دارد.

۳- «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (سوره مدثر، آیه ۳۸ و ۳۹): هر کس در گرو کاری است که کرده است.

ماده کسب یعنی هر نفسی به آنچه را که در گرو آن است وابسته است. یعنی هر آنچه که نفس برایش تلاش می کند، همان است.

قرآن کتاب تربیت است. تربیت عام تر از معنای خاص هدایت است. قرآن غیر از اسم هدایت بودن، تعبیر دیگری نیز دارد. مثلاً «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (سوره یونس، آیه ۵۷). اگر قرآن کتاب تربیت شد، باید به همه آیات با این پیش فرض (نگاه تربیتی) نگاه کنیم

و يك انتظار تربیتی از آن داشته باشیم. حتی آیات کیهان شناسی، طبیعت و در این صورت باید به همه آیات با نگاه تربیتی نگاه کرد.

یعنی با این پیش فرض، همه آیات - مستقیم یا غیر مستقیم - هدف تربیتی دارند. فرق تفسیر تربیتی با سایر تفاسیر در همین است.

در سایر تفاسیر حاکمیت کلی، تربیت نیست، بلکه به صورت بخشی است. ممکن است به تعدادی آیات در زمینه های مختلف اشاره کنیم، ولی دیگر نمی توان به تمام آیات جهت تربیتی داد.

به هر حال با این معنا که قرآن کتاب تربیت و انسان سازی است، همه آیات را می توان با رویکرد تربیتی تفسیر کرد. شاید





بتوان معنای دیگری هم گفت که شاید با دیگران هم تداخل داشته باشد و آن این است که ما نمی‌توانیم تمام آیات را با رویکرد تربیتی تفسیر کنیم، بلکه جهت‌گیری کلی را تربیتی قرار می‌دهیم و همین مقدار کافی است.

تفسیرهای تخصصی که به قلمروهای ویژه‌ای از مضامین و مفاهیم قرآنی می‌پردازند، متنوع‌اند. ولی تفسیر تربیتی جایگاه ویژه‌ای بین تفاسیر تخصصی دارد. چون در تفسیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... می‌توان به یک قلمرو ویژه پرداخت و با یک زاویه ویژه به حوزه مفاهیم قرآن توجه کرد، اما در تفسیر تربیتی ضمن پرداخت به یک قلمرو ویژه، باید دانست که همین قلمرو ویژه کاملاً در متن اهداف قرآن است. شالوده‌ی قرآن می‌خواهد انسان‌ها و جوامع را تغییر دهد و این موجب می‌شود تفسیر تربیتی و تفسیر با نگاه تربیتی در میان تفاسیر تخصصی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و این به دلیل اتصال این موضوع با اهداف اولیه و اساسی قرآن است.

نتیجه‌گیری

تربیت یعنی رشد دادن و پرورش دادن و این مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها و ویژگی‌ها در انسان است. اگر استعدادی در یک شیء نباشد بدهی است که آن چیزی که نیست و وجود ندارد. نمی‌شود آن را پرورش داد. ولی با پذیرش فطرت، تربیت و تکامل انسان، معنی پیدا می‌کند. و این همه آیه که دستور به ایمان و عمل صالح، هدایت، آزادی و اختیار انسان داده‌اند، نشان از تربیت‌پذیری انسان دارند. هر چند واژه «تربیت» به شکل حاضر در قرآن به کار نرفته است، ولی مشتقات آن با شکل‌های دیگر از دو ریشه «رب» و «ربو» در آیات متعدد استفاده شده که به نوعی تربیت به معنای اصطلاحی - پرورش جسمی یا روحی و معنوی - را می‌رساند.

قرآن نه تنها به موضوعات تربیتی اهتمام دارد که مهم‌ترین هدف این کتاب تربیت است و برای تحقق آن موضوعات تربیتی را در روش حکیمانه‌ای مربوط با این هدف، نازل فرموده است.

منبع

• قرآن کریم

- ۱) اسلامی، سید حسن، «امام، اخلاق، سیاست»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش
- ۲) الهامی‌نیا، علی اصغر، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱ جلد، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۳) جوادی آملی عبدالله، کرامت در قرآن، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ ش.
- ۴) حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۵) خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۴ و ج ۱۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸ ش.
- ۶) رضایی اصفهانی، محمد علی، قرآن و علم، ۶ جلد، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، قم، چاپ: اول.
- ۷) شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی، ۱۳۷۲ ش.
- ۸) طباطبایی محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۳، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- ۹) علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، ج ۵، بیروت-لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۱، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۱) مطهری مرتضی، عدل الهی، تهران، نشر صدرا، ۱۳۹۳ ش.
- ۱۲) مکارم شیرازی ناصر، معنای هستی، قم، نسل جوان، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۳)، تفسیر نمونه، ۲۷ جلد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ: سی و دوم، ۱۳۷۴ ش.



حجت الاسلام والمسلمین هاشم پور، همسر گرامی مرحومه خانم داودی:

تمام تلاش و کوشش ایشان این بود که خواهران طلبه به گونه ای پرورش یابند که بتوانند به نحو شایسته پاسخ گوی نیازهای فرهنگی، دینی، اخلاقی و معنوی جامعه در سراسر کشور باشند



سرکار خانم دکتر علاسوند، دوست و همکار قدیمی:



درکنار صفات تواضع، خوش خلقی، ایثار و فداکاری و...، خانم داودی برای همه ما الگوی بانویی خانه دار مرتب متعهد به وظایف مادری و همسری بود و دو فرزند بسیار خوب تربیت کردند

سرکار خانم صدر شیرازی، همکار مرحومه خانم داودی:

ولایتمداری و بصیرت سیاسی و زمان شناسی عمیق ایشان، همواره زبان زد بود





بانویی از ستار مهربانی

مرحوم مغفور سرکار خانم فریده داودی، معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تهیه و تنظیم
مریم کلایی



اشاره: خبر دردناک بود و شوک آور. خبر عروج خانم فریده داودی، معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران در آخرین روز از سال ۱۳۹۸، بانویی که فقط چند ساعت تا بازنشستگی اش فاصله داشت و در کسوت خدمت، میهمان عرشیان شد. شاید بتوان "شهیده خدمت" اش نامید. آن چنان دلسوز و فداکار بود که شاید نخواست تا کسی در تشیع پیکرش به سختی بیفتد و در ظاهر افراد کمی حضور یافتند، ولی شاید از چشم ملکوتیان می شد حضور افواج ملائک و اولیای الهی را در تشییع و تدفینش شاهد بود.

سلوک و سیره اش، تصویری زیبا از الگوی عملی زن مسلمان انقلابی، به ویژه برای حوزویان بود. دریغاکه بسیاری این توفیق را نداشتند تا با ایشان دمی همراه شوند تا جرعه ای از این دریای معرفت و اخلاص برگینند.

در این شماره به پیشنهاد معاون فرهنگی مرکز تربیت مدرس، خانم عزیزی، برآن شدیم تا در راستای ادای دین به بانویی که بهترین و کارآمدترین لحظات زندگیش را برای خدمت به حوزه های علمیه خواهران سپری کرد، گامی برداشته و در گزارشی اختصاصی، نام و یاد این بانوی فرهیخته را گرامی داریم.

مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) به عنوان یکی از نهادهای حوزوی زیرمجموعه معاونت سرکار خانم داودی که تعامل سازمانی زیادی با ایشان داشت، گفتگویی با همسر ایشان، حجت الاسلام والمسلمین هاشم پور و نیز دوست قدیمی شان، سرکار خانم دکتر علاسوند و نیز همکار آن مرحومه در معاونت آموزش، سرکار خانم صدرشیرازی انجام داده است تا دریچه ای به روی خوانندگان و علاقمندان گشوده شود برای الگوگیری از صفات آن بانوی فرهیخته، که در ادامه می آید:



همسر و همراه خوب در زندگی، یکی از بهترین موهبت های الهی است که در مسیر زندگی، خداوند به انسان بخشیده و عشق او، هدیه ای است که هر روز، انسان در زلال جاری آن نفسی تازه می کند. اما مباد آن روزی که این همراه، به تنهایی بار سفر بندد و به دیار باقی پر کشد.... تمام دنیا به یک باره از عشق تهی می شود و حسرتی بر جا

زمانی که برای قرار مصاحبه تماس می گیرم، هنوز هم بغضی در صدایشان است که از آن سوی امواج می توان حسش کرد. به عنوان همسر مرحوم خانم داودی ۲۷ سال همراه و یاورش بوده است. اکنون تحملش سخت است که از نبودش و جای خالیش برایمان بگوید... هر آن بغضی فروخورده، طنین صدایش را عوض می کند ولی با تغییر نگاه به اطراف، صبر را پیشه خود می کند.

بابرکت ترین و از مهم ترین برهه های زندگی ما بود، به گونه ای که تجارب ارزنده و زمینه مناسبی را برای حیات علمی و معنوی و خدمت در سال ها بعد برایمان هموار ساخت.

در سال ۷۶ به منظور ادامه تحصیل، به قم مهاجرت کردیم. همان سال، در ماه های اول حضورمان در قم مسئولین محترم وقت مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران که زمان چندانی از تأسیسش نگذشته بود، از ایشان دعوت به همکاری کردند و ایشان هم که به خدمت طلاب و حوزه های علمیه بسیار علاقه مند بودند و این دعوت همکاری را که به گونه ای ادامه فعالیت بدون وقفه ایشان در شهرستان محسوب می شد، پذیرفتند و این سال شروع خدمت ایشان در مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران بود و این توفیق تا زمان وفاتش بدون انقطاع استمرار یافت به گونه ای که قریب چهار دهه از عمر بابرکتشان را به تحصیل و تربیت و تهذیب طلاب حوزه های علمیه خواهران اشتغال داشتند. خداوند را از این حیث بسیار سپاسگزارم که بنده را مورد عنایت خاص خودشان قرار داد تا قریب سه دهه توفیق زندگی مشترک با این شخصیت خدوم و چهره اخلاقی و معنوی داشته باشم. در هر صورت بنده احساس می کنم بیش از این، توفیق همراهی ایشان را نداشتم و همان گونه که خود در آخرین دل نوشته هایش از خدا این گونه خواسته است «خدایا دوست دارم پرواز کنم، قفلها را باز کن» گو این که از آسمان آمده بود و بیش از این تحمل ماندن در زمین را نداشتمند و آسمانی شدند.

حجت الاسلام والمسلمین هاشم پور، مدیر محترم گروه علوم تربیتی در جامعه المصطفی (ص) و مدیر گروه علمی - تربیتی تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء علیها السلام که خود از چهره های اندیشمند و فرزانه حوزه هستند و دارای سابقه قریب بیست سال فعالیت های آموزشی و تربیتی در حوزه های علمیه خواهران در قالب تدریس و برگزاری کارگاه های آموزشی برای اساتید خواهر در سراسر کشور هستند و در این مدت همراه و هم گام با همسرشان بوده اند، منت نهاده و در کمال متانت و شکیبایی درخواست این گفتگو را می پذیرند و با طمأنینه پاسخ پرسش هایمان را می دهند.

از قصه آشنایی شان با مرحوم خانم داودی می پرسم، می گوید: ایشان از سال ۱۳۵۹ که حوزه علمیه مسجد سلیمان در قالب دو مدرسه علمیه المهدی (عج) برادران و الزهراء (س) خواهران آغاز شد، جزو اولین ورودی های مدرسه علمیه الزهراء این شهر بودند.

حدود پنج سال بعد از آغاز تحصیل، مسئولان وقت حوزه، ایشان را در عین اشتغال به تحصیل و تدریس با توجه به شایستگی هایش به عنوان مدیر مدرسه علمیه الزهراء (س) انتخاب کردند.

سال ۱۳۷۳ شروع زندگی مشترک ما بود که قریب ده سال از مدیریت ایشان گذشته بود. با توجه بازگشت بنده از قم به مسجد سلیمان جهت انجام امور فرهنگی و به طور عمده تدریس در حوزه تا سه سال بعد، ایشان در حوزه مسجد سلیمان، هم مدیر بودند و هم تدریس داشتند. این سه سال که به نوعی برای بنده هجرت به حساب می آید،



در ادامه به سابقه فعالیت کاری مرحوم خانم داودی اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: از همان ابتدای حضورشان در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، به عنوان یکی از مدیران کل در معاونت آموزش مشغول به کار شدند و به مرور زمان ادارات متنوعی که در معاونت ایجاد می‌شد، مسئولیتش را به ایشان می‌سپردند و عملاً مدیریت چند اداره کل را تجربه نمودند. چند سال بعد پس از کسب این تجارب به عنوان جانشین معاونت آموزش برگزیده شدند و به اذعان مسئولین این مرکز در این جایگاه بسیار اثرگذار بودند و در دو سال اخیر هم به عنوان معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران ایفای نقش نمودند. همکاری با بقیه مراکز مانند عضویت در هیات امنای جامعه الزهرا (س) و تدریس در جامعه الزهرا (س) و مدارس علمیه خواهران همچون معصومیه و بنت الهدی هم از دیگر فعالیت‌های ایشان در طول سالیان حضورش در قم بود.

در تمام عمر، هم و غم‌شان پیشبرد مقاصد حوزه‌های خواهران بود، چه در کسوت مدیریت و چه در کسوت استادی. به اذعان مسئولان حضور ایشان در مرکز منشأ آثار و برکات زیادی شد و با توجه به نوپا بودن و اولین تجربه مدیریتی حوزه‌های علمیه خواهران، ایشان نقش کلیدی در ریل‌گذاری ساختاری و مدیریتی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران داشتند که امیدوارم این خدمات مقبول درگاه الهی قرار گیرد و به عنوان حسنه جاریه برای ایشان محسوب گردد.

وی با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی مرحومه خانم داودی گرامی می‌گوید: این که بخواهیم چند ویژگی بارز شخصیتی ایشان را انتخاب کرده و فقط در مورد آنها صحبت کنم، کار مشکلی است، چرا که ایشان به نوعی از جامعیت شخصیتی برخوردار بوده و دارای ویژگی‌های اخلاقی و معنوی بسیاری بودند که این ویژگی‌ها در یک منظومه منطقی و مرتبط به هم قابل بحث و بررسی است. در عین حال در این مجال به اهم خصوصیات اخلاقی و سیره رفتاری ایشان می‌پردازم.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های ایشان در تصمیم‌گیری‌ها اهل تفکر، تدبیر و تعقل بود. تعقلی که در روایات به عنوان بارزترین شیئ معرفی شده است که خداوند بین بندگانش تقسیم کرده است (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲). نه تنها در فضای کاری و مدیریتی، بلکه در طول زندگی مشترک هم خصیصه خردمندی وی بسیار مشهود بود. استفاده

از قوه عاقله

در این ایشان در

محیط کاری به حدی بود که

افرادی که مدتی با ایشان کار می‌کردند

به این خصوصیات ایشان اذعان داشتند. به گونه

ای که جناب حجت الاسلام والمسلمین بهجت پور مدیر

محترم مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران از ایشان به عنوان

عقیله این مرکز یاد کرده‌اند و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ویژگی

های ایشان که زمینه‌ساز توفیقات زیاد برایشان بود همین خصوصیت

عاقلانه برخورد کردن با امور و افراد در سطح زندگی و محیط کاری

بوده است.

یکی دیگر از خصوصیات بارز ایشان، اهتمام زیاد نسبت به

موضوعات اخلاقی و تربیتی فرزندانمان به خصوص تربیت دینی

آنان بود. یکی از مهم‌ترین دستورات الهی که خداوند متعال در قرآن

مجید به صراحت از آن یاد کرده و اهمیت آن را بیان فرموده، موضوع

مسئولیت والدین و اهتمام نسبت به تربیت دینی فرزندان است و از

نظر کارشناسان تربیتی هر اندازه مسائل دینی و تربیتی برای والدین

مهم و ضروری جلوه نماید علاوه بر این که در خصوص تربیت

فرزندان خود موفق تر خواهند بود، فرزندان نیز به اهمیت و ضرورت

آن مسائل بیشتر واقف می‌شوند. نکته بسیار مهم در این خصوص

این است که عدم اهتمام و شانه خالی کردن والدین نسبت به تربیت

دینی و اخلاقی فرزندان و واگذاری آن به دیگر نهادهای اجتماعی

مانند مدرسه، اشتباه بزرگی است که آثار نامطلوب در سراسر زندگی

فرزندان به دنبال خواهد داشت.

ایشان برای تربیت فرزندانمان در ابعاد مختلف برنامه ریزی و وقت

گذاری خاص داشته و صبر و حوصله مثال زدنی در این خصوص

داشتند و فقط به نیازهای جسمانی و زیستی آنان رسیدگی نمی‌کردند.

به تناسب اینکه هم اکنون که این مصاحبه انجام می‌شود در ماه مبارک

رمضان قرار داریم و این اولین سالی است که جای خالی ایشان را

با تمام وجود احساس می‌کنیم و فقدان ایشان بسیار بر ما سنگینی

می‌کند. ذکر این نکته را لازم می‌دانم که ایشان ضمن این که خود اهل

معنویت و توکل و توسل بودند، با وقت‌گذاری و سلیقه خاصی که

داشتند، سعی می‌کردند شرایط بهتری را برای روزه و عبادت فرزندان

فراهم کنند. مثلاً غذاهای مورد علاقه‌شان را درست کنند و همواره

عنایت به این نکته داشتند که عمل به تکالیف دینی را برای بچه‌ها

جذاب و آسان کنند.

ویژگی دیگرشان، داشتن

روحیه جهادی و فداکاری بود. در

فضای خانواده، اگر بنده و فرزندانمان، رشد

و ترقی در زمینه تحصیل و تدریس و یا فضای کاری

داشتیم، بی شک آن‌ها را همان گونه که قبلاً هم بارها اذعان

داشته‌ام، مرهون فداکاری و از خودگذشتگی ایشان می‌دانم. ایشان

علی‌رغم داشتن استعداد تحصیلی بالا و برخورداری از فرصت‌های

مناسب برای کسب مدارج علمی بالاتر، با دلسوزی و فداکاری،

بسیار علاقه مند بودند تا زمینه لازم را برای تحصیل و تهذیب و تربیت

طلاب فراهم سازد و خارج از وقت اداری مرسوم، برای تهیه برنامه‌ها

و مشاوره برای حل مشکلات طلاب و مسائلی که در حوزه‌ها بود،

وقت می‌گذاشتند. چرا که عملاً موفقیت خود را در سایه زمینه‌سازی

برای حل مشکلات و پیشرفت و موفقیت دیگران می‌دانستند. به گونه

ای که به یاد دارم دوره آموزشی سطح چهار را که به پایان رساندند، به

ایشان گفتم که چرا ادامه نمی‌دهید، حرفشان این بود که اگر من

در این فرصت بخوام روی رساله‌ام تمرکز و کار کنم،

کار طلبه‌ها می‌ماند. یعنی از خودگذشتگی و

ایثار ایشان بسیار بود و اولویت را در این می‌

دانستند که در خدمت طلاب و حوزه‌های

علمیه باشند.

حجت الاسلام والمسلمین

هاشم پور، ویژگی بارز دیگر

مرحومه خانم داودی را چه در

زندگی خانوادگی و چه در سطح

اجتماعی و کاری، قلیل المؤمنة و کثیر

المعونة بودن یعنی کم هزینه و زیاد کمک

کار و پرثمر بودن عنوان می‌کند که این

خود بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام یکی از صفات

مهم مؤمنین (بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۳۱۱) و از شاخصه‌های مدیران

جهادی و انقلابی است. در همین خصوص نسبت به بیت المال بسیار

حساس بودند. زمانی که وسایل شخصی‌شان را از محل کار به منزل

آوردیم، ملاحظه کردیم که بسیاری از وسایلشان را که مربوط به کارشان

بود، خودشان تهیه کرده بودند، در حالی که می‌توانست از بودجه مرکز

تأمین کند، اما خودشان با هزینه شخصی تهیه کرده بودند. همچنین در

بسیاری از مواقع

در رفت و آمدشان به

محل کار که برخی روزها هم

صبح و هم بعد از ظهر رفت و آمد داشتند،

از وسیله نقلیه مرکز استفاده نمی‌کردند. خلاصه

آنکه در استفاده از بیت المال خیلی اهل احتیاط بودند و سعی

می‌کردند تا می‌شود از بیت المال برایشان هزینه نشود.

دیگر خصوصیت مشهود ایشان، ساده زیستی و کم توقعی و رعایت

زیّ طلبگی در ابعاد مختلف بود. در عین حفظ تمام شئونات یک زن

مؤمن و برخورداری از وقار و سنگینی و عفاف، بسیار با سلیقه و در

ظاهر و پوشش خیلی مرتب بودند. آنجایی که مربوط به خودشان بود،

واقعا زاهدانه زندگی می‌کردند و به زخارف و زرق و برق دنیا بی توجه

بودند. در حالیکه امروز یکی از مشکلات زندگی‌ها حتی خواص،

بالا بودن توقعات و کم رنگ شدن ساده زیستی است که سبب ایجاد

مشکلات متعدد و فروپاشی خانواده‌ها است، ایشان توقع و مطالبه‌ای

در رابطه با خودشان نداشتند و همیشه به حداقل اکتفا می‌کردند.

ایشان با

وجود داشتن

استعداد تحصیلی بالا و

برخورداری از فرصت‌های مناسب برای

کسب مدارج علمی بالاتر، با دلسوزی

و فداکاری، بسیار علاقه مند بودند تا زمینه لازم

را برای تحصیل و تهذیب و تربیت طلاب فراهم سازند

و خارج از وقت اداری مرسوم، برای تهیه برنامه‌ها

و مشاوره برای حل مشکلات طلاب

و مسائلی که در حوزه‌ها بود، وقت

می‌گذاشتند.

ویژگی دیگر ایشان که خیلی مشهود بود، این بود که به

هر نحوی اگر می‌توانست از کسی دستگیری

کند و حل مشکل نماید، با تمام مشغله‌ای که

داشت در قالب‌های مختلف مانند کمک

مالی، ضمانت وام و وقت‌گذاری در

مشورت دادن به دیگران و در حل

مشکلات دیگران اهتمام داشت و

فردی خدوم بودند. از باب نمونه در

یکی از پیام‌هایی که ایشان به یکی از

همکارانشان داده بود، نشان می‌دهد که چه

اندازه برای خدمت برانگیخته و باور داشت.

عین کلام ایشان ذیل حدیثی که مربوط به

برآوردن حوائج مردم است (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۸)، این است:

«این حدیث یکی از احادیثی است که خیلی با آن ارتباط برقرار کرده

ام. همیشه به همکارانم گفته‌ام و آن را در مواقع بسیاری لمس کرده

ام و سختی‌های چندساله را تحمل کرده‌ام و می‌دانم برکات زیادی

برایم داشته است. خداوند انشالله ما را در معرض برآوردن حاجات

بندگان قرار دهد» و در این باب مصادیق متعددی داریم که بیان‌گر

این است که برای خدمت به دیگران علاقمند بودند و این را سرلوحه



کار خودش قرار داده بود.

ویژگی بسیار برجسته دیگرشان، صبور بودن و داشتن سعه صدر بود که باعث موفقیت ایشان شده بود، به ویژه نسبت به بحث مدیریت که ابزار اصلی آن سعه صدر است و اگر کسی سعه صدر نداشته باشد، در مقام عمل در امر مدیریت و تعامل با دیگران به مشکل برمی خورد.

همسر مرحومه خانم داودی ضمن اشاره به فروتنی و تواضعی که در این بانوی گرامی بود، اظهار می دارد: به اذعان بستگان، آشنایان و همکاران، خصیصه بارزشان این بود که وقار، متانت در گفتار و کردار و برخورداری از یک ابهت و صلابت خاص، مانع از خاکساری و تواضع وی نمی شد و ایشان به اعتبار جایگاه و مسئولیتی های عمده ای که داشت، هیچ گاه در مقام بیان و کردار، تکبر به خرج نمی داد و اصل مسئولیت را امانت الهی و مسئولیت های بزرگ تر را فقط زمینه برای خدمت بیشتر می دانست.

این سخنان را که می شنوم، حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) به خاطر می آید که می فرمایند: بالاترین مردم از جهت مقام بندگی، کسانی هستند که با وجود رفعت شأن و مقام، فروتن و متواضع باشند («إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدًا مَنْ تَوَاضَعَ عَنْ رَفْعِهِ» (بحار الانوار، جلد ۷۷، صفحه ۱۷۹) و در می یابم که چه زیبا خانم داودی مصداق این حدیث بودند و در عین داشتن جایگاه مدیریتی و سطوح بالای کاری، با همه همکاران و بستگان و دوستان با خضوع رفتار می کردند.

در ادامه گفتگو، از آقای هاشم پور می خواهم در مورد نظر مرحوم خانم داودی در مورد رابطه علم و عمل برایمان بگوید. وی در این باره تصریح می کند: بر اساس آموزه های دینی و معارف ناب اهل بیت علیهم السلام، زمانی با علم سنخیت پیدا می کنیم که آن علم را به منصفه ظهور در آوریم و اهل عمل باشیم. در همین رابطه اخیراً یکی از مسئولان محترم از بنده سؤال نمودند که مرحومه خانم داودی اهل قلم هم بودند؟ عرض کردم که ایشان بیشتر اهل عمل بودند تا اهل قلم. البته نه به این معنا که قلم زدن کار خوبی نباشد، بلکه منظور این

است که اهل عمل بودن مهم تر است و در واقع علم و قلمی که خالی از عمل باشد، ارزش چندانی ندارد. خلاصه آن که ایشان بیش از آن که به انباشت علم راغب باشند، علاقه مند بودند همان مقدار علمی را فرا گرفته اند، به منصفه ظهور و بروز برسانند و برای عمل کردن به دانسته ها، ارزش زیادی قایل بودند به طوری که در پاسخ به یکی از خواهران طلبه که مرحومه به حل مشکل وی اقدام کرده بود و آن خواهر گرامی عنوان کرده بودند که قصد جبران دارند، مرقوم کرده بود: «انشاء الله در ثواب تحصیل علم با عمل شما شریک باشم» که این نشان می دهد ایشان برای عمل کردن به معلومات خیلی ارزش قایل بود و سعی شان این بود که زمینه ای فراهم کند که طلاب علاوه بر تحصیل علم، اهل عمل هم باشند و در حقیقت همه ویژگی های اخلاقی ایشان نمود عمل ایشان هستند و اگر تنها دانش زیاد می داشتند، قاعدتاً آن ویژگی ها در ایشان دیده نمی شد.

وی در مورد راهبردهای سرکار خانم داودی در مدیریت تعارضات اشتغال کاری و امور خانواده می گوید: موفقیت مدیران در فضای کاری اگر به بهای نقصان و کم گذاشتن در فضای زندگی خانوادگی و رسیدگی به امور خانه باشد، ارزش چندانی ندارد.

حجت الاسلام والمسلمین هاشم پور، در ادامه یادآور می شود: ذکر این نکته لازم است که موفقیت خانم داودی در فضای کاری و مدیریتی به بهای کم گذاری در حق و حقوق اعضای خانواده اش نبوده است و این مطلب را بنده و فرزندانم در موقعیت های مختلف عنوان کرده ایم که موفقیت های اجتماعی و کاری ایشان، به بهای کم گذاردن در فضای زندگی و حقوق اعضای خانواده نبوده است. ایشان با برخورداری عالی از مهارت های همسررداری و فرزندپروری و ذوق و سلیقه فوق العاده در امر خانه داری و حتی برخی از مهارت های خاص مانند خیاطی و آشپزی و ... همواره سعی داشتند اشتغالات کاری مانع انجام وظایف اساسی خانه داری و تربیت فرزندان نشود و شخصاً امور خانه را انجام می دادند. از باب نمونه از همان ابتدای زندگی حتی تا این اواخر که



مشغله های

کاری اش زیادتر شده

بود، لباس های اصلی خود و

لباس های فرزندان را به ویژه در زمان

خردسالی، خودشان می دوختند.

وی می افزاید: فداکاری و گذشت از حق خود، یکی

از چیزهایی بود که باعث می شد بتواند بین وظایف کاری و زندگیش تدبیر کند و زمان خودش را بین وظایف خانه و کارهای کلان بیرون از خانه و اشتغالات اجتماعی تقسیم کند. در استراحت و در تفریحاتش و اموری که وقت زیادی از بانوان صرف آن می شود، وقت کمتری می گذاشتند.

برخورداری از مهارت های زندگی و خانه داری ایشان زبانزد همگان بود. تدبیر ایشان و هنر تقسیم زمان برای انجام کارها، مثال زدنی بود و باعث می شد کمبودی حس نشود. هر فردی که در فضای زندگی ما ورود پیدا می کرد، متعجب می شد که ایشان با این همه مشغله کاری، چگونه زندگی شان اینطور مرتب و منظم بود و چیزی کم نداشت. اگر کسی نمی دانست که ایشان شاغل است، تصور می کرد که صرفاً یک خانم خانه دار است. در حقیقت ایشان در جمع نمودن میان وظایف همسری و مادری و وظایف کاری و اجتماعی موفق بوده و در این خصوص جنبه الگویی دارد.

خلاصه آنکه چنانچه فرد بتواند بین وظایف و مسئولیت های زندگی و بیرون از خانه، تدبیر و تقسیم کار کند و هیچ کدام را فدای دیگری نکند، نه تنها مشکلی ایجاد نمی شود، بلکه زندگی قرین با کسب علم و خدمت به جامعه، شیرین تر خواهد بود و احساس ارزشمندی در هر دو فضای خرد زندگی و کلان اجتماعی را برای اعضای خانواده ایجاد می کند.

از دیگر نکته های مهمی که همسر خانم داودی راجع به ایشان می گوید، این است که یکی از مشکلاتی که در زندگی برخی بانوان می بینیم این است که آنان بیشتر با بستگان خود ارتباط دارند، ولی با بستگان همسر چندان ارتباطی ندارند. اما خانم داودی، همان تعلق عاطفی که نسبت به بستگان خود داشتند، با بستگان بنده هم داشتند. رفت و آمدها، مهمانی ها، رسیدگی ها و توجهات حتی گاهی بیشتر از خانواده خودش بود. گاهی که مهمان می آمد، به اقتضای شرایط، سرکار نمی رفتند. یعنی طوری نبود که کار و اشتغالش باعث شود در فضای زندگی مشکلی ایجاد شود.

وی در

ادامه ضمن

اشاره به خیرخواهی

مرحوم خانم داودی تصریح

می کند: یکی از مهم ترین ویژگی های

ایشان این بود که در فضای کاریشان خیلی

خیرخواه دیگران بوده و در فضای کاری برای همکاران به

شکل های مختلف دلسوزی و دستگیری داشتند.

از دیگر ویژگی های ایشان، نیرو پروری بوده است. ایشان به گونه ای با نیروهای تحت امرش ارتباط داشت که آنان بتوانند در آینده بدون حضور ایشان، خود از پس کارها برآیند. چیزی که در کارهای اجرایی به ویژه در فضاهای کاری خواهران، خیلی به آن نیازمندیم، مدیران قابل است. اینکه مدیری بتواند نیرو پروری کند و نیروهایی پرورش دهد که پس از مدتی با انتقال تجربه به جای او را بگیرند و به مرور زمان بتوانند همان نقش را به خوبی ایفا کنند، از اهمیت زیادی برخوردار است. ایشان در این زمینه موفق بوده است، به گونه ای که افراد زیادی که با ایشان همکار بوده اند، علم مدیریت خود را مرهون وی می دانند.

وی در خصوص دغدغه این بانوی فرهیخته در طول حیات کاری و اجتماعی در خصوص جامعه حوزوی بانوان می گوید: تمام تلاش و کوشش ایشان این بود که خواهران طلبه به گونه ای پرورش یابند که بتوانند به نحو شایسته پاسخ گوی نیازهای فرهنگی و دینی و اخلاقی و معنوی جامعه در سراسر کشور باشند.

ایشان گرچه در مسند معاونت آموزش بودند و به طور طبیعی کسانی که در بحث های آموزشی کار می کنند، با طرح و برنامه سر و کار دارند و شاید به لحاظ مسئولیتی که دارند، به طور معمول با بحث های تربیتی و اخلاقی و پرورشی ارتباط کمتری دارند و یا مسئولیت مستقیم ندارند، اما جالب است بدانید در دست نوشته های موجود ایشان برای جلساتی که با مسئولان آموزشی داشته اند، ملاحظه کردم که در طرح بحثشان، از آیات و روایات مرتبط با مسایل اخلاقی و معنوی به جا بهره می بردند. برابم جالب بود کسی که در حوزه کاری، بیشتر درگیر طرح های آموزشی و برنامه ریزی درسی و... است و شاید کمتر بتواند به این چیزها فکر کند. اما منش ایشان، اخلاقی و معنوی بود و از لحاظ کاری نسبت به مباحث تربیتی و اخلاقی طلاب، دل مشغولی و دغدغه زیادی داشتند.

نکته دیگری که مایلیم به آن اشاره کنیم این است که اشتغالات در فضای زندگی و کار، باعث نمی شد از مسایل اجتماعی و سیاسی کشور و





آرمان ها و ارزش های انقلاب و منویات مقام معظم رهبری غافل باشند. بلکه توجه وافری به این امور داشتند. این نوع توجه به بحث های سیاسی و اجتماعی، به طور معمول در خانم ها، قدری کم رنگ تر است، ولی ایشان به این مسائل توجه خاص داشتند و به روز بودند. ایشان دائماً در حال کسب بصیرت سیاسی - اجتماعی بودند تا بتوانند بصیرت بخشی کنند. یعنی مباحث مربوط به انقلاب و ارزش ها و منویات رهبری و مباحث سیاسی و اجتماعی را دنبال می کردند تا بصیرت خود را افزایش داده و در تعاملی که با دیگران دارند، بتوانند به نحو احسن و در سطح یک مسئول برخوردار از شاخصه های تراز انقلاب اسلامی، به دیگران بصیرت بخشی داشته باشند.

وی در انتها یادآوری می کند: لازم می دانم به این مطلب اشاره کنم که بزرگواری و اثرگذاری ایشان به حدی بود که نقش زیادی در خوش بینی بنده به جنس زن داشت و در نتیجه دیدگاه بسیار مثبتی در من نسبت به نوع خانم ها ایجاد کرده بود که یک زن تا چه حد می تواند دارای ظرفیت و خوبی باشد و این به نوبه خود نقش مهمی در تعامل بنده با آنان داشته است.

در حدیثی از نبی مکرم اسلام (ص) است که «المومن مرأة المومن» مومن، آینه مومن است. دو دوست نیز همچون آینه اند. معمولاً دوستان هر فردی، محک خوبی برای شناخت شخصیت او هستند. لذا برای شناخت ویژگی های اخلاقی و شخصیتی مرحوم خانم داودی، با دوست و همکار و یار گرمابه و گلستانشان، سرکار خانم دکتر فریبا علاسوند، عضو شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده گفت و گویی انجام می دهیم که در ادامه می آید:



مرحومه خانم داودی در مراسم المپیاد علمی حوزه مرحله کشوری، اردیبهشت ۹۷، مشهد مقدس

در ابتدای گفت و گو، وی از دوستی اش با مرحوم خانم داودی می گوید: با خانم داودی ۳۶ سال دوست خیلی نزدیک بودیم. سال ۶۲ که وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شدم، خانم داودی مدیر حوزه ما بودند و در سال چهارم مشغول تحصیل. شاید بتوانم بگویم اولین شخصیتی که من در حوزه، جذب سلوکشان شدم، ایشان بودند. او همواره درست و خوب رفتار می کرد، متعادل، میانه، خوشرو و نرم خوب بود. این خلق تا آخر با وی همراه بود البته به شکلی عمیق تر.

خانم علاسوند با اشاره به ویژگی های اخلاقی مرحوم خانم داودی، اظهار می دارد: ایشان مجموعه ای از توانایی های شخصیتی داشتند که انگار ذاتی اش بودند. مثلاً طبیعت ایشان، طبیعت مدیر بود و خصلت های مدیریت، همواره در وی وجود داشت. در عین حال که با هوش و فراست بود، بسیار صبور نیز بود با شرح صدری مثال زدنی. اهل خشم و تند خویی نبود. ترجیح می داد حرفی نزند تا این که حرفی ناپخته بزند. خیلی از این ویژگی ها به شخصیت ایشان مربوط می شد. این ویژگی های مثبت، در تمام این سال ها پیشرفت کرد و عمق یافت و مستند به دین و دینداری شد.

تلاش ایشان برای ارتقای این ذاتیات و ویژگی های اخلاقی، باعث شد تا بتواند الگویی برای بانوان طلبه محسوب شود. برای کسانی که خانم داودی را از نزدیک نمی شناختند از نظر علمی پرآوازه نبود و تنها کسانی که با وی در مباحثات علمی حشر و نشر داشتند و شاگردانش در کلاس های درس، توانستند بعد علمی ایشان و عمق آن را در یابند. اشتغال به مدیریت که در آن خیلی ایثارگرانه فعالیت می کرد، فرصت پیشرفت های بیشتر را نداد ولی به معنای واقعی کلمه، در علوم حوزوی فردی موفق بود. اصولاً اهل اظهار فضل نبود، درس هایش را خیلی خوب و عمیق خوانده بود. تمام کسانی که شاگردش بودند، خیلی از نظر علمی از محضرشان استفاده کردند.

وی در ادامه تصریح می کند: در کنار این توانایی های علمی، خانم داودی، فرد بسیار متخلقی بود، یکی از ویژگی هایی که همه در مورد آن اتفاق نظر دارند، صبر و حالت پذیرایی ایشان از همه اطرافیان بود. در مقابل مسلمین و مومنین دافعه نداشت. شاید برای اکثر ما پیش آمده باشد که ناخواسته افرادی را رنجانده باشیم، ولی خانم داودی واقعا دافعه نداشت و شخصیتی گیرا و دلنشین داشت. شوخ طبع بود و اهل تملق و چاپلوسی



برخی بگویند کاش خانم داودی فلان جا، فلان کار را می کردند، ولی باید این را در نظر داشت که ایشان فردی بسیار جوان و بدون تحصیلات در حوزه مدیریت بودند و این قضاوت باید با توجه به امکانات و ظرفیت های محدود حوزه الزهرا(س) که نوپا بود، صورت گیرد.

در مورد این که توانایی مدیریت ایشان بیشتر جنبه اکتسابی داشته یا ذاتی، خانم عباسوند می گوید: می توان گفت خیلی از خصلت های ما ذاتی است. ولی مهم این است که انسان این ذاتیات را رشد دهد. اگر چه خانم داودی در حوزه مسجد سلیمان تقریباً ۱۶ سال سابقه مدیریت داشت ولی قطعاً او در حوزه مدیریت رشد زیادی در سال های بعد کرد. وقتی در یک تراز گسترده تری مدیریت می کنید و با افراد مختلفی که شرایط و موقعیت شما در سطح کشوری اقتضا می کند، همکاری می کنید، حتما پیشرفت می کنید. همواره کسی که مستعد است، پیشرفت می کند ولی اگر این استعداد در او نباشد، پیشرفتی صورت نمی گیرد و همیشه افق هایش محدود می ماند.

عضو شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران یادآور می شود: بنده آدم های موفق در حوزه خواهران زیاد دیده ام، ولی نظیر خانم داودی کم یاب هستند. خانم داودی مدیری بسیار صمیمی بود و اهل اظهار فضل و ارجاع به استنادات دانشی خود نبود. به همین دلیل، دیگران با این گونه افراد راحت ترند. مدل مدیریتی شان بر مبنای صمیمیت و رفاقت، و نیز پرکاری خودشان و کم توقعی از دیگران بود.

وی خاطر نشان می کند: ایشان مدیری بسیار متواضع بودند. نمونه های زیادی از این خصیصه اخلاقی ایشان سراغ دارم. مشورت هایی که گاهی با من می کردند، تعجب می کردم که این موضوع را از من می پرسند، این تواضع ایشان را می رساند.

عضو هیات علمی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان با اشاره به آخرین خاطره خود از خانم داودی می گوید: به ایشان گفتم با توجه به نزدیک شدن به ایام بازنشستگی تان، در شورا پیشنهاد دادم که شما عضو شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران شوید و همه هم استقبال

نمود. کسانی بودند با این که فقط یک بار با ایشان برخورد داشتند، با همان یک بار ملاقات، از گیرایی و طبع بلندشان می گفتند و اینکه ایشان با کمال صبر و بردباری به حرفشان گوش دادند و خاطره خیلی خوبی از خودشان بر جا گذاشتند. شاید خیلی ها اینگونه باشند که قطعاً یکی از آنها خانم داودی بود، ولی به نظر من این نوع آدم ها زیاد نیستند.

عضو شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران با اشاره به دوستی دیرینه شان با خانم داودی یادآور می شود: بیان این ویژگی ها، مبتنی بر شناخت در طول ۳۶ سال زمان است که شش سال آن را در خوابگاه با هم بودیم و در این مدت ایشان مدیر ما بودند. من از ایشان یک فریاد سراغ ندارم. از سوی دیگر، مدیریت تذکر محور نداشتند. آدم هایی که مدیریشان تذکر محور نیست، خیلی از بار مدیریت را خودشان به دوش می کشند، زیرا اگر کاری انجام نشود، خودشان انجام میدهند. لذا ایشان کمرشان زیر بار مسئولیت بود که شاید از این جهت خیلی به لحاظ جسمی آسیب دیدند. در عین حال همکاران ایشان، با طیب خاطر و علاقه مندی با او همراه و هم تلاش بودند.

شیوه مدیریت وی منسجم و منظم بود. حوزه علمیه الزهراي مسجد سلیمان، جزو اولین حوزه هایی بود که در سال ۱۳۵۹ با پیروزی انقلاب اسلامی تاسیس شد. ایشان دختر نوجوانی بودند که وارد حوزه شدند و اول جوانی شان بود که مسئولیت مدیریت حوزه را قبول کردند. در اوایل و تقریباً تا دو دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از حوزه های علمیه به دلیل استیحاخ از پذیرش ساختارهای مدرن، ساختارهای تشکیلاتی و منظم را نداشتند. ولی ایشان بر اساس توانایی های خودش، تشکیلات اداری منظمی در حوزه الزهرا(س) درست کرده بود که حتی بعد از این چهل سال اگر کسی به حوزه مسجد سلیمان باز گردد و درخواست لیست نمراتش را بدهد، نمراتش موجود است. با اینکه نه کامپیوتری موجود بود و نه سیستم ماشینی دیگری. این نشان می دهد ایشان در مدیریت چقدر توانمند بودند، هم از نظر ویژگی ها و قابلیت های مدیریت و هم از نظر بعد روحی و روانی.

وی خاطر نشان می کند: قصد اغراق در مورد ایشان را ندارم. شاید





در میانه گفت و گو، بغضش اجازه ادامه را نمی دهد و چشمانش بارانی می شود و اشک هایی که بی صدا روانه می شوند، نشان از اندوهی عمیق در فراق عزیز دل می دهد...

پس از لحظه ای ادامه می دهد: وقتی همه ی افراد در مورد شما نظر یکسانی دارند، به این معناست که ذره ای نفاق در شما نیست. در مورد خانم داودی، نظر من به عنوان دوست صمیمی، با فرد دیگری که به تازگی با ایشان همکاری شده بود و فردی فقط یک بار ایشان را دیده بود، همه یک نظر داشتیم و این نشان می دهد که این فرد نفاق ندارد. خانم داودی به عنوان یک انسان در تمام ۵۵ سال عمر از خود، یک رو نشان داد.

وی می افزاید: خصلت اخلاقی دیگر ایشان که مهم است به آن اشاره کنم، بی آن که اهل نمایش باشد، بسیار فداکار و ایثارگر بود. نمونه های خیلی زیادی در این زمینه از ایشان سراغ دارم. از نمونه هایی که الان متوجه شدیم این که مخفیانه برای خانواده هایی در شهرهای دیگر هر ماه کمک هایی ارسال می کرد گرفته، تا خدمات ریز و درشتی که برای همه انجام می داد. خودم هم در این باره یک خاطره شخصی دارم که چندسال پیش عمل جراحی داشتم. آن زمان تنها کسی که اصلا توقع نداشتم بیاید و پیش من بماند، خانم داودی بود. چون سرشان شلوغ بود و تا پنج عصر در مرکز بودند. به یک باره دیدم که ایشان از سرکار آمدند و شب اول که سخت ترین شب برای بیمار جراحی شده است را در بیمارستان پیش من ماندند. من آن قدر شرمنده آن شب شدم که همیشه دنبال فرصتی بودم تا بتوانم برایشان جبران کنم و فردای آن روز هم از همان بیمارستان بی سر و صدا به سرکار رفتند و هیچ کس هم متوجه نشد. شاید اگر ایشان فوت نمی کرد و پیش نمی آمد این خاطره را بگویم، هیچ کس خبردار نمی شد. ایشان خیلی فداکار بودند. از سوی دیگر او شخصیت ذلیلی نداشت و کاملا مقتدر بود در عین حال افراد دوست داشتند که کنارش باشند و با ایشان صحبت کنند و بارش را بردارند.

کردند، اما ایشان در کمال فروتنی گفتند که من در حد شورای سیاست گذاری نیستم که از این سخن ایشان من نیز شرمگین شدم زیرا در حالی که نه تنها در آن حد بودند بلکه

می دانم حتی از من شایسته تر بودند و به این شایستگی ایشان واقعا اعتقاد داشتم. گاهی تواضع در حد یک تظاهر است، ولی ایشان واقعا این اعتقاد را داشت. این تواضع روی

محبوبیت اجتماعی اثر زیادی دارد. برآیند همه این خصلت ها، این است که خانم داودی واقعا خوش خلق بودند. دسته ای از ثواب ها و درجات فقط برای خوش خلقی اند. مثلا خداوند افرادی را که خوش خلقند، جداگانه در بهشت به آنها درجه می دهد. یا کسانی که خوش خلق نیستند، خداوند حتی از عباداتشان هم مسرور نمی شود. معنای خوش خلقی یعنی این که مومن "هش و بش" است. وقتی نگاهش می کنی، مراوده اش دل چسب است. وجودی یک رنگ و روراست دارد. شوخی می کند و گوشی شنوا دارد و سنگ صبور است. طعنه زن و غیبت کن نیست. گاهی این صفات را جدا جدا در یک فرد می بینی و گاهی برآیند آنها در یک فرد جمع است. خوش خلقی برآیند همه این هاست. خانم داودی خوش خلق بودند و این باعث شده بود که به شدت در جمع ها محبوب باشد. مانند یک طفل که مادرش را ببیند با وارد شدن ایشان به جمع مان، خوشحال می شدیم و چیزی که مرا بسیار ناراحت می کند این که دیگر هیچ گاه این خوشحالی را تجربه نمی کنم و جای او کنارم همیشه خالی است. من واقعا غبطه می خورم به چنین شخصیتی و این حس می که به همه می داد. برای همین است که همه ما حس می کنیم جایش همیشه خالی است.

من در جایی یک جمله نوشته بودم که "چرا این قدر جای تو خالی است، مگر تو جای چند نفر یک جا خوب بودی!" و به این جمله اعتقاد دارم که با رفتن ایشان، گویی تعداد زیادی را از دست داده ای، چون یک نفر گاهی جای خیلی از آدم ها خوب است و یک جا می تواند این ظرفیت را پر کند.



خانم
علا سوند
به دیگر خصیصه
اخلاقی خانم داودی
اشاره می کند و می افزاید: ظرفیت
اخلاقی خانم داودی به حدی وسیع بود که
به نظرم ذره ای حسد و تنگ نظری نداشت. قلب او
گنجایش پذیرش پیشرفت همه اطرافیانش را داشت و با وجود
همه توانمندی ها و استعدادهای وافرش، همیشه با علاقه و فروتنی
از دیگر دوستانش تمجید می کرد. همچنین ایشان هیچ گاه مدیون
ما نشد. شاید خیلی از ماها مدیونش مانسیم، ولی او مدیون ما نشد.
به هر حال فکر می کنم این ها در روزگار ما خیلی مهم است. برای
خودم خیلی درس است. ایشان هر روز تا ساعت پنج عصر سرکار
بودند ولی اضافه کاری نمی گرفتند. تمام مدت اشتغالش از ماشین
مرکز استفاده نکرد، حتی زمانی که معاون شد.

وی، یکی دیگر از ویژگی های ایشان را روحیه تدین و ایمانشان
معرفی می کند و می گوید: خانم داودی روحیه ای عارفانه و معنوی
داشتند و اهل نمایش نبودند. همواره در هر مجلسی کنار ایشان نشسته
بودم و صدای گریه و توسل ایشان را می شنیدم اما آن قدر این رابطه را
خصوصی نگه میداشت و مخلص بود که کمتر کسی از عمق ایمان
ایشان مطلع می شد، به مجالس اهل بیت (ع) خیلی توجه داشت.
اگر چه این ایمان در رفتار اخلاقی و تقوای او خواه ناخواه مشهود بود.
خانم علاسوند یادآور می شود: درکنار تمام این ها به شهدا و انقلاب
و امام و مقام معظم رهبری توجه ویژه داشت. این سطح از ولایت
مداری برایم خیلی ارزش داشت. شاید کسی به این ویژگی ایشان
اشاره نکند، ولی واقعا نسبت به انقلاب و ارزش های آن معتقد بود،
ولی نمایش نداشت.

درکنار تمام این ها خانم داودی برای همه ما الگوی یک بانوی خانه
دار مرتب متعهد به وظایف مادری و همسری بود و در خانه داری و
نظم و نظافت تمام عیار بودند و دو فرزند بسیار خوب تربیت کردند.
مادری کردن خیلی سخت است، بویژه برای نسل جدید و این که بتوانی
در این اوضاع دو فرزند خوب تربیت کنی، کار بسیار مشکلی است.
ایشان سفره دار بود و بسیار سخاوتمند، حتی این را خانواده همسرشان
هم می گفتند که سفره دار بود و خیلی خوب پذیرایی می کرد.

شاید راز این که ایشان به عنوان یک بانوی شاغل، وظایف مادری و

همسری
خود را به نحو
احسن انجام میداد و
حتی امور خانه را هم به نحو
عالی اداره می کرد، این بود که فردی
بسیار مستعد و باهوش بود. افراد باهوش و مستعد
به اندازه دیگران برای یک کار وقت نمی گذارند؛ مثلا برای
درس خواندن و یا کارهای دیگر کمتر وقت می گذارند و همان نتیجه
را می گیرند. در یک زمان واحد حجم کار بیشتری را انجام می دهند.
شنیدن این همه خوبی از یک فرد، بسیار جالب و دلنشین است
اینکه بانویی در همین دوره، با تمام مشغله ها این قدر خوب بودند
و از الگویی حضرت زهرا (س) به خوبی سرمشق گرفته اند، حس
خوبی برایم تداعی می کند که هنوز هم می توان خوب و عالی بود و
زهراگونه زیست. با همین تفکر، از خانم علاسوند می پرسیم که چرا
فردی مانند خانم داودی این گونه گمنام بودند و چندان به عنوان الگو
در سطح وسیع معرفی نشدند؟

وی در این باره تصریح می کند: نکته ای که در این باره وجود دارد این
است که وقتی از فرد خوبی تمجید می شود، خود فرد احساس خوبی
ندارد و اگر کسانی دیگر این کار را بخواهند انجام دهند، احساس
می شود که دارند تملق می کنند. من فکر می کنم از یک جهت
طبیعی است که در زمان حیات افراد، خیلی نمی توان از آنها تعریف
و تمجید کرد. همچنین اگر کسی از خودش بگوید، به نظر خودستایی
کرده است. جالب است افرادی که این خطر را کرده اند و پذیرفته اند که
برای الگوسازی از خود بگویند، در حوزه مغضوب شده اند، به ویژه در
بین خانم ها. این عوامل باعث خودسانسوری افراد می شود. ولی با این
حال موافقم که باید افرادی چون خانم داودی بیشتر معرفی می شدند.
شاید یکی از راه های این باشد که این افراد صالح و شایسته، در
جمع طلاب حاضر شوند و برای آنها صحبت کنند و طلاب سوالاتشان
را شخصا از این افراد پرسند. کاری که در سال های دور و دهه شصت
در حوزه مسجد سلیمان انجام می شد و همواره افراد بنام یا بی نام ولی
موفق دعوت می شدند تا از تجربیات خود برای طلاب جوان بگویند.



استاد سرکار خانم فریبا علاسوند

حوزه‌ها نیاز دارند تا شخصیت‌ها آن‌جا بروند. نیاز به یک برنامه ریزی است تا این برنامه‌ها بیشتر و بهتر در حوزه‌ها برگزار شوند.

کردند. از ابتدای خدمت به عنوان مدیر مدرسه علمیه مسجدسلیمان تا پایان خدمت در کسوت معاونت آموزش حوزه‌های علمیه، مدیری مدبر، فهیم، استوار، معتمد و محبوب قلوب بودند.

تبلور حیا و عفت در کلام و نگاه و رفتارشان، در عین فعالیت‌های گسترده اجتماعی، مصونیت و عدم محدودیت زنان محجبه در جامعه اسلامی را نمایانگر می‌سازد. دوراندیشی، پرهیز از هرگونه رفتار و تصمیم مقطعی و احساسی و تحلیل عواقب تصمیمات و اقدامات در دست انجام، سبب می‌شد هرگز از راهی که در پیش می‌گرفتند پشیمان نباشند. ولایتمداری و بصیرت سیاسی و زمان‌شناسی عمیق ایشان همواره زبان زد بود.

به عنوان مثال در ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی، زمانی که سردار بزرگوار حفظه‌الله، سردار حاجی زاده در مقابل دوربین حاضر شدند و علیرغم ابعاد پنهان ماجرا، تمام تقصیر را به گردن گرفتند تا اختلافات احتمالی در نطفه خفه شود، در آن شرایط حساس که هرکس به نحوی مشغول تحلیل مآل بود، سرکارخانم داودی این دنوخته را برای دوستان ارسال کردند که آرامشی بر همه مستولی و حجت تمام شد:

((سردار حاجی زاده اعلام کرد ما مقصر بوده ایم.....

بله سردار عزیز شما مقصر بوده اید.

می‌دانید چرا؟

چون عمری است نگذاشته اید مانند مردم عراق و سوریه و... از ترس حمله داعش بر خود بلرزیم چون عمری است شما در مرزهای ماقربانی می‌دهید تا ما با خیال راحت به زندگی و غور در دنیایمان بپردازیم.

بله تقصیر شماست که ما را چنین مطالبه‌گر بار آوردید. انگار وظیفه شما جان باختن و وظیفه ما حفظ جان است!

بله تقصیر شماست..... حالا هم که باز برای حفظ جان مادر شرایط اضطراری خطا کردید باز تقصیر شماست.

اصلاً تقصیر شماست که راست گفتید....

شما هم باید یاد بگیرید مغلطه کنید و هزاران ترفند برای اثبات حقانیت خود بکار ببرید پس بپذیرید که تقصیر شماست.

افراد شاغل، شاید بیشترین وقت خود را با همکارانشان سر می‌کنند. همکار می‌تواند محررم راز باشد و گاهی سنگ صبور. اوست که می‌تواند در تلاطم سختی‌های کار، آرامت کند و کشتی مسئولیت را به ساحل آرامش و موفقیت رهنمون شود. مرحوم خانم داودی گرامی، همکاران بسیار ارجمندی در مرکز مدیریت داشتند که برای شناخت روحیاتشان در فضای کاری، به سراغ سرکار خانم آزاده صدرشیرازی، مدیرکل تحصیلات تکمیلی حوزه‌های علمیه خواهران رفتیم که با روی باز و محبت این درخواست را پذیرفتند.

در ابتدا از تحصیلاتشان و سابقه کاریشان می‌پرسم، می‌گوید: بنده تحصیلاتم را در جامعه الزهرا (س) به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در یکی از بخش‌های اداری جامعه الزهرا (س) نیز مشغول به خدمت بودم. خردادماه سال ۸۴ از طرف مرکز مدیریت حوزه خواهران دعوت به کار شدم. من که آشنایی چندانی با فضا و فعالیت‌های مرکز مدیریت نداشتم، با استخاره و توکل بر ذات احدیت پذیرفتم. در بدو ورود به معاونت آموزش، تواضع و فروتنی و تعامل سرشار از لطف مدیران آموزش، از جمله سرکار خانم داودی به شدت مرا مجذوب این جمع یک دل و صمیمی کرد. ۱۲ بهمن سال ۸۸ اولین روز دهه مبارکه فجر سرکار خانم داودی به دنبال تغییراتی که در بدنه معاونت شکل گرفت، به سمت مدیریت تحصیلات تکمیلی وقت منصوب شدند و از همان روز در هر پستی که خدمت کردم، توفیق یار بود که در رکاب آن بانوی فاضله باشم و از محضرشان کسب فیض کنم.

در این مدت پیشنهادات متعددی از جانب دوستانی در بخش‌های مختلف مرکز یا جامعه الزهرا (س) که به بنده لطف داشتند، دریافت می‌شد اما با قوت و بی‌تامل، همه پیشنهادات را فارغ از هر عنوانی رد می‌کردم. حتی یک بار مرحومه با مزاح فرمودند: "بیعتم را از گردنتان برمی‌دارم تا با فراغ بال تصمیم مناسب را بگیری" لیکن خدا را شاکرم که تا آخرین لحظه در خدمت ایشان بودم.

وی می‌افزاید: ایشان شخصیتی جامع‌الاطراف و بی‌بدیل داشتند. مدیر محترم مرکز از ایشان به عنوان "عقیله حوزه‌های علمیه خواهران" یاد



امور بر خلاف روال
معمول اداری نیستیم.
کسرکار چند روز دنیا چه
ارزشی دارد، دعا کنید در
پرونده الهی کسرکار نخوریم....»
اللهم احشرها فی زمره عبادک المخلصین.

انفاق،
سخاومتندی،
خوشرویی و مردم‌داری
ایشان سبب شده تا ابد یاد
و خاطره شان در قلوب شاگردان و

همکاران و دوستان ساری و جاری باشد. العلماء باقون ما بقی
الدهر.

وی خاطره دیگری به یاد می‌آورد و می‌گوید: سال ۹۷ بازدیدی از
یکی از مدیریت‌های استانی داشتیم، راننده ما در این ماموریت، آقای
شجاعی نیروی قدیمی و رسمی مرکز بودند که در حال حاضر بازنشسته
شدند. بین راه به ما گفتند: خانم داودی چقدر انسان والا و شریفی
هستند. من مثل ایشان را هیچ وقت ندیدم. خدا حفظشان کند. بعد
برایمان تعریف کرد که اوایل معاونت ایشان بود که به ایشان گفتیم برای
رفت و آمد به اداره، از ماشین در اختیار مرکز استفاده کنید، ولی قبول
نکردند و گفتند من همان طور که پیش از این رفت و آمد می‌کردم الان
هم همان طور می‌آیم، مگر وضعیت تفاوتی کرده؟

جوانان و بانوان حوزوی همواره به الگوهایی در دسترس و ملموس
نیاز دارند تا با تمسک به آنها از مسیر قرب الهی گمراه نشوند. پس
وظیفه ماست که این اسوه‌های راستین را بشناسیم و بشناسانیم.

خانم صدر شیرازی با اشاره به یکی از خاطراتش با مرحوم خانم
داودی یادآور می‌شود: تک تک لحظاتی که در رکاب ایشان خدمت
می‌کردم، خاطره بود و درسنامه زندگی. فایل پیوست مستندی است
که گوشه کوچکی از وسعت نظر و مناعت طبع و اخلاص آن بانوی
فرهیخته آسمانی را به تصویر می‌کشد. ماجرا از این قرار است:

آقای شجاعی گفت: چند روز بعد نزدیک غروب بود لابی مرکز
ایستاده بودم و قرار بود اعضای جلسه را بعد از نماز مغرب به استراحتگاه
ببرم. خانم داودی را دیدم که داشتند از مرکز خارج می‌شدند. سلام
کردم و گفتم حاج خانم صبر کنید شما را برسانم و برگردم، من تا یک
ساعت دیگر کاری ندارم. قبول نکردند و گفتند ممنون لازم نیست. به
ایشان عرض کردم: ماشین و راننده در اختیار مرکز هست چرا شما با
تاکسی بروید؟ صبر کنید الان ماشین را می‌آورم. با سرعت ماشین را
روشن کردم ولی با این که ماشین را دیدند، قبل از رسیدن من سوار
اولین تاکسی شدند و رفتند. از آن زمان به بعد همیشه نزدیک غروب
می‌دیدم که به تنهایی از مرکز خارج می‌شوند. «و البته تنها آسمانی‌ها
اینگونه اند.»

«به دستور مسئولین محترم وقت مرکز، مرخصی تحصیلی که
همکاران در راستای تحصیل یا تدریس از آن بهره می‌گرفتند و به امور
علمی می‌پرداختند، حذف می‌شود. سرکار خانم داودی بر اساس
تعهد و دینی که سال‌ها در کسوت استادی مدارس علمیه خاوران
داشتند، به تدریس خود ادامه می‌دهند، بر این مبنا که از مرخصی
کاری استفاده نمایند.»

از دیگر سو، این استاد معزز در تمام ایام هفته به شهادت تمامی
همکاران ایشان و مستندات موجود در بخش منابع انسانی مرکز، تا
بعد از ظهر و حتی غروب به رتق و فتق امور اداری و آموزشی، بدون
دریافت حتی یک ریال اضافه کاری مشغول بودند.

خانم صدر شیرازی در ادامه خاطر نشان می‌کند: از آیت الله فاضل
لنکرانی "قدس سره" سخنی نقل شده که به شدت مورد توجه سرکار
خانم داودی واقع شده بود: "من پنجاه سال است دارم اسلام می‌خوانم
بگذارید خلاصه اش را بگویم: واجبات را انجام بده، به جای
مستحبات به کار مردم برس و کار مردم را راه بیانداز، اگر کسی در
قیامت از تو سوال کرد بگو فاضل گفته بود."

معاونت محترم آموزش وقت جناب حاج آقا حسین، طی نامه‌ای
این مطلب را به مدیر سابق مرکز اعلام می‌نماید و از ایشان تقاضا
می‌کنند که به عنوان حداقل کار ممکن که می‌شود انجام داد، به
عنوان جبران بخش اندکی از اضافه کاری‌های بعد از ظهر، مرخصی
تحصیلی به ایشان تعلق بگیرد و در لیست حقوق ایشان کسرکار زده
نشود. پس از موافقت قطعی و بی‌تردید مدیر محترم مرکز، زمانی که
خانم داودی از رونوشت این نامه مطلع می‌شوند، بسیار متأثر شده و
شرح پیوست را به معاون آموزش فرستادند که: «بنده راضی به انجام

بارها این مطلب را برای ما نقل می‌کردند و در عمل هم با قوت پایبند



را با جدیت ملزم به بازگشت به تحصیل با استفاده از آموزش های الکترونیک می نمود. در عین حال تاکید داشتند اساتید در انتخاب شیوه و سیر آموزشی در شرایط فعلی مختار باشند و این آخرین بخشنامه ای بود که با امضای ایشان ابلاغ گردید تا همیشه خاطر مان باشد طلبه در هر شرایطی از وقت و فرصت خود برای تحصیل علم و دانش بهره بگیرد.

فرمی تنظیم شده بود جهت اخذ گزارش کار روزانه همکاران، استاد سفرکرده ام، سربرگ فرم، حدیثی از امام حسین (ع) نوشته بودند که هر روز همکارانشان زمان تکمیل گزارش روزانه با دیدن و خواندن آن حدیث خستگی و آزردهی از کارهای فشرده را از یاد می بردند و با قدرت و توان مضاعف به تمشیت امور آموزشی طلاب می پرداختند. حدیث این بود: "امام حسین (ع) فرمودند: ان حوائج الناس الیکم من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم فتتحول الی غیرکم. نیاز مردم به شما از نعمتهای خداوند بر شماست، از نعمت ها خسته نشوید که به دیگران واگذار می شود." توصیه می کردند "طیب دوار بطبه" باشید. طلبه در راه تحصیل علم و دانش و معرفت و انتقال معارف حقه اهلیت (ع) به سایرین، ممکن است با کم لطفی ها و قضاوت های ناصواب مواجه شود، اما اگر نیاز مردم به علم و معرفت خود را نعمت خداوند بدانند هرگز خسته و ملول نمی شود.

در پایان به خداوند کریم عرض می دارم: خدایا این عزیزتر از جانمان را آن گونه که خود سزاوار میزبانی هستی بپذیر و از شفاعت ایشان ما را بی نصیب مگذار. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

همواره طمانینه و آرامشی ملکوتی داشت و زمانیکه خبر عروجش منتشر شد، بغضها ترکیب و سرتاسر حوزه های خاوران یک پارچه عزا دار شدند و برای شادی روحش، هزاران ختم قرآن و زیارت عاشورا تلاوت شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



بودند که به هیچ بهانه ای در خدمت به سربازان آقا امام زمان (عج) قصوری صورت نگیرد. اربعین سال گذشته برای تشرف خودم و همکارانم به سفر کربلا از ایشان رخصت گرفتم، فرمودند: برای زیارت امام حسین (ع) به هیچ کس نه نگفتم، ولی مراقب باشید کارها زمین نماند! عرض کردم خودتان تصمیم به سفر ندارید؟ فرمودند: "امسال نه، نیت کرده ام سال آینده که بازنشسته شدم، در هر حالی باشم پیاده به کربلا بروم، البته به شرط حیات...". یک لحظه به حال ایشان غبطه خوردم. یقین داشتم ارتباط روحی لطیف ایشان با اهلیت (ع) از ما که به ظاهر زائر بودیم قوی تر و نزدیک تر است.

دغدغه مندی ایشان برای خدمت خالصانه به حوزه تا حدی بود که دو بار در بیمارستان بستری و تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند. در هر دو مرحله پزشکی یک ماه استراحت تجویز کرده بود. دستور مرخصی استعلاجی یک ماهه را به کارگزینی ارسال کردند و مرقوم فرمودند یک هفته استراحت کافی است.

حتما برای خوانندگان نشریه جالب است بدانند آخرین بخشنامه ای که با امضای حاج خانم ارسال شد کدام نامه بود و آخرین دغدغه ایشان در مرکز چه بود.

در این باره می گوید: از اولین روزهایی که ویروس منحوس کرونا در کشور عزیزمان شناسایی شد و آموزشگاه ها را به تعطیلی کشانید، علیرغم پوشیده بودن حجم گسترده این بحران بر همگان، ایشان بسیار نگران استمرار وضعیت آموزش حوزه های خاوران بودند. بعضی از همکاران می گفتند نگران نباشید، تا یک یا دو هفته بعد اوضاع عادی می شود و با کلاس های جبرانی نهایتا عقب ماندگی دروس جبران می شود. اما تاکید داشتند ما در برابر لحظه به لحظه وقت طلاب مسئولیم و نمی توانیم دست روی دست بگذاریم. فعالیت های آموزشی تحت هیچ شرایطی نباید تعطیل شود و فقط نحوه آموزش باید تغییر کند. پیگیری ایشان جهت برقراری آموزش های مجازی در اسرع وقت، منجر به ارسال بخشنامه ای به مدارس علمیه شد که اساتید و طلاب

بانوجا که... خبرت هست؟! ...



خبرت هست که دلنگ حضورت شده ام
بی قرلا عدم شمع وجودت شده ام



خبرت هست ولم مست حضورت شده بود
دل منم شیفته سر مهر نگاهت شده بود



خبرت هست که دلنگ حضورت شده ام
بی قرلا عدم شمع وجودت شده ام



خبرت هست بچو بادلا که بهامم بودم
چو پرستور مباحر نکراننت بودم



خبرت هست که دلنگ حضورت شده ام
بی قرلا عدم شمع وجودت شده ام



خبرت نیست... دلنگ حضورت شده ام...
بی قرلام... بی قرلا عدم شمع وجودت شده ام



تحلیل فقهی پیرامون حکم نوشیدن ادرار شتر



تنظیم
استاد طاهره بقال صفا



گوشت، شیر و ادرار شتر بر اساس بسیاری از عقاید و باورهای سنتی و حتی داده های پزشکی جدید، از محصولات و مواد غذایی پر خاصیت هستند. در بحران کرونا جنجال هایی در فضای مجازی، درباره فواید نوشیدن ادرار شتر با نوعی انتساب به آموزه های دینی ایجاد شد. برآن شدیم تا حکم این مساله را از منظر فقهی بررسی کنیم.

بنابر نظر همه مراجع عظام، خوردن چیزهایی که طبیعت انسان از آن متنفر است، مانند بول حیوانات حلال گوشت، حتی اگر حلال هم باشد، جایز نیست و قائل به حرمت آن می باشند. در این میان برخی، بول شتر را به استناد روایت، که شفا در آن قرار داده شده، استثنا نمودند.

عن ابی الحسن موسی علیه السلام: ابوال ابل خیر من البانها و يجعل الله الشفاء فی البانها.

☒ بول شتر از شیر او بهتر است، چرا که خداوند شفا را در آن قرار داده است. (وسایل الشیعه، الباب ۹۵، حدیث ۳ من ابواب الاطعمه ال....) بنابر نظر مراجع عظام تقلید نسبت به بول شتر، آنچه متفق است این است که به دلیل خبثت عرفی، جایز نیست و حرام است. اما برخی از فقها، خوردن آن را فقط در صورتی که به قصد علاج و درمان از آن استفاده شود، جایز دانسته اند. برای نمونه به برخی فتاوی فقهای معاصر در ذیل اشاره می گردد:

☒ **آیت الله سیستانی:**

آشامیدن بول حیوانات حرام گوشت و همچنین بول حیوانات حلال گوشت، حتی شتر، بنابر احتیاط لازم حرام است. ولی خوردن بول شتر و گاو و گوسفند اگر برای معالجه باشد، اشکال ندارد.

☒ **آیت الله صافی:**

خوردن بول شتر حلال است ولی از بول سایر حیوانات حلال گوشت و چیزهایی که طبیعت انسان از آن متنفر است، بنابر احتیاط اجتناب شود.

☒ **آیت الله مکارم شیرازی:**

خوردن اشیاء خبیث و پلید مانند فضله حیوانات و آب بینی و امثال آن، که طبع انسان از آن تنفر دارد حرام است، هر چند پاک باشد.

☒ **آیت الله گلپایگانی:**

خوردن خبثت یعنی چیزهایی که طبیعت انسان از آن متنفر است، حرام می باشد.

☒ **نتیجه:** بول شتر از آنجا که طبع انسان از آن متنفر است. فقط برای استشفاء و به قدر ضرورت جایز است و در غیر این صورت جایز نیست و نکته قابل تامل اینکه با توجه به بیماری های دامی و توصیه های بهداشت جهانی در این خصوص، باید جانب احتیاط را لحاظ نمود و خردمندانه عمل کرد و در غیر اینصورت، جایز نیست.

مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س):

دغدغه بانوان، حوزو، خدمت خالصانه به زمانه، جامعه، به عنوان

محور اصلی و بنیاد در خانواده و جامعه است

تهیه و تنظیم
مریم کلایی

اشاره:

سرکار خانم زینب طالبی، مدیر محترم مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) از طلبه های اوایل انقلاب اسلامی هستند، از همان ابتدای طلبگی به امر مقدس تبلیغ پرداخته و به اقتضای شرایط، هم در مدارس و هم در دانشگاه حضور می یافتند. تدریس را از همان دهه هفتاد شروع کردند. در زمینه پژوهش نیز جزو اولین گروه های پژوهشی جامعه الزهرا (س) بودند و حدود چهار سال در رشته جامعه شناسی و فقه و اصول، تحقیق و پژوهش هایی انجام دادند. ایشان که هم اکنون با کوله باری از تجربه در کسوت مدیر، مبلغ و مدرس مشغول خدمت رسانی در حوزه های خواهران هستند، میهمان این شماره نشریه آفاق اندیشه اند:

گفتگو با استاد سرکار خانم زینب طالبی

۱. لطفاً با هدف آشنایی اجمالی خوانندگان و مخاطبان نشریه با سوابق علمی-تحصیلی و خانوادگی حضرتعالی، کمی درباره خودتان صحبت بفرمایید؟

از طلبه های دهه شصت هستم که در مکتب علی علیه السلام، قبل از تجمیع مکاتب و شروع جامعه الزهرا (س)، تحصیل را آغاز کردم و از همان سال های اول به امر تبلیغ و فعالیتهای اجرایی مشغول شدم. دهه هفتاد سطح دو و سه را به اتمام رساندم و در سال هشتاد و نه، سطح چهار را شروع کردم. نظام تحصیلی،

نظام قدیم بود و ما درس را به قصد یاد گرفتن به ترتیب دروس اصلی می خواندیم. مثلاً چهار سال اول بیشترین ساعت های آموزشی مربوط به دروس ادبیات عرب اعم از کتاب های قدیم و جدید بود. سپس فقه و اصول و هر کتاب فقهی و اصولی به تفصیل تا آخر کتاب خوانده می شد. مثلاً همه ابواب شرح لمعه، اصول مظفر، رسائل، مکاسب و کفایه، آن چه موضوعیت داشت، فهم و علم هر درس بود. سنوات مهم نبود. لذا سال های طولانی ما با عشق و علاقه به کلاس می رفتیم و لذت علم آموزی، هر روز در ما بیشتر می شد.

در زمینه فعالیت های اجرایی و پذیرفتن پیشنهادات اجرایی، مهم احساس نیاز به کار بود. هیچ وقت کار را به عنوان شغل نمی دیدیم، لذا هر جا نیاز بود می رفتیم و سعی مان بر این بود که دلبسته پست و سمت نباشیم.

در سال هشتاد و یک وارد مرکز مدیریت شدم. پنج سال در سمت مدیر تبلیغ و پنج سال در سمت مدیر اساتید و در حال



سرکار خانم طالبی، مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)
عکس از م. ک.

حاضر قریب به پنج سال است که در سمت مدیر مرکز تربیت مدرس انجام وظیفه می‌نمایم.

۴. در حال حاضر تربیت مدرس را با ایده آل و وضع مطلوب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر مسئولان تصمیم‌ساز در مرکز در اندیشه تغییر رویکرد تربیت مدرس هستند که امیدواریم در هر صورت زمینه خدمت به طلاب و حوزه‌های خواهران فراهم شود.

۵. نقش بانوان حوزوی را در عرصه‌های اجتماعی و علمی جامعه دینی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نقش بانوان حوزوی منوط به ورود موثر حوزویان به بدنه جامعه است و دغدغه بانوان حوزوی، خدمت خالصانه به زنان جامعه به عنوان محور اصلی و بنیادی در خانواده و جامعه است. تحقق این دغدغه به درست عمل کردن بانوان حوزوی و حضور عینی گفته‌ها و نصایح دیکته شده برای جامعه می‌باشد. با توجه به مسئولیت و رسالت حوزه در جامعه، نقش بانوان حوزوی خطیر و موثر خواهد بود.

۶. یکی از مهمترین تجربیات خود را به عنوان مدرس و مدیر اجرایی

در زمینه تدریس و یا کار اجرایی در مدارس و حوزه‌های علمیه، با خوانندگان نشریه آفاق اندیشه در میان بگذارید؟

تجربه بیست ساله بنده در فعالیتهای اجرایی نشان داده است که علاقه و هدفمندی در امور اجرایی به ویژه در نوع کار ما، بسیار حائز اهمیت است. نگاه به کار اجرایی نگاه شغلی نباشد. نگاه کار غیر علمی نباشد که بعضی تصور می‌کنند تدریس، کار علمی است، اما مدیریت، کار علمی نیست؛ زیرا با توجه به سابقه تدریس، تبلیغ و تحقیق که داشتم این سخن را می‌گویم که مدیریت اجرایی مفید و موثر، کار آسانی نیست.

۲. سابقه همکاری و آشنایی حضرتعالی با مرکز تربیت مدرس، از چه زمانی و چگونه اتفاق افتاد؟

زمان آشنایی بنده با تربیت مدرس از بدو ورود به آموزش مرکز بود که تربیت مدرس بلند مدت به جهت تامین مدرسان خواهر، برای مناطق محروم طراحی شد. یکی از انگیزه‌های مهم بنده برای پذیرش مسئولیت تربیت مدرس، ورود به صف و ارتباط مستقیم با طلبه‌ها بود و اینکه کارکرد خود را در ستاد ارزیابی کنم که چقدر برای صف، کارایی داشته است.

۳. در ابتدای شروع به کار در این مرکز، چه باورها و آرمان‌هایی داشتید؟

اهدافی که برای تربیت مدرس دیده شده بود، بسیار مناسب و مطلوب بود. گرچه با توجه به محدودیت‌ها، تامین اهداف کار دشواری است. به ویژه وقتی هدف از جنس تربیت و الگوسازی باشد، اما ایمان به کار در مجریان و انگیزه طلاب برای رسیدن به هدف، تلاش را آسان می‌کند. شاید تعداد خروجی کم طلاب با هزینه تقریباً زیاد به جهت اسکان آنها این شائبه را ایجاد می‌کرد که به این شکل عمل کردن به صرفه نیست، اما این نگاه کیفی نیست گاهی تربیت یک انسان می‌تواند تحول در یک جامعه ایجاد کند، لذا محاسبات کمی خیلی نمی‌تواند ملاک باشد و البته باید این توازن لحاظ می‌شد و آنچه تجربه سلف حوزه نشان داده این است که در دراز مدت با طلبه بودن، زمینه تربیتی طلبگی را فراهم می‌کند نه آموزش چند روزه و کوتاه مدت. چراکه آموزش نظری و محفوظات به تنهایی فقط بعد علمی را می‌سازد در حالی که بعد عملی در حوزه اصل است و بعد عملی و خودسازی باید به تدریج و در فضای تربیتی حاصل شود.

نقش

بانوان حوزوی منوط
به ورود موثر حوزویان به بدنه جامعه
است و دغدغه بانوان حوزوی،
خدمت خالصانه به زنان جامعه به عنوان
محور اصلی و بنیادی در خانواده و جامعه است.
تحقق این دغدغه به درست عمل کردن بانوان
حوزوی و حضور عینی گفته‌ها و نصایح
دیکته شده برای جامعه می‌باشد

۷. میزان تزامن تحصیل و اشتغال بانوان با وظایف خانوادگی آنها را چگونه می بینید؟

در تزامن بین امور، باید به مرجحات و اولویت ها رجوع کرد و شناخت اولویت بسیار مهم است. در جامعه دینی اولویت اول، با توجه به آموزه های اخلاقی، رسیدن زن به آرامش بعنوان محور خانواده و سپس تامین آرامش اعضای خانواده مد نظر است و این امر مهم در کنار تحصیل و اشتغال قابل جمع است. گرچه انرژی مضاعف از بانوی خانواده می گیرد و لذا باید مطابق با توانمندی بانوان لحاظ شود. اگر تحصیل و اشتغال کمک به تامین اولویت اول خانم ها باشد قطعاً تعریف عرضی نیست بلکه مکمل و موید وظیفه اولیه خانم خواهد بود. اما اگر بنا بر ظرفیت خانم و در توان او نباشد نقش مکملی ندارد بلکه مخل خواهد بود. لذا در جمع بین وظایف، باید به اولویت و توانمندی ها رجوع شود. لذا بانوان متعهد دینی باید دائماً از خداوند متعال، توان و توفیق انجام وظیفه را مسئلت نمایند.

کرونا بوجود آمده، بفرمایید که این ایام را چگونه گذرانید و این تجربه چه پیام هایی می تواند برای همه ما داشته باشد؟

امروز ما به ناچار تجربه های جدیدی کسب کردیم که گاهی الطاف خفیه محسوب می شود. پدیده کرونا در عین تهدید، فرصت بسیار خوبی برای بازنگری بر روش ها و عادات معمول خواهد بود. آنچه مهم است اینکه چقدر از این تهدیدها و محدودیتها را بتوانیم تبدیل به فرصت کنیم.

فرصت با خود بودن و با خود اندیشیدن، فرصت در کنار خانواده بودن و درست عمل کردن، فرصت دانش آموختن با اتکا به خود، فرصت رعایت اصولی که نوعاً چون تهدیدی نداشت مغفول بود، فرصت قدردانی از اجتماعات مذهبی که با نگاه سطحی سپری می شد، فرصت تامل در کنار هم بودن ها و قدر ندانستن این لحظات و بسیاری از این قبیل.

در بعد علمی به نظر می رسد با تغییر روش آموزشی (از حضوری به مجازی) نقش تحصیل طلاب پررنگ تر و در فهم مطالب خودکفا خواهند شد و فرصت های رفت و آمد تبدیل به زمان تفکر و درک مطلب در آموزه های علمی شده است که در نتیجه آموزش با محوریت طلبه رقم می خورد نه محوریت استاد با نمره. نقش استاد جهت دهی علمی است و دانش آموخته بیشترین نقش را که فهم علمی و در نتیجه تولید علم است خواهد داشت.

و سخن پایانی حضرتعالی چیست؟

در پایان، موفقیت های علمی و رسیدن به اهداف عالی برای همه دست اندرکاران، به ویژه طلاب آرزومندم.

با سپاس از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید.

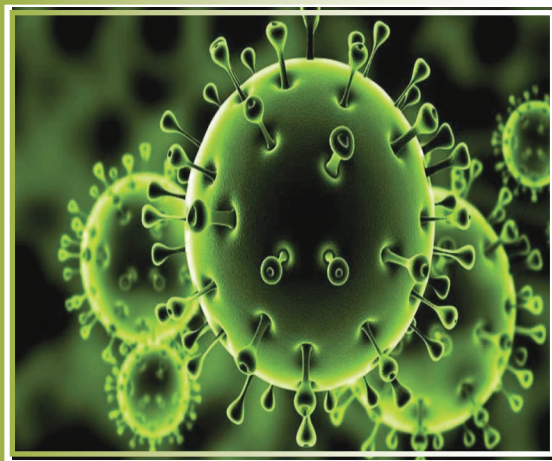
د
تزامن بین
امور، باید به مرجحات
و اولویت ها رجوع کرد. در جامعه دینی
اولویت اول، با توجه به آموزه های
اخلاقی، رسیدن زن به آرامش بعنوان
محور خانواده و سپس تامین آرامش اعضای
خانواده مد نظر است و این امر مهم در کنار تحصیل و
اشتغال قابل جمع است. گرچه انرژی مضاعف
از بانوی خانواده می گیرد، لذا باید
مطابق با توانمندی بانوان لحاظ شود.

۸. از منظر شما، یکی از مهمترین آسیب ها در حیطه آموزشی و فرهنگی در حوزه علمیه خواهران که نیاز به بازنگری و نواندیشی دارد، چیست؟

آموزش ما در حوزه باید معیار ساز باشد. یکی از آسیب های ما در نظام طراحی حوزهی خواهران این است که آموزش ما تامین کننده اهداف ما نیست و گاهی نوع آموزش، مغایر با اهداف عملی است. اینکه دانایی که آموزش باشد تبدیل به توانایی که مهارت باشد نمی شود، این یعنی آموزش ما کار ساز نیست. ما برای رسیدن به اهداف عالی نیاز به مهارت داریم. مهارت ساخته شدن و سازندگی و این با نمره گرفتن محقق نمی شود.

۹. از حال و هوای دوران قرنطینه که با شیوع بیماری





اخلاق سعادت محور در سایه کووید ۱۹

نویسنده
زهره عزیزی

این روزها که مردم ما در یکی از تلخترین شرایط قرار دارند و عزیزترین گوهر هستی خود و عزیزانشان در معرض تهدید و آسیب جدی قرار گرفته، داشتم درباره طرح های پژوهشی کرونا مطالعه می کردم که به این تیتیر برخورد کردم:

«طرح های پژوهشی کرونا بدون کدهای اخلاق پزشکی قابلیت اجرا ندارد»

که علیرضا پارساپور، فلوشیپ اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در گفتگو با ایکننا^۱ گفته بود: هیچ پروژه و طرحی بدون داشتن کدهای اخلاقی نمی تواند اجرا شود. ایشان گفته بود طرح ها به کمیته اخلاق پزشکی آمده و به صورت فوق العاده به لحاظ مترولوژیک و اخلاقی مورد ارزیابی قرار می گیرند و چنانچه در این دو جنبه مشکلی نداشته باشند، مصوب شده و می توانند اجرا شوند ...

برایم جالب بود کاربرد اخلاق در بروز بحران بیماری کووید ۱۹، بیماری در حال شیوع ...

به ذهنم جمله مبارک مقام معظم رهبری آمد که فرمودند: «عملکرد ملت و مسئولان ایران را در زمینه مبارزه با کرونا در ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی، درمانی، بهداشتی، علمی، مدیریتی و خدماتی «حرکتی جهادی، عظیم و افتخارآمیز» بود و مردم عزیز ایران با رفتار متین و صبورانه خود انصافاً خوش درخشیدند و فرهنگ اسلامی - ایرانی را جلوه گر ساختند»^۲

کرونا ابعاد گوناگونی داشت و بسیاری از افراد از زاویه نگاه خودشان با آن برخورد کردند، برخی با نگاهی طنز آن را هجو کردند و برخی هم کلیپ ساختند. عده ای از اخلاق گفتند و نوشتند؛ بعضی ها بیکار شدند؛ برخی قلم به دست گرفتند؛ بعضی پا به عرصه عمل گذاشتند؛ گروهی ویژه هم جان برکف، نوبت عاشقی را در لباس سفید به خود اختصاص دادند. عده ای تبلیغ دین کردند و گروهی هم ماتم زده در گوشه ای در سوگ عزیزانشان

خلاصه عینک ها متفاوت بود؛ هر چند چشم، همان چشم بود

در این میان آنچه ذهنم را درگیر کرد، این بود که انسان اگر معتقد و مومن باشد و اخلاقیاتش وصل به یک اعتقاد راستین، چون خدای رحمان و رحیم باشد، خدایی که همیشه «ناظر» است تحت هر شرایطی همان انسانی خواهد بود که شرایط را فرصت و آزمایشی برای تقرب ببیند و بشود انسانی فداکار و فراتر از شرایط عادی.

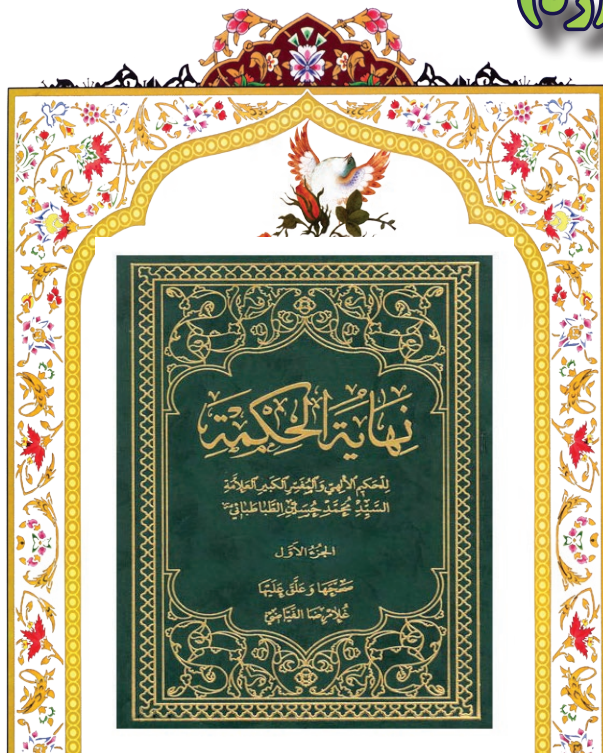
در ذهن با خود زمزمه می کنم: اخلاق.... آن هم اخلاق سعادت محور...

امروز شاید بتوان مدعی بود که اگر ایران ما در مقابله با ویروس کوید ۱۹ موفق بوده «به دلیل وجود فرهنگ اخلاق دینی، این نقش برجسته و برتر را داشته است». به امید روزی که بتوان از واژه «یقیناً به جای شاید» بهره برد که اگر ادعایی هست، ریشه محکم آن در اخلاق سعادت محور است. همان اخلاقی که در همه عرصه ها می تواند حرف اول را بزند و باعث آبادانی دنیا و آخرت تحت هر شرایطی باشد.

۱ خبرگزاری ایکننا ۹۹/۲/۱
۲ خبرگزاری صدا و سیما ۹۹/۲/۲۴

معرفی کتاب نهایه الحکمه

اثر گرانگ علامه طباطبایی (ره)



نویسنده
هاجر سالاروندیان

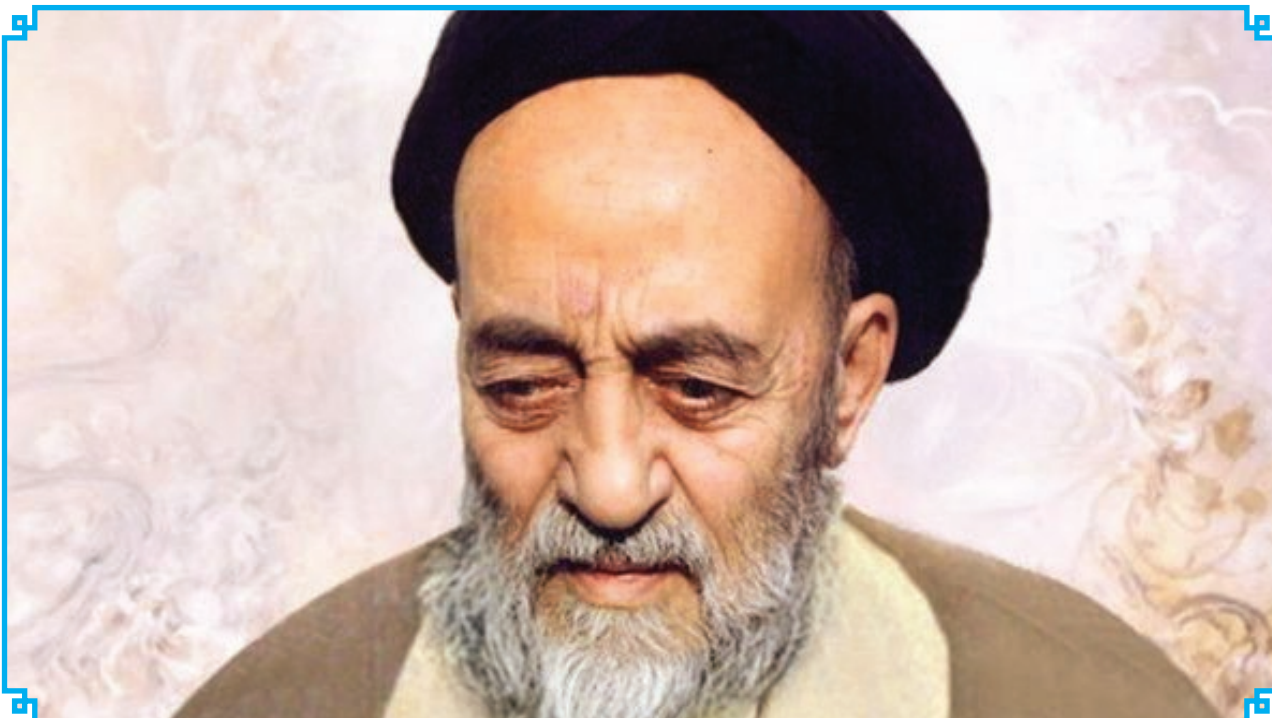
آشنایی با نویسنده:

سید محمد حسین طباطبایی در سال ۱۲۸۱ شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد. در ۹ سالگی به مکتب رفت و به مدت هشت سال علوم مختلف اسلامی را از مقدمات تا سطح در زادگاه خود آموخت. سپس راهی نجف شد و دوره های مختلف علوم اسلامی را نزد برجسته ترین اساتید آن دوران گذراند. مهمترین آثار او در زمینه تفسیر قرآن و فلسفه اسلامی است. از مهمترین آثار فلسفی علامه، می توان کتاب نهایه الحکمه و تفسیر المیزان را نام برد. جامعیت علمی علامه و جمع میان علم و عمل بود. وی نه تنها در دانش و حکمت فرزانه بود، بلکه در فضایل اخلاقی نیز سرآمد بود. از این رو ایشان به عنوان یک حکیم قدیس بهترین الگوی دانش پژوهان می تواند باشد.

معرفی کتاب نهایه:

کتاب «نهایه الحکمه» معروفترین اثر فلسفی علامه است. این کتاب، عصاره فشرده یک دوره کامل حکمت اسفار ملاصدرا است که به زبان عربی به رشته تحریر درآمده است. علامه در این کتاب، کلیدی ترین مبادی فلسفه ملاصدرا را با اسلوب عقلی محض بیان کرده است. این کتاب بیشتر به نقد نظرات فلسفی متکلمان پرداخته است. در واقع ایشان نقاد اندیشه هستند و پس از نقد آن ها، بر نظرات فلسفی خود برهان های متقن و استواری اقامه فرموده است.

او از نخستین فیلسوفان اسلامی است که با فلسفه غرب رویارو شده و به نقد آن پرداخته است. در واقع علامه،



ساختار کتاب نهایی:

مراحل دوازده گانه کتاب نهایی به ترتیب عبارتند از:

۱. فی احکام الوجود الکلیه
۲. فی الوجود المستقل و الرابط
۳. فی انقسام الوجود الی ذهنی و خارجی
۴. فی مواد القضا یا
۵. فی الماهیه و احکامها
۶. فی مقولات عشر
۷. فی الواحد و الکثیر
۸. فی العله و المعلول
۹. فی القوه و الفعل
۱۰. فی السبق و الحوق
۱۱. فی العقل و العاقل و المعقول
۱۲. واجب الوجود



فیلسوف واقع گراست. از نظر او اصل واقعیت، انکارناپذیر است و انکار واقعیت خود مستلزم اقرار به واقعیت است. از این رو باید گفت که از ویژگی های تفکر فلسفی علامه، حفظ خلوص تفکر فلسفی می باشد.

او به هنگام تفکر فلسفی، جز به برهان عقلی محض نمی اندیشد. در واقع او فیلسوفی اصیل است که تقلید در

مکتب فلسفی او جایی ندارد. کتاب

نهاییه، علاوه بر اینکه یک کتاب نقادانه

است، توجه علامه بر نحوه چینش

مراحل و فصل بندی، بسیار

قابل توجه است.

ایشان به گونه نظام مندی، مسائل

هر فصل را مقدمه مسائل فصل بعد

تشخیص داده است و همین ویژگی باعث شده این

کتاب در شمار متون درسی حوزه و دانشگاه مطرح شود.

دیدگاه تک انگارانه سید مرتضی در مسأله نفس و بدن

نویسنده
فریبا حیدری

چکیده

نفس و بدن همواره از موضوعاتی بوده است که مورد بحث در ادیان مختلف قرار گرفته است. چرا که نوع نگاه و نظر به آن سبب تفاوت در آثار این مهم می شود. گروهی نفس و بدن را دو چیز متمایز از یکدیگر می دانند و نفس را جوهری مجرد و بدن را مادی می پندارند.

عده ای نیز به دوگانه بودن نفس و بدن قائلند، اما هر دوی آنها را مادی می دانند و افرادی همچون سید مرتضی قائل به تک ساحتی بودن انسان هستند. به عبارت دیگر نفس و بدن را دو چیز مجردی از یکدیگر نمی دانند و بر نظر خود دلایلی را اقامه می کند.

مهمترین دلیلی که سید مرتضی بر دیدگاه خود اقامه می کند، کیفیت و چگونگی آثاری است که از یک موجود زنده ظاهر می شود که این آثار را در سه گروه جای می دهد، ادراک عقلی و حسی، لذت و درد، اعمال و افعال و از آنجا که ادراک به وسیله ی اعضای بدن صورت می گیرد، بنابراین آن را مادی می داند و لذت و درد را نیز به ادراک نسبت می دهد. و چون معتقد است اعمال و افعال هم در اطراف همین بدن مادی ظهور می یابد، آن را مادی می داند.

بنابراین تمام آثار را مادی و در نتیجه منشاء آن ها نیز مادی می انگارد. یکی دیگر از استدلال های او این است که حیات در همین جسم مادی جاری است و امکان اینکه در بعضی از اعضای بدن به طور تک تک حیات جداگانه ای باشد، یا اینکه در خارج از این بدن مشاهده حیاتی باشد را مردود می داند. بنابراین ثبوت ادراک با اجزای بدن در همین مجموعه و نه در بعضی آن و یا امری در خارج از آن، نشان از آن دارد که همه آن اجزاء با هم (مجموعه مشاهده پذیر) حی فعال (انسان) است. بنابه نظرانی که سید مرتضی در خصوص نفس دارد، دیدگاه او از تفاوت هایی نسبت به سایر دیدگاه ها در خصوص معاد برخوردار است که از آن جمله نظر متفاوت او به اعراف، تجسم اعمال است.

واژه گان کلیدی: تک انگاری، نفس، بدن، روح، دوگانه انگاری

مقدمه

ورشد ابعاد وجودی اوست، این بحث از اهمیت بسزایی برخوردار است.

اگر بخواهیم نظریات گوناگون در این خصوص را به طور اجمال از نظر بگذرانیم، تقریباً می توان گفت با سه دیدگاه مواجه خواهیم شد:

یکی از مباحثی که همواره مورد اختلاف میان انسان ها است، مسأله چند ساحتی بودن انسان هاست که آثار دنیوی و اخروی مخصوص به خود را داراست.

با توجه به اینکه کمال و سعادت بشر در گرو شناخت خود



دیدگاه نخست انسان را دو ساحتی می‌داند، به گونه‌ای که دارای یک نفس مجرد است و یک بدن مادی که بر طبق این نظر معاد انسان هم جسمانی و هم روحانی خواهد بود. دیدگاه دوم انسان را منحصر در یک بعد می‌داند و همه چیز را به جسم انسانی نسبت می‌دهد که بنابراین نظر، معاد هم فقط در قسم جسمانی و مادی معنا می‌پذیرد.

دیدگاه سوم انسان را ترکیبی از جسم مادی (بدن) و یک جسم لطیف (نفس) می‌داند. این تفکر هر چند همچون دیدگاه نخست به دو گونه انگاری (دوساحتی بودن) انسان قائل است، اما هر دو بعد انسان را جسم می‌داند که در مرتبه با یکدیگر متفاوت هستند.

و هر کدام از این سه گروه بنا به دلایلی این آراء را اتخاذ کرده اند. دسته اول بیشتر فلاسفه هستند که سرآمد آن‌ها جناب ملاصدرا است که با نظریه ی حرکت جوهری به نحو کاملی معاد جسمانی و روحانی را به اثبات می‌رساند.

دسته دوم بنا به آنچه قرآن در خصوص معاد ذکر کرده است و همچنین برخی از روایات که دلالت بر جسمانی بودن معاد دارند، فقط معاد جسمانی را می‌پذیرند که یکی از قائلین به این نظریه سید مرتضی است

و دسته آخر بر این باورند که دلایل قائلین به مجرد بودن نفس، با آیات قرآن قابل توجیه و تطبیق نیست. از این رو معاد را فقط در مرحله جسمانی آن قبول دارند. از جمله این افراد آقای محمد رضا حکیمی

است.

با توجه به اینکه مسائل فلاسفه نفس و شناخت آن بسیار اهمیت دارد و از مسائل به روز جامعه علمی به شمار می‌رود و از دیگر سو دو دیدگاه اومانیستی و دونالیستی در فلسفه نفس موجب لوازم و نتایج کاملاً متفاوت از هم می‌شود، بر آن شدیم تا از دیدگاه اومانیستی، نظر یکی از قائلین به تک انگاری انسان (سید مرتضی) را مورد بررسی قرار دهیم.

سید مرتضی که از متکلمان بنام شیعه است، بر خلاف رأی و نظر استاد خود شیخ مفید، نفس انسان را خلاصه در همان جسم و بدن انسان می‌داند و بر این اساس معتقد به معاد جسمانی است.

روش کار محقق در این پژوهش اسنادی و با استفاده از کتب کتابخانه، سایت‌های معتبر و نرم افزارهای مربوطه است.

گفتار اول: مفهوم شناسی

۱-۱-۱ نفس در لغت:

در کلام عرب جاری می‌شود بر دو نحو: یکی قوا تو که می‌گویی خارج شد نفسش یعنی روحش و یکی معنی نفس فی جمله در چیزی و آن حقیقت شیء است. (واسطی، تاج العروس، ۱۴۱۴، ۱۴).

۱-۲-۱ نفس در اصطلاح:

نفس کمال بدن است و وجودش بر او موقوف است. (سید محمد خالد غفاری، فرهنگ اصطلاحات شیخ اشراق، ۱۳۸۰، ۳۴۶). جوهری است که ذاتاً مستقل و در فعل نیاز به ماده دارد و متعلق به اجساد و

اجسام است. به عبارت دیگر جوهری است مستقل، قائم به ذات خود که تعلق و تدبیری به ابدان دارد. (فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجادی، ۱۳۷۳، ۲۲-۲۱). خون، تن، جسد، کالبد، شخص انسان، حقیقت هر شیء. (فرهنگ علم کلام، ۱۳۷۰، ۲۱۹-۲۱۸).

۱-۳-۱ روح در لغت:

آنچه حیات بدن به آن است. (احمدابن خلیل، العین، ۱۳۸۳، ۳۵۹).

۱-۴-۱ روح در اصطلاح:

هوای در رفت و آمد در لا به لای اعضای بدن انسان و منافذ آنهاست نزد پزشکان قدیم.

جسم بخاری لطیف که دل از آن به وجود می‌آید و توسط رگ‌ها به اجزاء بدن منتقل می‌شود. روح مبداء زندگی در بدن است. (احمد خاتمی، فرهنگ علم کلام، ۱۳۷۰، ۱۲۴-۱۲۵).

این کلمه در عرف به معنای روان و روح در مقابل جسم می‌باشد. جوهری است مجرد (فرهنگ معارف اسلامی، ۱۳۷۳، ۹۲۱-۹۲۲).

۱-۵-۱ بدن در لغت:

بدن که جمع آن ابدان است به معنای جسد انسان است به غیر از سر و گردن. (احمد بن خلیل فراهیدی، ۱۳۸۳، ۵۲)؛ (محمد بن مکرّم ابن منظور، ۱۳۷۶، ۴۷).

۱-۶-۱ بدن در اصطلاح:

جوهر اسطقیسی مرکب از عناصر متنازع متسارع، به سوی انفکاک بالطبع است. و

آنچه آن را مجبور بر انتزاع و حصول فراج کرده است، قوه ای است خارج از آن و غیر از آن. (سید جعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملامدرا، ۱۳۷۹، ۱۲۲).

۱-۷ یگانه انگاری:

یگانه انگاری یا گوهر انگاری یا مونیسم یک دیدگاه فلسفی است که می گوید همه چیز موجود در جهان هستی سر انجام از یک جوهر سرشته شده است و همه پدیده ها تنها نمودهایی از یک جوهر واحد هستند. یکی از بزرگترین اشاعه گران یگانه انگاری باروخ اسپینوزای هلندی بود. لازم به توضیح است که «مونیسم» یا «مونادیسم» لاینیتز تفاوت دارد.

یگانه انگاری را می توان بر دو قسم دانست: ماده گرایی و ایده آلیسم.

اسپینوزا بر این باور بود که تنها یک جوهر وجود دارد و آن هم «خدا» است. جهان روانی و مادی از منظر او به جوهراً با هم تفاوت ندارند بلکه آن ها وجوه مختلف جوهر یگانه، یعنی خدا هستند. از دیدگاه اسپینوزا، دیگر تعاملی بین ذهن و جسم وجود ندارد، چون حالت های مادی و روانی وجوه مختلف یک رویداد یگانه هستند. (mind: abrief introduction, Johnr Searle.

oxford university press. 2004, p.33)

۱-۸ دوگانه انگاری:

کلمه دوگانه انگاری یا دونالیسم یا ثنویت کارکردهای گوناگونی دارد. این اصطلاح را گاه در آموزه های ادیان به کار می برند. اما در اصطلاح فلاسفه معنای خاصی دارد. در غرب دو تلقی از دوگانگی در جوهر دوگانه در صفات. بنا بر نظر دوگانگی در

ویژگی دو نوع خصلت و صفت کاملاً متمایز در عالم وجود دارد. روایت های مشهور این رویکرد عبارت اند از اصالت تعامل، توازی-گری و شبه پدیدار انگاری. (احمد شه گلی، بررسی و تحلیل مسأله وحدت انگاری و دوگانه انگاری نفس و بدن از دیدگاه ملامدرا، ۱۳۹۰، ۳-۴).

۱-۹ انواع ارواح و نفوس:

در آثار افلاطون نفس عقلانی، نفس اراده کننده و نفس شهوانی برای انسان در نظر گرفته شده و حتی در برخی آثار او مکان های این سه در بدن مشخص شده است. ارسطو و فیلسوفان اسلامی به سه نفس نباتی، حیوانی و عقلانی معتقدند. برخی فیلسوفان اسلامی و نیز دکارت به نفس عقلانی و روح حیوانی و بخاری معتقدند. (رضا برنجکار، نفس در قرآن و روایات).

از امام سجاده (ع)، نقل شده است که فرمودند: وقتی جنین به چهار ماهگی رسید و دارای استخوان و گوشت شد، خداوند روح عقل را در آن می دمد و در این زمان، دیه جنین کامل می شود. راوی از امام می پرسد آیا زمانی که نطفه به علقه و علقه به مضغه تبدیل می شد، بدون روح جنین این تحولات را پیدا می کرد؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: جنین پیش از چهار ماهگی با روح دیگری که روح حیات نیست و از زمان قدیم و طولانی در اصلااب رجال و ارحام نساء بود، تحولات را پیدا می کند. (کلینی، کافی، ج ۷، ص ۳۴۷). از این حدیث، تمایز روح عقل یا روح حیات با روح قدیم که می توان آن را روح حیوانی دانست، قابل برداشت است.

بی گمان موجود زنده و متغییر دارای روح است و در حدیث مورد اشاره تصریح شده که علت دیه ناقص جنین پیش از چهار ماهگی وجود روح در آن است و البته، دیه وقتی کامل می شود که روح عقل یا روح حیات جنین دمیده شود.

بر اساس این احادیث، انسان ها دارای دو روح هستند؛ روحی که با نطفه و علقه و مضغه در صُلب مرد و رحم زن همراه است و با آن جنین رشد می کند. این روح، روح حیوانی است و روح دیگری که در چهار ماهگی بر جنین دمیده می شود و وقتی جنین دارای این روح شد، واژه انسان بر او اطلاق می شود و دیه ی او کامل می شود. این روح، روح «عقل» نامیده می شود.

در برخی احادیث از پنج روح نام برده شده است؛ روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشهوه و روح المدرج. روح القدس مختص پیامبران و معصومان است و با آن نبوت و رسالت و امامت را بر عهده می گیرند.

روح الایمان مخصوص ایمان آورندگان است و به تعبیر قرآن، صنع خدا، تأیید خدا از مومنان و آرامشی است که بر مومنان نازل می شود.

به نظر می رسد این سه روح اخیر قوای روح الحیوان هستند که با جنین همراه است و روح الحیوان که این سه روح یا سه قوه را دارد. در چهار ماهگی کمال دیگری به نام «روح العقل» می آید و به مرحله ی انسان کامل می رسد. (رضا برنجکار، همان).



۱-۱۰ انواع بدن:

بدن در اصطلاح فلسفه بر دو قسم است؛ بدن عنصری و بدن مثالی.

بدن عنصری که همان بدن مادی و خاکی است. مادی محض است و دارای شاخصه های وضع، حجم، جرم، اندازه، مقدار و شکل است. «همو جوهری است که می توان به آن اشاره حسی کرد و دارای طول، عرض و عمق است. بدن مثالی، بدنی است که در عالم مثال با روح مقارنت می یابد». این عالم به اسامی دیگری نظیر عالم اشباح، مجرّده، عالم صور معلّقه، عالم مُثل معلّقه، عالم خیال منفصل و عالم اُطلّه نیز مشهور است. بدن مثالی که در عالم مثال موجود است، از جنس ماده نیست و جرم و حجم و وزن ندارد، اما از برخی لوازم و خصوصیات اشیای مادی همچون شکل و اندازه برخوردار است. به بیان دیگر، بدن مثالی منزّه از ماده است، نه منزّه از مقارنت ماده که همان کمیات هندسی هستند. برای مثال، می توانیم در وضعیت صورت هایی که هنگام خواب مشاهده می کنیم، تأمل ورزیم. بی تردید این صورت های مادی نیستند و مکانی را اشغال نمی کنند و جرم و وزن ندارند. با این حال، دارای شکل و اندازه اند و اشکالی همانند اشکال اشیای مادی دارند (حسین الهی نژاد، رجعت و کیفیت بازگشت روح به بدن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی).

گفتار دوم: نفس از دیدگاه سید مرتضی

نفس در لغت به معناهای متفاوتی به کار برده شده است. گاهی نفس را برای

انسان و غیر او از حیوان در نظر گرفته اند که به هنگام رفتنش زنده بودن از او خارج می شود و قول خداوند که می فرماید (کل نفس ذائقه الموت) ناظر به همین معناست.

نفس ذات شی ای است که خبر داده می شود از آن نفس به معنای اراده است بنا به قول کسانی که می گویند نفس فلان در چیزی یعنی اراده او.

نفس گاهی به معنای عین، گاهی به معنای غیب و گاهی به معنای عقوبت نیز به کار رفته است. بنا به قولی که می گوید بر حذر می دارم تو را از نفسم یعنی از عقوبت و بعضی از مفسرین حمل کرده اند به قول خداوند که می فرماید (وحذرکم الله نفسه) (الشریف المرتضی، أمالی سید مرتضی، ۱۴۰۳، ص ۶).

متکلمان اشعری و معتزلی روح یا نفس را جسم لطیف حلّ در بدن، قابل کون و فساد و تابع مزاج می دانند و از متکلمان اولیه شیعه نیز برخی مانند سید مرتضی، بسان معتزله روح یا نفس را در انسان، هوا یا جسم لطیفی می داند که زنده بودن انسان به سبب همان است. در واقع او انسان را همین مجموعه مشاهده و زنده و پویایی می داند که ادراک و احساس با اجزای همین مجموعه زنده امکان پذیر است.

از سوی دیگر، فیلسوفان اسلامی به تبع ارسطو، نفس انسان را جوهری مجرد دانسته و در تعریف نفس گفته اند: «نفس کمال اول برای جسم طبیعی آلی است که افعال حیاتی را به کمک آلات انجام

می دهد» (ر.ک: علیرضا اسعدی، اندیشه نامه کلامی سید مرتضی، ص ۱۶۸).

سید مرتضی ذات انسان را تک ساحتی می داند. برخلاف فلاسفه اسلامی که قائل به دو ساحتی بودن آن هستند.

به این بیان که فلاسفه نفس انسان را جوهری بسیط می دانند و افعال را به او نسبت می دهند اما نظر سید مرتضی این است که فاعل تمیز دهنده زنده ناطق همان شخصی است که مشاهده می شود نه جزئی در آن یا جوهر بسیطش که متعلق به آن است و اینکه نفس را قیام کننده به خود می دانند و آن را غیر از جسد تصور می کنند و آن را سبب در تصرف بدن می شمارند، باطل می پندارد. (الشریف المرتضی علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ۱۴۳۱، ص ۳۲).

۲-۱ ادله دیدگاه سید مرتضی:

وی پس از بیان دیدگاه خود و ارائه گزارشی از دیدگاه های پر شمار متکلمان و فلاسفه در این باب به بیان ادله-ی خود و نقد دیدگاه های مزبور می پردازد.

در مجموع می توان دو دسته استدلال را برای اثبات دیدگاه وی در میان آثارش یافت؛ استدلال مستقیم و استدلال غیر مستقیم که به نقد سایر دیدگاه ها می پردازد. ما در اینجا به اجمال به استدلال مستقیم می پردازیم.

۱-۱-۲ دلیل اول:

سید مرتضی، در مهم ترین دلیلی که بر مدعای خود اقامه کرده، به کیفیت و چگونگی آثاری که از یک موجود زنده

ظاهر می شود، استناد کرده است و مطرح می کند که این آثار اموری هستند که در بدن ظاهر می شوند و لذا مادی اند و باید به اموری مادی مستند باشند که چیزی جز همین مجموعه نمی تواند باشد. می توان این استدلال را بدین صورت تقریر کرد:

۱. احکام آثار یک موجود حیّ، یکی از این سه امر است؛ الف. ادراک عقلی و حسی؛ ب. لذت و درد؛ ج. اعمال و افعال.

۲. منشاء و مستند این امور یا همین بدن و مجموعه مشاهده است و یا چیزی است که با این بدن ارتباطی معقول و تصورپذیر دارد.

۳. کلیه آثار موجود زنده به نحوی مادی اند زیرا؛ ادراک با اعضای این بدن صورت می گیرد و این یعنی ادراک مادی است. دلیل وی برای مادی بودن ادراک این است که ادراک به وسیله تک تک اعضا و اندام های همین بدن صورت می پذیرد و بدون داشتن عضو و اندام از ادراک امور محروم هستیم. بنابراین ادراک یا باید به همین مجموعه (بدن) مستند گردد و یا به چیزی که با این مجموعه وابستگی معقول و قابل تصویری داشته باشد. در هر حال ادراک باید مادی باشد تا بتواند به این مجموعه یا امری که به این مجموعه وابسته است مستند شود؛ احساس درد و لذت تابع ادراک است و درد و لذت در اندام ها حاصل می شوند. بنابراین این ها مادی اند؛ اعمال و افعال مبتدا هم در اطراف همین بدن مادی ظهور می یابند.

۴. این آثار مادی باید متعلق و مستند باشند.

۵. امر دیگری ورای بدن و این مجموعه مشاهده پذیر که با این ادراک رابطه معقول و قابل تصویری داشته و بتواند منشاء و مستند این آثار باشد، وجود ندارد.

۶. بنابراین منشاء همه ی این ها همین بدن و مجموعه مشاهده پذیر است.

۲-۱-۲ دلیل دوم:

سید مرتضی در دلیل دیگری معتقد است که موجود زنده به سبب آنچه در این مجموعه حلول می کند، احساس درد و لذت می کند و درد و لذت تنها در جایی است که حیات باشد. بنابراین با اجزایی همانند مو و ناخن که حیات ندارد، نمی توان لذت و درد را احساس کرد. وی پس از مسلم گرفتن این مطلب که ادراک وابسته به حلول حیات است، چند فرض را مطرح می سازد و سر انجام با رد همه فرض های رقیب، مدعای خود را که «حی فعال» همین مجموعه است، نتیجه می گیرد.

این استدلال را می توان با مقدماتی بدین شرح تبیین کرد:

۱. ادراک در اندام های بدن (مجموعه مشاهده پذیر) صورت می گیرد.

۲. ادراک در صورتی در اندام ها تحقق می یابد که در آن اندام ها حیات حلول کرده باشد. در غیر این صورت در آن اندام هیچ ادراکی صورت نمی گیرد، مانند ناخن و مو.

۳. حلول حیات، به چند صورت تصور پذیر است؛ الف) حلول حیاتی جداگانه و مستقل در تک تک اعضا؛ ب) حلول حیات در موجودی خارج از این بدن؛ ج)

حلول حیات در برخی از اعضای بدن؛ د) حلول یک حیات که در کل اعضا ساری و جاری است.

۴. حلول حیاتی جداگانه در تک تک اعضا، محال است، زیرا:

اگر بخواهیم هر اندامی را که حیات در آن حلول کرده است، زنده بدانیم، موجب می شود که این مجموعه از زنده های بسیاری تشکیل شده باشد.

لازمه اینکه این مجموعه از زنده های بسیاری تشکیل شده باشد این است که انسان دیگر نتواند با یک اراده در اندام خود تصرف کند و بدین ترتیب این مجموعه به منزله حقیقتی واحد نخواهد بود.

در صورتی که انسان یک حقیقت واحد نباشد، این احتمال که میان این اعضای زنده اختلاف در اراده واقع شود وجود دارد، که نتیجه آن تمانع این ارده هاست، یعنی اراده یکی از اندام ها موجب باز داشتن تحقق اراده اندامی دیگر می گردد که در نهایت موجب عدم تحقق فعل از فرد انسان خواهد شد.

ما بالبداهه خلاف این امر را درک می کنیم.

بنابراین محال است که ما حکم زنده بودن را تک تک اعضا نسبت دهیم.

۵. حلول حیات در موجودی خارج از این بدن و مجموعه مشاهده پذیر نیز محال است زیرا امور متعددی خارج از این مجموعه قرار دارند.

هیچ یک از این امور دارای ویژگی خاصی نیست که موجب برتری آن بر دیگر امور





خارج از این مجموعه اختصاص دهیم.

۶. حلول حیات در برخی از اعضای بدن نیز محال است زیرا؛

اندام های پر شماری در بدن و این مجموعه مشاهده پذیر وجود دارد

هیچ یک از این اندام ها برتری ویژه ای نسبت به دیگری برای اختصاص حلول حیات ندارد؛ پس اختصاص حلول حیات به برخی از اندام ها ناممکن است.

بنابراین از وجود حیات در برخی از اندام ها نمی توان حکم زنده بودن دیگر اندام ها را نتیجه گرفت. بنابراین حیاتی واحد در کل اعضا و اندام این بدن و مجموعه مشاهده پذیر ساری و جاری است، نه در برخی از اجزاء و اعضای آن یا امری خارج از آن.

بنابراین ثبوت ادراک با اجزای بدن در همین مجموعه و نه در بعض آن و یا امری در خارج از آن، نشان از آن دارد که همه آن اجزا با هم (مجموعه مشاهده پذیر) حی فعال (انسان) است.

۳-۱-۲ دلیل سوم:

در این دلیل، سید مرتضی همچون دلیل اول، از وجود آثار و صفاتی که در این مجموعه آشکار می-شوند، به دنبال متعلق و مستند این امور می گردد و بر اساس معقولیت و امکان تعلق این امور به همین مجموعه، و محذورات عدول از این مجموعه به امر نامعلومی و رای آن، استدلال خود را شکل می دهد. می توان این دلیل را بدین صورت تقریر کرد:

آثار و صفاتی در این مجموعه مشاهده

می شود:

برای مستند این آثار دو فرض وجود دارد؛ الف) متعلق آن، همین مجموعه باشد.

ب) متعلق آن، امری نامعلوم و رای این مجموعه باشد.

فرض نخست، فرضی معقول، معلوم و تصورپذیر و در نتیجه ممکن است.

فرض دوم، فرضی نامعلوم و تصور ناپذیر است که به اشکالاتی می انجامد از جمله این اشکالات می توان بدین موارد اشاره کرد:

الف) این امر منجر به جهات می گردد. ب) این امر مستلزم این است که آثار و صفاتی که دارای معنایی معقول، نامعلوم و تصورپذیرند. متعلق به امری غیر معلوم و نامشخص گردند. نظیر آنکه بگوییم این سیاهی [جوهر] نیست که با آمدنش رنگ سفید [کاغذ] را می برد، بلکه چیز دیگری سفیدی را برده است. (حسن یوسفیان، مرتضی، خوش محبت، ۱۳۹۱، ۳۲-۳۴).

۲-۲ اعراف چه مکانی است؟

در برخی روایات به کلماتی برخورد می کنیم مانند: مقام محمود و لواء وسیله و اعراف که خصوص معنای هر کدام فقط باید به کمک آیات و روایات روشن گردد.

اما مراد از اعراف که در آیه آمده است «و علی الاعراف رجال یفرقون کلاً بسیماهم» (در جایگاه اعراف مردانی هستند که هر کس را به چهره و سیمایش می شناسند).

شیخ صدوق در مجموعه عقاید خاصه گفته است که اعراف حد فاصل بین بهشت

و دوزخ است و آن جایگاه مخصوصی است برای نبی اکرم (ص) و ائمه (ع) موقعیکه افراد از آن حد فاضل و گذرگاه می گذرند همه را می شناسند. بهشتیان را هدایت می کنند و دوزخیان را به زندان می فرستند. اما بقیه مردم یعنی افراد ضعیف العقل امیدوار و در انتظار فرمان الهی هستند. یا آن ها را عذاب می کنند یا مورد عفو قرار می گیرند. (اعتقادات صدوق) بطور خلاصه از احادیث بسیار که در این خصوص رسیده، به دست می آید که اعراف نام مکانی است که در فوق آن انبیاء و اوصیاء آنان جای گرفته اند، و در آن مکان بین جمعیت های محشر تفرقه حاصل می گردد یعنی انبیاء و اوصیاء از نیکوکارانی که شفاعت کرده اند، آنها را با تشریفات خاصی به سوی بهشت هدایت می کنند و در مسیر آن ها دوزخیان محکوم ایستاده و با چشم طمع نظاره می کنند. سوره اعراف آیه ۴۶ « وَ نَادَوْاْ اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اَنْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ لَمْ یَدْخُلُوْهَا وَ هُمْ یَطْمَعُوْنَ »؛ و با صدای رسا به بهشتیان سلام می کنند لکن با اینکه آرزومند هستند داخل بهشت نخواهند شد. (الشریف المرتضی، معاد و عدل، ص ۱۶۷).

اعراف در اصطلاح به مکان بلندی میان بهشت و دوزخ گفته می شود که ساکنان آن می توانند از فراز آن بهشتیان و دوزخیان را ببینند. این تعبیر در آیاتی از قرآن ریشه دارد، مانند « وَ بَیْنَهُمَا حِجَابٌ وَ عَلَیْ الْأَعْرَافِ رِجَالٌ یَعْرِفُوْنَ کُلًّا بِسِیْمَتِهِمْ »؛ و میان آن ها حائلی است و بر روی اعراف مردانی هستند که هر کدام از آن ها را از چهره هایشان می شناسند. (اعراف/۴۶) و

«وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ» (اعراف/۴۸): و اصحاب اعراف مردانی را که از چهره هایشان می شناسند، صدا می زنند. بسیاری از مفسران، با بررسی این آیات و روایاتی که در تفسیر آن ها وارد شده اند، معتقدند که در بلندی میان بهشت و دوزخ، دو گروه سکونت دارند: افراد بلند مرتبه ای که دوزخیان را سرزنش می کنند و به واماندگان برای رسیدن به بهشت یاری می رسانند، و افرادی که به دلیل قصورشان نه سزاوار دوزخند و نه شایسته بهشت. (این دسته با شفاعت دسته اول وارد بهشت می شوند و یا به اهل بهشت خدمت می کنند) (ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۸۷). مقصود از افراد قاصر کسانی هستند که پیش از رسیدن به سن بلوغ از دنیا رفته اند یا کسانی که از دریافت و عمل به دین حق قاصر بوده اند، بدون اینکه به عمد کوتاهی کرده باشند.

مادی انگاران وضعیت دسته دوم از اصحاب اعراف را اعتباری یا قراردادی می دانند. یعنی معتقدند که خداوند به اقتضای عدالتش چنین افرادی را نه شایسته بهشت می داند، زیرا ورود آنها به بهشت، ظلم به کسانی است که با سعی و عمل نیک خود وارد بهشت شده اند، و نه سزاوار دوزخ، زیرا به عمد مرتکب گناهی نشده اند. از این رو، این افراد در جایی میان بهشت و دوزخ می مانند. اما دوگانه انگارانی که به مجرد نفس قائلند، به قراردادی دربارۀ ی پاداش و کیفر قائل نیستند، بلکه آن را نتیجه ذاتی نفس مجرد می دانند که در اثر ملکات نیک و بد تغییر یافته است. (جمعی

از پژوهشگران، نفس و بدن در متون دینی، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۹).

۲-۳ معنای تجسم اعمال:

موضوع تجسم از موضوعاتی است که آن را فقط با تعبد باید پذیرفت. زیرا اعمال و کردار بشری، از نیک و بد جرم و جسم ندارد.

لیکن تحقیقاً می دانیم هر موجودی در این جهان از اعمال بشری یک نوع عکس العمل دارد و به صورت های مختلف جلوه می کند.

ما برای عکس العمل های زشت و زیبای این جهان مثال های متعددی داریم که روزمره با آنها برخورد می کنیم. مثلاً شخصی را در جامعه محبوب اجتماع می بینیم. موقعیکه از علل اصلی آن جستجو نمودیم خوب می یابیم او مردی است خیر خواه و در پنهان و آشکار به زیر دستان کمک می کند. بنابراین به طور مسلم می توان گفت: همانطور که بهشت و دوزخ نتیجه اعمال و رفتار آدمیان است، هم چنان ممکن است به اذن پروردگار اعمال نیکوکاران صورت زیبایی از قالب مثالی به خود گیرد، تا در روز تنهایی و انفراد، با روح انسان با ایمان مأنوس باشد و او را به سعادت همیشگی نوید دهد. و متقابلاً برای کفار هم صورت عملی آنان به قیافه خشن و هولناکی جلوه کند که روح انسان پلید از مشاهده آن می ترسد. (الشریف المرتضی، معاد و عدل، ص ۱۰۲).

بر اساس آموزه تجسم اعمال، ملکات نیک و بد انسان در روز قیامت به صورت های خاصی متجسم می شوند. بر این

اساس، هر انسانی متناسب با سیره ها و خصلت هایی که در رفتارش غالب است، محشور می شود و کسانی که رفتارهایشان حیوانی است، به صورت حیوان برانگیخته می شوند و کسانی که رفتارهایشان انسانی است، در روز قیامت به صورت انسان ظاهر می شوند. بسیاری از مادی انگاران مسلمان آموزه تجسم اعمال را نمی پذیرند و آیات و روایات مربوط به تجسم اعمال را صرفاً اشاره به پاداش و کیفر اعمال در آخرت قلمداد می کنند، نه اینکه اعمالی واقعاً به صورت های خاصی تحقق پیدا کنند. شیخ مفید و مجلسی از مخالفان آموزه تجسم اعمال هستند. در حکمت صدرایی، آموزه تجسم اعمال بر اساس اصولی همچون تشکیک در وجود، جسمانیت حدوث و روحانیت بقای نفس و حرکت جوهری آن تبیین شده است. بر اساس این تلقی، نفس انسان با ملکه هایی که در اثر تکرار عمل پدید می آیند، متعهد می شوند و همین ملکه ها در روز قیامت پدیدار می شوند و صورت ظاهری انسان را در آخرت تشکیل می دهند (همان، ص ۹۲-۹۳).

۲-۴ عذاب قبر:

گروهی از مردم عذاب قبر را محال می دانند و عده ای قائل به جواز آن هستند ولی آن را قبیح می دانند.

قول صحیح جواز و غیر محال بودن آن است و هیچ دلیلی برای قبح آن وجود ندارد.

دلیل بر صحت عذاب قبر و رفته استحاله آن:

از آنجایی که به میت در حال حیاتش



وعده داده شده است، عقاب او صحیح است. عقاب او قبل از مرگ هم صحیح است و شاید کسی که عذاب قبر را محال می داند گمان می کند که او در حالی که مرده است چگونه عقاب می شود.

اما تنگ بودن قبر برای عقاب:

ممکن است گسترش یابد تا مجازات شود. علاوه بر اینکه ملائکه که متولی عقاب هستند، به جهت قابلیت نفوذ پذیری، احتیاج به وسعت مکان ندارند. بنابراین دلیلی برای استحاله نیست. وقتی امکان عقاب است، جایز است که بعضی از عقاب ها در دنیا انجام شود مثل حدود. بنابراین نمی توان گفت چون عقاب عبث و بیهوده است قبیح است، چرا که ممکن است برای ملائکه ای که متولی عقاب هستند و یا برای مکلفین، مصلحتی در کار باشد. بنابراین قبح عقاب نزدیک به محال است.

پس اگر گفته شود هیچ راهی نیست، مرده را بیرون می کشیم ولی آن را همان طوری که هست پیدا می کنیم. در جواب می گوئیم: عذاب قبر وقت مخصوصی ندارد. بنابراین محال نیست که وضعیت میت در شب قدر همان وضعیت او در حال عذاب نباشد و یکی از حالات برحالت دیگر مقدم یا موخر شود.

راه اثبات عذاب قبر بعد از بیان جواز و صحت آن، اجماع است. به خاطر اینکه امت در آن اختلافی ندارند. ضرار بن عمرو تنها کسی است که با این امر مخالف است و موافقان با نظر او نادرند. (علم الهدی، الشریف المرتضی، الذخیره فی علم

الکلام، ۱۴۳۱، ۵۲۸).

بنابراین سید مرتضی بر این باور است که انسان پس از مرگ عواقب اعمالش را با همین بدن مادی و جسمانی درک می کند. چرا که بنا به آنچه پیش از این اشاره کردیم، او ادراک را امری مادی می داند. و لذت و درد را که ابزارهای فهم عقوبت به شمار می روند به همان ادراک مادی استناد می دهد.

گفتار سوم:

جمع بندی و نتیجه گیری:

نگاه متکلمان و فیلسوفان به انسان به لحاظ چند ساحتی بودن او در عصرهای گوناگون متفاوت بوده است و قاعدتاً برای هر نظری ادله ای ارائه شده و به مرور زمان برخی از آراء پس از نقد و بررسی تکامل یافته است. هر چند در خصوص این موضوع همچنان عده ای به خاطر توجیه آیات معاد در قرآن قائل به جسم بودن نفس و در نتیجه جسمانی بودن معاد هستند، اما امروزه بسیاری از متکلمان و فیلسوفان نظریه پرداز، با توجه به نظریه حرکت جوهری جناب ملاصدرا، نه تنها بر وضوح دو ساحتی بودن انسان بلکه مجرد بودن نفس تأکید دارند و آیات معاد را به راحتی با جسمانی و روحانی بودن معاد تطبیق و تبیین می نمایند.

منابع و مآخذ:

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۱۳، چاپ اول، بیروت، داصادر: دار بیروت، ۱۳۷۶ ق.

۲. اسعدی، علیرضا، اندیشه کلامی سید مرتضی، ص ۱۶۸ مقاله.

۳. برنجکار، رضا، مقاله نفس در قرآن و روایات، دانشیار دانشگاه تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۴. خاتمی، احمد، فرهنگ اصطلاحات کلامی، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات سبأ، ۱۳۷۰.

۵. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.

۶. سجادی، جعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، چاپ اول، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۷۳۹.

۷.، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ۲۰.

۸. شه گلی، احمد، بررسی و تحلیل مسأله وحدت انگاری و دوگانه انگاری نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا، ۱۳۹۰/۳ و ۴ م

۹. علم الهدی، الشریف المرتضی، السید احمد حسینی، الذخیره فی علم الکلام، چاپ ۳، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۱.

۱۰.، امالی السید المرتضی فی التفسیر و الحدیث و الأدب، ج ۱، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳.

۱۱.، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵.

۱۲.، معاد و عدل، چاپ ۱۰، تهران، موسسه مطبوعاتی افتخاران، بی تا.

۱۳. غفاری، محمد خالد، فرهنگ نامه فلسفی اصطلاحات شیخ اشراق، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰، ۳۴۶.

۱۴. فراهیدی، احمد بن خلیل، العین، ج ۲ و ۸، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۷، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۶۹.

۱۶. الهی نژاد، حسین، رجعت و کیفیت بازگشت روح به بدن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مقاله.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.

غذای محلی سیستان کشک زرد

در هر شماره از نشریه یکی از غذاهای محلی کشور عزیزمان را معرفی می‌کنیم. در این شماره، خانم معصومه جهان تیغ از طلاب گرایش ادبیات عرب، یکی از غذاهای محلی استان سیستان و بلوچستان را معرفی کرده‌اند. کشک زرد در ایام تابستان خصوصا ماه های تیر و مرداد درست می‌شود. بومیان سیستان و بلوچستان کشک زرد را در زمستان به عنوان صبحانه میل می‌کنند. در ادامه با این غذای لذیذ آشنا می‌شویم.



www.irna.ir

معصومه جهان تیغ

شیوه پخت

طرز تهیه کشک زرد

ابتدا مقداری روغن را داخل قابلمه داغ می‌کنیم و بعد به میزان دلخواه کشک به آن اضافه می‌کنیم، تف می‌دهیم تا رنگ کشک تقریبا قهوه ای شود. در این مرحله (بسته به تعداد نفرات) چند لیوان آب به آن اضافه می‌کنیم و شروع به هم زدن می‌کنیم تا کشک غلیظ شود. حال غذای کشک زرد شما آماده میل کردن است

- مرحله اول: آماده سازی کشک زرد:**
- مواد مورد نیاز:** گندم آسیاب شده، شیر (دوغ یا ماست)، زردچوبه، پودر فلفل سیاه یا فلفل قرمز، تخم گشنیز، زیره، شوتک آسیاب شده (نوعی گیاه محلی) و نمک.
- طرز تهیه:** ابتدا گندم آسیاب شده را داخل ظرفی ریخته و سپس دوغ یا ماست را به مقداری که گندم آسیاب شده داریم، مخلوط می‌کنیم و سپس با زردچوبه، فلفل (سیاه یا قرمز) و تخم گشنیز، زیره و شوتک آسیاب شده و نمک هم می‌زنیم تا به صورت خمیر درآید.
- خمیر درست شده را به مدت پانزده روز داخل یک ظرف تمیز نگه می‌داریم. بعد از این مدت، خمیر را از داخل ظرف بیرون آورده و روی پارچه ای پهن می‌کنیم تا کمی سفت شوند. سپس خمیر کشک را الک می‌کنیم تا به حالت پودر ماندی درآید. در این مرحله دو روز زمان می‌دهیم تا کشک کاملا خشک شود.
- اکنون کشک آماده پختن است.



zendegionline.ir



گفت و گو با دانش آموخته موفق

در گفتگو با طلبه دانش آموخته، خانم اسفندی مطرح شد:

ثمره عمل به علم، اعتماد عمومی جامعه به حوزه خواهد بود

اشاره:



مریم اسفندی دانش آموخته سطح سه گرایش کلام و از طلاب ورودی سال ۱۳۹۳ است. او تحصیلات خود را در مقطع سطح دو در شهر بندرعباس به پایان رساند و برای ادامه تحصیل عازم قم شد. مریم اسفندی هم اکنون در مقطع سطح دو، مدرس ادبیات عرب (صرف و نحو و تجزیه و ترکیب)، منطق، اصول و کلام است. وی هم چنین در دبیرستان غیرانتفاعی به تدریس و فعالیت تبلیغی اشتغال دارد.

با این طلبه موفق گفت و گویی انجام دادیم که در ادامه می آید:

والایی در رشد اخلاقی و علمی طلبه دارد. لذا قبل از هر چیز لازم است که خود استاد در زمینه علمی و تربیتی به رشد قابل قبولی رسیده باشد تا بتواند نقش موثر خود را به درستی ایفا کند و دستگیری صحیحی در این زمینه داشته باشد

۳. حضرتعالی چه راهکاری برای توانمند شدن بانوان حوزوی در زمینه همسررداری و تربیت فرزند پیشنهاد می کنید؟

به نظر بنده در زمینه همسررداری و تربیت فرزند، طلبه باید اولویت اول خود را خانواده قرار داده، در این زمینه کوشا باشد. به تناسب زمان، گاهی حتی ممکن است لازم شود که مدتی از تحصیل دست بکشد تا به وظیفه اصلی خود که همسری و مادری هست، برسد. تا آن جایی تحصیل را توصیه می کنم که گرد لطمه به زندگیشان ننشیند و البته این نکته بسیار قابل توجه

۱. از نحوه آشنایی تان با مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) بفرمایید که باعث شد برای تحصیل به این مرکز بیایید؟

بنده از طریق یکی از اساتیدم در مقطع سطح دو با مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) آشنا شدم و با تشویق ایشان برای ادامه تحصیل وارد این مرکز شدم.

۲. با توجه به تجربه تدریس تان در حوزه های علمیه خواهران، روند تحصیل و تربیت استاد را در این حوزه ها چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر بخواهیم به نقش استاد در زمینه تعلیم و تربیت در حوزه ها پردازیم آنچه این حقیر با تجربه چندین ساله تدریس به دست آورده ام این است که استاد نقش محوری و هدایت گری

است که با برنامه ریزی مناسب می توان به امورات مختلف رسیدگی کرد و در کنار خانواده به تحصیل پرداخت. بنابراین آنچه در این زمینه برای طلاب بسیار حائز اهمیت است، داشتن برنامه و نظم است، به گونه ای که بتوان جمع بین امور را با اولویت خانواده فراهم کرد.

۴. به نظر شما آیا می توان علوم حوزوی را به صورتی کاربردی در زندگی روزمره پیاده کرد؟ اگر جواب شما مثبت است، چگونه و اگر نه در این زمینه پیشنهادی دارید؟

علوم حوزوی از آن جهت که برآمده از متن دین هستند، در حقیقت همان زندگی ای هستند که یک شخص مومن باید در مسیرش حرکت کند. علمی که آمیخته با خدا و قرآن و اهل بیت (ع) و روایات و سنت است، همان زندگی راستینی است که به کار بستنش ضرورت دارد.

۵. برای دانش آموختگان مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) که به عنوان مدرس در حوزه های مختلف خواهران مشغول تدریس هستند، چه توصیه ای دارید؟

بنده به عنوان یک عضو کوچک از این مجموعه، پیشنهاد می کنم عزیزان این است: زمانی که بر دو بال تعلیم و تهذیب مجهز باشیم، موفقیت در فاصله نه چندان دوری منتظر ماست. بنابراین پیوسته این دو عنصر را در خاطر داشته باشیم و در جهت اعتلای آنها تلاش کنیم.

۶. از مسئولین برنامه ریزی در مرکز مدیریت حوزه های خواهران چه انتظاری دارید؟ آیا شایسته است که در برنامه ریزی سرفصل های دروس، جنسیت را لحاظ کنند؟

دروس باید کاربردی تر شوند و زمینه آموزش های گارگاهی ایجاد شود و سرفصل هایی کاربردی در دروس تعریف شود.

جنسیت در دروس و برنامه های تحصیلی حال حاضر حوزه به شکل صحیحی لحاظ شده است.

۷. به نظر شما در حال حاضر چه آسیب هایی دامن گیر طلاب و استادان است؟

عدم مشارکت فعال و نقش کم رنگ طلاب و اساتید در محافل اجتماعی موثر همچون دانشگاه ها و مدارس و یک آسیب مهم به شمار می آید.

۸. از دیدگاه شما مهم ترین نقدی که در عرصه علم و عمل به طلاب وارد است، چیست؟

اگر بخواهیم تذکری را ابتدا به خودمان و سپس به طلاب عزیز داشته باشیم، باید بگوییم که لازم است تناسب و تطابقی بین علم و عمل برقرار باشد، به گونه ای که ثمره این عمل به علم، اعتماد عمومی جامعه به حوزه باشد.

۹. به نظر شما آیا حوزه های علمی می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی اثرگذار باشند؟

بله صد در صد می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی موثر باشند، البته به شرطی که افراد کارآمد و خبره پرورش دهند و به جامعه تزریق کنند.

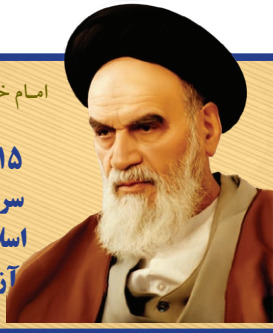
۱۰. به نظر شما کاربرد متدها و روشهای نوین آموزشی در فرایند تدریس چه ضرورت و اهمیتی دارد؟

به طبع استفاده از روش های نوین آموزشی در صورتی که بجا استفاده شوند ابزاری مفید جهت تفهیم و ماندگاری مطلب و حتی انتقال آسان تر آن خواهد شد و هم اینکه حوصله و ذوق مخاطب را نسبت به امر آموزش بیش تر خواهد کرد. به نظر بنده حرکت همراه با زمان خودش نوعی موفقیت است. چرا که اگر همراه زمانه و پیشرفت هایش باشی و استفاده درست از تکنولوژی در جهت رسیدن به هدف داشته باشی، گام بلندی را در کسب موفقیت برداشته ای.



امام خمینی (قدس سره):

۱۵ خرداد ۱۳۴۲
سر آغاز شکوفایی
اسلام و استقلال و
آزادی ملت بود



تاکید امام خمینی (ره) بر شناخت ابعاد مختلف واقعه ۱۵ خرداد:

امام خمینی سالها بعد یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سالگرد فاجعه خونین ۱۵ خرداد گفته است: "پانزده خرداد چرا به وجود آمد؟ و مبدأ وجود آن چه بود؟ و دنباله آن در سابق چه بود؟ و الآن چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را کی به وجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الآن کی همان دنباله را تعقیب می کند؟ و پس از این امید به کیست؟ ۱۵ خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تا کنون برای چه مقصدی است؟ و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را دنبال کردند بشناسید؛ و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید؛ و مخالفین ۱۵ خرداد، و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید."

(صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۳)

کوتاه است و جز توسل و تمسک به استمداد الهی راهی نیست. باید به این باور جهانی برسیم که اول و انتهای هر چیزی خداست و از خود خداوند برای نجات استمداد بطلبیم.

۱۳. در این دوران قرنطینه، تدریس هم داشتید؟ تجربه آموزش از راه دور چگونه بود؟ آیا جای خالی آن در سیستم آموزشی کشور در سطوح عالی حس می شود؟

بله از ابتدای دوران قرنطینه تدریس مجازی را در پیام رسان های داخلی شروع کرده ایم. کاری که واقعا سخت بود و به نظر بنده کیفیت خیلی بالایی هم ندارد. هر چند تمام تلاش و سعی خود را به کار بستیم که تا با هر روش ممکن اثر گذاری و کیفیت را به حداکثر میزان برسانیم.

۱۴. چگونه می توان حوزه ای ایده آل داشت که در عصر حاضر بتواند پاسخ گوی نیازهای جامعه باشد؟

حوزه ایده آل شاید در نگاه های مختلف، جهات مختلفی داشته باشد ولی در نظر حقیر حوزه ای ایده آل هست که در جهت تعلیم و تهذیب طلابش کوشا باشد و در این زمینه خوراک فکری و روحی مناسبی در بستر آموزشی برای طلابش فراهم نماید.

با سپاس از فرصتی که برای مخاطبان نشریه آفاق اندیشه اختصاص دادید.

۱۱. از خاطرات شیرین خود هم در ایامی که در تربیت مدرس مشغول تحصیل بودید و یا این ایامی که مشغول تدریس هستید، برای خوانندگان ما می فرمایید؟

شاید خاطره جذابی که لب خوانندگان را به خنده باز کند، در خاطر من نباشد. ولی آنچه از شیرینی تربیت مدرس در کامم تا ابد باقی خواهد ماند، این بود که با وجود اساتید خبره، بستری قوی برای رشد علمی فراهم بود. به گونه ای که یاد مسئولان و اساتید به تنهایی شیرینی علم را بر مذاقم یادآور می شود.

۱۲. از حال و هوای دوران قرنطینه که با شیوع بیماری کرونا بوجود آمده، بفرمایید که این ایام را چگونه گذرانیدید و این تجربه چه پیام هایی می تواند برای همه ما داشته باشد؟

در ایام قرنطینه با اعلام دولت و وزیر بهداشت ما هم چون دیگران، شعار در خانه بمانیم را رعایت می کنیم. در این مدت تقریباً دو سوم از وقتم صرف برگزاری کلاس های آنلاین می شود و باقی ساعات را در کنار خانواده می گذرانم.

تجربه ای که این بیماری برای شخص بنده داشت این بود که به وقتی فکر می کردم دوران بیماری های این چنینی که تلفات زیادی بدهد تمام شده، ولی گویا دست علم هم از حل این مشکل فعلا



های وصل نور روز موصل

از خاطرات آزاده سرافراز،
حاج حسن نوری



قسمت سوم:

گروه هایی که برای عید نوروز برنامه های فرهنگی و شاد آماده می کردند، خیلی باید مراقب می بودند که لو نرود. گروه سرود معمولا در حمام تمرین می کردند و يك نگهبان هم می گذاشتند که اگر سرباز عراقی نزدیک شد، خبرشان کند. نگهبان ایرانی با نزدیک شدن سرباز عراقی باید می گفت: سیم خاردار و گروه سرود با شنیدن این اسم رمزی با آرامی بیرون می آمدند و یا زیر دوش می رفتند و در را می بستند و سرباز می آمد و می رفت.

يك بار رمضان پورعباسی و احمد شاهپوری و مجید هرندی از هولشان سه نفری داخل یکی از دوش ها رفته و در را بسته بودند. آنها برای عادی سازی مجبور شدند خود را از دیوار آویزان کنند و دوش را باز کنند. خلف، سرباز عراقی آمد و دقایقی ایستاد و شك کرد و به در آنجا خیره شد. من مشغول شستن دست و صورت بودم و احمد کاظمی هم برای فریب سرباز، صابون به دست ایستاده بود و مثلا منتظر بود یکی از دوش ها خالی شود.

احمد کاظمی وقتی دید سرباز عراقی شك کرده، به او گفت سیدی صابون ما کو^۱. خلف عصبانی شد و یکی درگوشش نواخت که غشمر^۲ هذا شینو بیدک؟ هذا مو صابون؟^۳ این را گفت و رفت بیرون.

بچه ها راه های پیچاندن عراقی ها را خوب بلد بودند اما بعضی ها استادتر بودند و دقیقا آدرس کوچه دقوزآباد می دادند یعنی همان نخود سیاه خودمان. گاهی وقتی سرباز بعضی می گفت کلاوچی، با خودم می گفتم این یکی را راست گفت.

خلاصه بچه ها آب را بستند و بیرون آمدند در حالیکه شلوارهایشان خیس شده بود، ولی تمرین ادامه پیدا کرد.

سید محمود هاشمی با وسایل پیش پا افتاده کارهای دستی درست می کرد. یکسال برای عید نوروز ساعت دیواری درست کرده بود چقدر زیبا و قشنگ. سال بعدی کشتی درست کرد با تمام بادبان هایش. آن هم از اشیاء ساده و بی ارزش.

آن طرف مسئولین آسایشگاه ها به پیشنهاد مرحوم ابوترابی، پیش فرمانده اردوگاه می رفتند تا برای دید و بازدید عید از او اجازه بگیرند...

ادامه دارد ..

(برگرفته از کتاب سه هزار روز در اسارت: اردوگاه های الانبار، موصل ۱)

۱ صابون نیست!

۲ غشمر کسی که مزاح می کند و کسی را دست می اندازد

۳ این چیه دستت؟ این صابون نیست؟



www.isaar.ir

اخبار معاونت ها

تنظیم
مریم کلایی



اخبار معاونت فرهنگی

بازدید مدیر حوزه‌های علمیه خواهران استان قم

از مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)

حجت الاسلام والمسلمین تهرانی، روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت، از مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) بازدید کرد. در این بازدید، ابتدا در جلسه‌ای که با حضور مدیر و معاونان این مرکز برگزار شد، خانم طالبی، مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)، ضمن معرفی کلی این مرکز، درباره وضعیت پذیرش طلاب برای سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ کلیاتی بیان کرد. وی یادآور شد: امیدواریم بزودی و پس از بهبود شرایط و رفع شدن بیماری کرونا، بتوانیم در خدمت طلاب گرامی باشیم. در ادامه، خانم حسینی، معاون آموزش، گزارشی از روند پیشرفت آموزش مجازی در شرایط پیش آمده توضیحاتی داد و یادآور شد: با توجه به ارائه دروس به صورت مجازی به طلاب، این معاونت تلاش می‌کند تا بر نحوه ارائه دروس توسط اساتید و حضور طلاب در کلاس‌های مجازی، کنترل و نظارت داشته باشد و این روند به صورت هماهنگ برگزار شود. خانم صابری، معاون پژوهش نیز ضمن پاسخگویی به سوالات مدیر محترم حوزه‌های علمیه خواهران استان قم در خصوص روند تدوین پایان نامه‌های طلاب، از نحوه برگزاری جلسات دفاعیه پایان نامه‌ها و کمیسیون‌های طرح‌ها در این مرکز توضیحاتی ارائه داد. در ادامه حجت الاسلام والمسلمین تهرانی از ساختمان خوابگاه و کلاس‌های این مرکز آموزشی بازدید به عمل آورد. خاطرنشان می‌شود مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) زیر نظر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، از سال ۱۳۸۷ فعالیت آموزشی و پژوهشی خود را با هدف تربیت اساتید متبحر متناسب با نیاز استان‌های فاقد مدرسه سطح ۳ آغاز کرد.



بازدید از کتابخانه

مسابقه ادبی-هنری ایام قرنطینه

به بهترین ایده، خاطره و عکس از ایام
قرنطینه جوایزی اهدا می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در قالب عکس، نوشته و صوت به همراه نام و نام خانوادگی حداکثر تا تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ از طریق اینستا به آیدی @z_modares ارسال کنند.

همراه با ارسال جوایز به دو نفر برتر

معاونت فرهنگی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

فراخوان مسابقه ادبی هنری ایام قرنطینه

معاونت فرهنگی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) مسابقه ادبی-

هنری ایام قرنطینه را ویژه طلاب برگزار کرد.

در این مسابقه به دو ایده، خاطره و عکس برتر از ایام قرنطینه، جوایزی اهدا شد.

آیین دانش آموختگی طلاب سطح چهار مرکز تربیت مدرس با حضور مدیر حوزه های علمیه خواهران استان قم برگزار شد



مراسم دانش آموختگی اولین دوره طلاب سطح چهار مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) با حضور مدیر حوزه های علمیه خواهران استان قم، روز چهارشنبه ۳۰ بهمن در مرکز تربیت مدرس برگزار شد.

در این مراسم که به همت معاونت فرهنگی برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین تهرانی در سخنانی، به سنت های الهی در جامعه ایمانی اشاره کرد و گفت: خداوند متعال سنت های زیادی در این عالم دارد. از مهمترین سنت هایی که بین مومنین و اهل حق محقق می شود و خداوند از طریق آن، مومنین را تدبیر می کند و به سعادت می رساند، موارد متعددی است که به چهار مورد آن اشاره می کنیم.

وی اولین سنت الهی را، سنت تثبیت ایمان مومنین دانست و یاد آور شد: اولین سنت الهی، سنت تثبیت ایمان در دل مومنین است. بنابراین صرف ایمان آوردن، کافی نیست، بلکه ایمان باید ماندگار و تثبیت شود. خداوند برای اهل ایمان واقعی، کاری می کند که ایمان در وجود آنها تثبیت شود. در دعاهایی که وارد شده بویژه در آخرالزمان، تاکید شده که نسبت به حفظ ایمان، بسیار دعا کنید.

حجت الاسلام والمسلمین تهرانی، سنت دومی که خداوند برای اهل ایمان قرار داده را زیادی در هدایت دانست و گفت: اگر کسی مومن واقعی باشد، هدایت او به صورت مضاعف افزایش می یابد. آیه ۱۷ سوره محمد نیز دقیقاً به همین امر اشاره دارد. بنابراین امر هدایت، هیچگاه متوقف نمی شود. انسان تا در هر مرحله ای از ایمان باشد، باز هم می تواند از هدایت بیشتر برخوردار شود.

مدیر حوزه های علمیه خواهران استان قم تصریح کرد: سنت سوم، نصرت اهل ایمان است. نصرت اهل ایمان را خداوند حق مومنین بر خودش دانسته است؛ لذا اگر مومنین به وظیفه خود درست عمل کنند، بدانند که خداوند آنها را یاری می رساند. جامعه دینی که بر اساس مبانی دینی زندگی کند، هر چه مومن تر باشد، باید به نصرت الهی مطمئن تر باشد. هر چه از ایمان فاصله بگیریم، ناآرامی و اضطراب و پریشانی در جامعه بیشتر می شود و هر چه ایمان قوی تر، آرامش بیشتری در پی دارد.

وی سنت چهارم الهی را سنت نجات عنوان کرد و افزود: خداوند متعال، مومنان را از سختی ها و ظلم نجات می دهد و ایجاد گشایش در امور آنها می کند و این وعده در قرآن آمده است. این چهار سنت، در یک سیری نشان می دهد که وقتی ایمان ایجاد شد، تقویت شده و هدایت بیشتر می شود، آنگاه سنت الهی بیشتر می شود. در آن صورت جامعه ایمانی نجات می یابد و به سعادت می رسد.

مدیر حوزه های علمیه خواهران استان قم، در ادامه به نقش تاثیر گذار زن مسلمان در عصر حاضر اشاره کرد و گفت: در طول تاریخ الگوهای والایی از زنان هستند مانند وجود نازنین حضرت زهرا (س)، حضرت خدیجه (س) و حضرت زینب (س). حتی قبل از اسلام نیز زنانی مانند حضرت مریم و آسیه بودند که ایمان خود را تحت هر شرایطی حفظ کردند. برای هر جامعه، به تناسب مخاطبش، می توان الگوی خاص آن را معرفی کرد. ویژگی ممتاز این بزرگواران، یکی شناخت درست حق بود. هنر انسان مومن این است که آنچنان با معرفت و عالم باشد که بتواند حق را خوب تشخیص دهد و اگر ایمان در دل فرد رسوخ کند، او از انحراف مصون خواهد بود. همواره انتخاب درست، در پرتو شناخت صحیح است.

حجت الاسلام والمسلمین تهرانی ویژگی دوم آن زنان مومنه را، در صحنه بودن عنوان کرد و گفت: آنان وقتی حق را شناختند، با تمام وجود به میدان آمدند که این هم از نشانه های اولیای الهی است. حضرت زهرا (س) وجود نازنینش را در دفاع از ولایت، امامت، حریت، آزادی و انسانیت فدا کرد.

وی در تطبیق با دوره جدید گفت: قبل از اسلام در ایران و هیچ جای دنیا زنان منزلی نداشتند و بعد از اسلام بود که به زنان اهمیت داده شد. حتی بعد از اسلام نیز برخی، با حضور بانوان در صحنه اجتماع، به شدت مخالف بودند. یکی از ارزش های انقلاب اسلامی این بود که جایگاه بانوان را درست تبیین کرده است. حضرت امام خمینی (ره) زنان را پیشروان نهضت اسلامی می دانست. بانوان، افسران جنگ نرم هستند. مقام معظم رهبری نیز به نقش استکبار ستیزی بانوان در موارد مختلف، اشاراتی داشته اند. زنان می توانند در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشند. امام خمینی (ره) فرمودند: زن انسان ساز است. قرآن هم انسان ساز است. این برابری از بعد تربیتی است، قرآن، انسان را تربیت می کند و زن هم می تواند انسان را درست تربیت کند.

وی نقش اساسی بانوان در شکل گیری تمدن اسلام را در سه عرصه عنوان کرد و افزود: نقش اساسی بانوان در شکل گیری تمدن اسلامی که هدف کلیدی نظام اسلامی است، در سه عرصه خانواده، جامعه و جهان است و در سه موضوع سیاسی-اجتماعی، علمی و فرهنگی. این سه موضوع در آن سه بستر می تواند اثر گذار باشد. این اثر گذاری در اینمجموعه می تواند اتفاق بیفتد: اول اینکه در جامعه، انگیزه سازی کنند. دوم اینکه بانوانی که الگو هستند، می توانند برای نسل آینده، انگیزه سازی کنند.

در این مراسم، خانم طالبی، مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) در سخنانی بر نقش آفرینی و تاثیر گذاری بانوان در امر اصلاح قوانین مربوط به بانوان تاکید کرد و گفت: بعد از انقلاب اسلامی، انقلابی در حوزه تحصیلات بویژه تحصیلات دینی بانوان در کشور اتفاق افتاد، ولی خود بانوان چندین تغییری نکردند. ما باید تلاش کنیم در بحث قوانین مربوط به حوزه زنان، اصلاحاتی در جهت رسالت زنان مسلمان داشته باشیم و این امر به دوش شما خواهرانی است که تا سطح چهار حوزه پیش رفته اید و با مبانی دینی تا حد زیادی آشنایی دارید.

در پایان با اهدای تابلو فرش های مزین به آیه و ان یکاد، از دانش آموختگان سطح چهار تقدیر به عمل آمد.



مروری بر فعالیتهای معاونت فرهنگی مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) در ایام ماه مبارک رمضان



معاون فرهنگی مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) با اشاره به فعالیتهای این معاونت در ایام ماه مبارک

رمضان گفت: یکی از اقدامات انجام شده، ایجاد کانالی در پیام رسان ایستا بوده که در این کانال، مطالبی چون تفسیر قرآن متناسب با

جزء های روزانه قرآن از استاد قرائتی، دعاها و روزانه ماه مبارک رمضان و شرح و تفسیر آنها توسط استاد مجتهدی تهرانی، راهکارهای زندگی موفق در جزء های قرآن کریم، صوت های تندخوانی قرآن و ترجمه صوتی هر جزء به صورت روزانه در کانال قرار داده می شد.

خانم زهره عزیزی از دیگر مطالب کانال را "ایستگاه دانایی"، شامل نکات تفسیری خاص و کاربردی از آیات قرآن کریم، صوت های درس اخلاق با موضوع زی طلبگی که توسط مدیر مرکز تربیت مدرس، سرکار خانم طالبی بیان می شود، صوت های ویژه اخلاق پژوهش توسط معاون پژوهش سرکار خانم صابری، حدیث روز، مطالبی متناسب با مناسبت های روز و... عنوان کرد.

وی هدف از ایجاد این کانال را که در شب نیمه شعبان راه اندازی شد، استفاده از فضای مجازی در راستای فعالیتهای فرهنگی و ترویج معارف دین و اهل بیت (ع)، ارتباط با طلاب در ایام قرنطینه که در مرکز حضور ندارند، و... بیان کرد.

معاون فرهنگی مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) از دیگر برنامه های این معاونت را راه اندازی گروه های مشاوره در پیام رسان ایستا برای طلاب سطح سه و سطح چهار به صورت جداگانه عنوان کرد و افزود: در این گروه ها، مشاور محترم مرکز، سرکار خانم شاه سیاه به بیان مطالب روانشناسی و موضوعات متناسب با نیاز های طلاب می پردازد و معاون فرهنگی مرکز نیز در این زمینه پاسخگوی طلاب است.



برگزاری آیین بزرگداشت چهلمین روز شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و پاسداشت ۲۲ بهمن، روز پیروزی انقلاب اسلامی

به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و همزمان با چهلمین روز عروج آسمانی شهید حاج قاسم سلیمانی، مراسم بزرگداشتی به همت معاونت فرهنگی، روز دوشنبه در مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) برگزار شد.

در این مراسم، حجت الاسلام و المسلمین ایمانی مقدم به عنوان سخنران حضور داشت که، در سخنانی، به سیر تحول و تطور و تکامل انقلاب اسلامی، ضعف ها و قوت های نظام اسلامی و جایگاه کنونی ایران اسلامی در جهان اشاره کرد.

وی در این باره گفت: جان بولتن، مشاور سابق امنیت ترامپ می گفت که این نهضت، هرگز چهلمین سال را نخواهد دید، ولی زمان نشان داد که ما داخل چهل و دومین سال پیروزی انقلاب شدیم و او است که از کاخ سفید اخراج شد. دنیا با پیروزی انقلاب اسلامی در یک شوک عجبیبی فرو رفت. آن زمان بلوک شرق به سرپرستی شوروی و بلوک غرب به رهبری ایالت متحده آمریکا، در دنیا حکمرانی می کردند.

استاد حوزه، یکی از اقدامات مهم امام خمینی (ره) در ایجاد وحدت بین شیعه و سنی، را اعلام هفته وحدت در ماه ربیع الاول در مابین روزهای تولد حضرت رسول اکرم (ص) دانست و یادآور شد: روز میلاد مبارک پیامبر گرامی اسلامی (ص) در بین علمای شیعه و اهل سنت تفاوت داشت. لذا اعلام هفته وحدت مانند آبی بود بر آتش اختلاف میان شیعه و سنی.

وی خاطر نشان کرد: دشمن در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، طی ۵۱ ماه، ۳۱ کورتا علیه نظام اسلامی طراحی کرد که همه آنها نقش بر آب شدند. دشمن امروز در منطقه خاورمیانه، فتنه به پا می کند تا ایران اسلامی را ناامن کند، در حالیکه ایران امنیت بالایی نسبت به همسایگان خود دارد. به موازات تجربه اندوزی در این ۱۴ سال، دشمن هم تجربه بدست آورده و برای هر کاری که ما می کنیم، نقشه و توطئه ای جدید می چیند و این باعث می شود مسئولیت ما روز به روز سنگین تر شود. الان در زمان و عصری هستیم که دنیا به جمهوری اسلامی چشم دوخته است که چه می کند و چه تصمیمی می گیرد و این رسالت ما را با مهمتر و سخت تر می کند. در این مراسم، خانم تهمنه اسماعیل وند، با حضور در نمایشگاهی که در سالن اجتماعات توسط طلاب با موضوع تاریخ انقلاب اسلامی ایران، برپا شده بود، به روایتگری تاریخ انقلاب پرداخت.

آیین افتتاحیه آغاز سال تحصیلی طلاب سطح ۴ در مرکز تربیت مدرس برگزار شد



همزمان با ایام الله دهه فجر، مراسم افتتاحیه سال تحصیلی برای ورودی های طلاب سطح ۴ در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) برگزار شد.

در این مراسم که روز چهارشنبه در سالن اجتماعات مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) برگزار شد، مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) در سخنانی، ضمن اشاره به وظایف طلاب در جامعه کنونی، راهکارهایی برای بهره وری بیشتر از فرصت های پیش رو بیان داشت.

خانم زینب طالبی با اشاره به ایام الله دهه فجر، مسئولیت حوزویان را آشنا کردن مردم با آرمان های انقلاب و امام دانست و یادآور شد: یکی از دلایل رویگردانی برخی از مردم از انقلاب، به عملکرد ما متدینین بازمی گردد. عملکرد برخی از متدینین باعث شده تا برخی از دین، روی گردان شوند. وی افزود: در اوایل انقلاب، افراد از گرفتن مسئولیت امتناع می کردند، چرا که خود را ملزم به پاسخگویی در برابر خدا میدیدند. ولی الان به گونه ای شده که به رقابت سخت برای گرفتن پست و مسئولیت می پردازند و چه بسا از اینکه به آن مسئولیت دست نیافتند، ناراحت می شوند.

خام طالبی تاکید کرد: ما باید سعی کنیم تا مبانی انقلاب را احیا کنیم و شما طلاب سطح ۴ می توانید احیاگر باشید. شما که درد دین و انقلاب دارید. این دهه فجر انفجار نور بود، ولی آیا هم اکنون نوری از آن باقی مانده است؟ متأسفانه ارزش ها کم کم به حاشیه رفته است.

وی در بخش دیگر از سخنان، راجع به مرکز تربیت مدرس و نوع تحصیل در مقطع سطح ۴ عنوان کرد و گفت: در این مقطع، نوع درس خواندن با سطوح قبلی تفاوت دارد. هم به تلاش بیشتر نیاز دارد و هم درک بهتر لازمه آن است نه صرفاً حفظ کردن مطالب.

مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) بر قانونمندی تاکید کرد و اظهار داشت: قانونمداری در هر وضعیتی، امری برای سهولت کار است. اگر در جایی احساس صعوبت کردید، موارد را به ما انتقال دهید، تا جایی که امکان صلاح باشد، قوانین را برای سهولت شما اصلاح می کنیم.

در ادامه خانم عزیزی، معاون فرهنگی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) ضمن عرض خیر مقدم به طلاب جدیدالورود، برخی از برنامه های فرهنگی

مرکز و قوانین خوابگاه را برای طلاب بازگو کرد و به سوالات آنان

پاسخ داد.



بزرگداشت سالروز میلاد کریمه اهل بیت (ع) در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)

همزمان با سالروز میلاد حضرت معصومه (س) مراسم جشنی با حضور کارمندان مرکز تربیت مدرس حضرت معصومه (س) از سوی معاونت فرهنگی برگزار شد. در این مراسم مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) در سخنانی ضمن تبریک ایام دهه کرامت و میلاد بانو حضرت معصومه (س)، با اشاره به روایتی از سیدبن طاووس که نقل کرده «ذی القعدة در وقت شدت و در سختی ها، محل اجابت دعا است»، تصریح کرد: از آنجا که ماه ذی القعدة به ماه ذی الحجة ختم می شود و به عنوان مقدمه این ماه بزرگ محسوب می شود، ماه بسیار با عظمتی است. در این ماه بر چله گرفتن توصیه شده است. چله گرفتن یعنی عادت دادن رفتارها. توصیه ای که برای چله گرفتن شده، این است که بیشتر بر نفی ها اختصاص داده شود نه اثبات ها. یعنی ظرف و جودی انسان ابتدا بهتر است از صفات سلبيه پاک شود تا ظرفیت برای ایجاد صفات ثبوتیه فراهم گردد. به عنوان مثال چهل روز دروغ نگوئیم، یا غیبت نکنیم.

خانم طالبی همچنین به خجسته میلاد حضرت معصومه (س) اشاره کرد و گفت: آن حضرت (س)، در آن شرایط سخت و امکانات اندک، بار سفر را بست و راهی دیار طوس شد، این امر نشان از ولایت پذیری آنحضرت بود که ایشان را از دیگر دختران امام موسی کاظم (ع) منحصر بفرد کرد.

وی افزود: ولایت در یک کلمه خلاصه می شود و آن عشق است که وجود انسان به آن سرشته است. ولایت پذیری چیزی جز این نیست که انسان در این دنیای فانی چیزی را به عنوان معشوق داشته باشد که تمام وجودش در او متبلور شود که البته این معشوق باید ماندگار باشد که همان عشق به خدا و اولیای الهی است. این عشق

و محبت و ولایت پذیری حضرت معصومه (س) و حضرت زینب (س) بود که آنها را بزرگ کرد و آنان در این ولایت پذیری پایدار بودند.

در این مراسم هریک از همکاران از حال دل خود با حضرت معصومه (س) گفتند و در پایان به دوتن از همکاران به مناسبت روز دختر هدایایی از سوی معاونت فرهنگی اهدا شد.





صد و بیستیمین و صد و بیست و یکمین کمیسیون بررسی موضوعات و طرح نامه پایان نامه ها در مرکز تربیت مدرس صدیقه

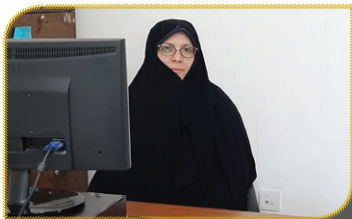
کبری (س) برگزار شد

به همت معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)، صد و بیستیمین جلسه کمیسیون پایان نامه ها و اولین کمیسیون بعد از شیوع بیماری کرونا با رعایت کلیه پروتکل های بهداشتی، با حضور معاون پژوهش و همچنین اساتید محترم کمیسیون، روز یکشنبه ۱۱ خرداد در این مرکز برگزار شد. در این جلسه، دو طرح تفصیلی و پنج موضوع پیشنهادی برای پایان نامه در گرایش های فلسفه و کلام اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین صد و بیست و یکمین جلسه کمیسیون پایان نامه ها، نیز روز دوشنبه ۹ خرداد در این مرکز برگزار شد. در این جلسه سه طرح تفصیلی و یک موضوع در گرایش ادبیات عرب مورد بررسی قرار گرفت.



انجام فعالیت های پژوهشی از طریق فضای مجازی

بر اساس اعلام معاونت پژوهش، به علت شیوع کرونا و عدم دسترسی حضوری به طلبة فعالیت های پژوهشی از طریق فضای مجازی صورت گرفت. در این راستا آموزش کار با سایت های پژوهشی در قالب هفت فایل آموزشی در فروردین و اردیبهشت ماه برای سطح ۳ و سطح ۴ از طریق پیام رسان ایتا توسط خانم میرزایی کارشناس پژوهش برگزار شد. از جمله این آموزش ها " مفاهیم در انواع سایت ها، سایت مقاله دات نت، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، سایت سیویلیکا، ایرنداگ و نور مگز " بود. خاطر نشان می شود این دوره از کارگاه های کاربردی، بر اساس نیاز سنجی صورت گرفته توسط معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس، برای طلاب این مرکز برگزار شد.



ارائه واحد آموزشی "عدل و حکمت" برای گروه کلام سطح ۴، به صورت پژوهشی

معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) با اشاره به برگزاری واحد درسی عدل و حکمت به صورت پژوهشی گفت: پیرو گفت وگوهای معاونت های آموزش و پژوهش، واحد آموزشی "عدل و حکمت" برای گروه کلام سطح ۴ ورودی بهمن ۸۹ با همکاری دو معاونت در حال ارائه است. خانم لیلا صابری تصریح کرد: درس عدل و حکمت با تدریس جناب آقای سربخشی به صورت پژوهشی و با نگارش مقاله از جانب دانش پژوهان برنامه ریزی شده است و معاونت پژوهش نیز مقدمات لازم مانند معرفی کتابخانه های الکترونی و سایت های پژوهشی را برای دانش پژوهان فراهم می آورد. این مهم در پیام رسان ایتا با ایجاد گروه آموزشی اجرا شده و هم چنان ادامه دارد.

پایان نامه با موضوع «راهکارهای مقابله با آسیب های شبکه های اجتماعی برزن و خانواده از منظر دین» دفاع شد

به همت معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) دفاعیه پایان نامه خانم اطهر قاسمی با عنوان «راهکارهای مقابله با آسیب های شبکه های اجتماعی برزن و خانواده از منظر دین» در رشته مطالعات اسلامی با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین حسین مهدی زاده و داوری حجت الاسلام و المسلمین مهدی سجادی امین در ۶ خرداد با حضور معاون پژوهش، کارشناس پژوهش برگزار شد.





مروری بر فعالیت های آموزشی در ترم تحصیلی جاری

معاون آموزش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) در خصوص ادامه کار آموزش در ایام قرنطینه گفت: در گام نخست، راه های ارتباطی را شکل دادیم که سهل ترین راه برای ارتباط با نمایندگان کلاس ها، ارتباط مجازی از طریق شبکه های مجازی داخلی بود. لذا گروه اساتید با حضور مدیریت و معاون و کارشناس آموزش به تفکیک برای گروه های سطح سه و سطح چهار راه اندازی شد و نیز گروهی با حضور نمایندگان کلاس ها برای سطح سه و سطح چهار با عضویت معاون و کارشناس آموزش ایجاد شد.

خانم اعظم السادات حسینی هدف از راه اندازی این گروه ها را تبادل نظر با اساتید و استفاده از پیشنهادات آن ها در آغاز و ادامه برنامه های آموزش مجازی و همین طور جهت دهی برنامه های آموزشی در تدریس مجازی عنوان کرد.

وی هدف از تشکیل گروه با نمایندگان کلاس ها، ایجاد راه ارتباطی با طلاب و دریافت پیشنهادات و انتقادات آنان، رصد آموزش نسبت به کلاس های غیر حضوری و احراز حضور طلاب از طریق نمایندگان عنوان کرد و گفت: همچنین از دیگر اقدامات انجام شده، تنظیم جداول پیشرفت آموزش مجازی در راستای رصد آموزش و پیشرفت آن بوده است.

خانم حسینی در ادامه افزود: پی جویی بُعد پژوهشی و تکالیف تحقیقاتی کلاس ها بویژه در سطح چهار و معرفی منابع و سایت های مجازی با همکاری معاونت پژوهشی به طلاب نیز از دیگر اقدامات صورت پذیرفته در این ترم تحصیلی بوده است.

وی افزود: با نزدیک شدن به ایام امتحانات، هماهنگی های لازم برای برگزاری امتحانات با توجه به بخشنامه های مالی از مرکز مدیریت و استان قم انجام شد که در این راستا تدابیر لازم جهت این اقدامات صورت پذیرفته و در راستای تامین امنیت و سلامت حداکثری طلاب تصمیماتی اتخاذ شد. با تنظیم اطلاعات اخذ شده از خود طلاب بهترین گزینه در مورد مکان امتحانات انتخاب و به اطلاع طلبه ها و مدرسه مقصد و مسئولین مربوطه رسید. طبق آخرین تصمیمات قرار بر این شد که طلاب به ترتیب اولویت در مدارس هم مقطع خودشان و پس از آن در مقاطع پایین تر در نزدیکترین مکان محل اقامت خود امتحان دهند.

معاون آموزش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) به تعداد کلاس های برگزار شده به صورت غیر حضوری اشاره کرد و گفت: در این ترم، در سطح چهار، شصت واحد درسی در قالب ۲۷ کلاس آموزشی و برای سطح سه، پنجاه واحد درسی در قالب ۲۴ کلاس درسی از اول اسفند تا پایان نیم سال تحصیلی برگزار شد.

وی خاطر نشان کرد: برگزاری کلاس ها در ترم آینده براساس شرایط و بخش نامه ها تصمیم گیری خواهد شد.



دعوت از طلاب و دانش آموختگان گرایش مدرسی ادبیات عرب برای

تدریس در شهرستان تفرش

براساس اعلام معاونت آموزش مرکز تربیت مدرس، طلاب و دانش آموختگان گرایش مدرسی ادبیات عرب که داوطلب تدریس در شهرستان تفرش از توابع استان مرکزی هستند، درخواست می شود در ساعات اداری با کارشناس آموزش این مرکز (داخلی ۴۷۰۳) تماس بگیرند.

عکاسی خانه

عکس از م.ک



بازدید از کافه کتاب اندیشه



بازدید از محوطه



بازدید از خوابگاه

بازدید مدیرحوزه های علمیه خواهران استان قم از مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشم پور در مرکز تربیت مدرس



مراسم سالروز میلاد کریمه اهل بیت (ع) و جشن روز دختر



مراسم دانش آموختگی اولین دوره طلاب سطح چهار مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)

